

طرح از دیاد معارف امری از طریق
مکاتبه لجنه ملی نشر معارف امری

«تاریخ امرالله»

تالیف: دکتر عطاءالله مددی

مؤسسه ملی مطبوعات امری
سنه ۱۳۲۲ هجری

قسمت اول

حضرت اعلیٰ ووقایع عید اول از عصر رسولی

دور بهائی

ماخذ - کتاب مستطاب گار پاسمزای

درس اول

تقسیم بندی دوره‌های

حضرت ولی امرالله ارواحنا لترابہ الفدادین کتاب گاد پاسیز
بای باروشی بی نظیرگذشته و آیند فامرالهی رابه عصرها
و عهد هائی تقسیم فرموده اند . این تقسیم بندی نه تنها
مارا بدرک حقائق که روی داده است رهنمون میگرد
بلکه باتوجه به آن بی به عظمت دیانتی میبریم که دارای
قدرت و جامعیتی است که عقل انسانی واقعا از درک حقائق
آن عاجز است . قوه عظیمی که از روح الهی سرچشمه گرفته
و درجهان تحول و انقلا بی بی مانند بوجود آورده است .
مطابق با این تقسیم بندی ، حضرتش دوره‌های سه
عصر تقسیم فرموده اند .

۱ - عصر رسولی

۲ - عصر تکوین

۳ - عصر زهبی

عصر رسولی با اظهار امر حضرت اعلی شروع و با صعود حضرت
عبدالبهاء مرکز میثاق الهی خاتمه میپذیرد و طول آن هفتاد
و هفت سال است .

عصر تکوین با اعلان وصایای حضرت عبدالبهاء و جلوس

حضرت ولی امرالله برکرسی ولایت امرالله آغاز میشود در
این عصر نظم اداری جهان آرای حضرت بهاء الله در
ارض مستقر میگردد . حضرت ولی امرالله در همان کتاب
عصر رسولی را بسه عهد تقسیم فرموده اند :

عده اول یا عهد اعلی

۱۸۴۴	تا	۱۸۵۳	میلادی
۱۲۲۳	تا	۱۲۳۲	هجری شمسی
۱۲۶۰	تا	۱۲۶۹	هجری قمری

این عهد منتسب به حضرت نقطه اولی میباشد - ابتدایش
اظهار امر آن حضرت در پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰
و خاتمه اش طلوع شمس حقیقت در زندان سیاه چال طهران
است در این عهد شهادت حضرت اعلی در تبریز - کشتار
مؤمنین فدائیان آن مظهر عظمت ، خضوع ، مظلومیت
و نورانیت بوقوع پیوست . سرزمین ایران میدان قتل و فارت
و اسارت و کشتار یاران گردید و بیش از ده هزار نفر از
مؤمنین بدست اعداء شهید شدند .

در پادشاه قاجار (محمد شاه و ناصرالدین شاه) و در وزیر
خونخوار (حاجی میرزا آغاسی و امیرکبیر) برای از بین
بردن امر بنهایت بغض و عناد اقدام کردند .

عهد دوم یا عهد ابهی

۴۹

۱۸۵۳	تا	۱۸۹۲	میلادی
۱۲۶۹	"	۱۳۰۹	هجری قمری
۱۲۳۲	"	۱۲۷۱	شمسی

این عهد منتسب به حضرت بهاء الله میباشد . آغازش اشراق
« روح اعظم بر قلب سلطان قدم » در سیاه چال طهران
و انتهایش صعود مبارک در عکا است طول آن سی و نه سال
است .
در این عهد آثار ظهور اعظم الهی در شرق و غرب ظاهر
گردید . امرالله به ترکیه - روسیه - عراق - سوریه
و مصر و هندوستان نفوذ یافت . و پادشاه مقتدر یعنی
شاه ایران و سلطان عثمانی برای قطع درخت امر الهی متحد
شدند و پیشوایان دیانت اسلام از شیعه و سنی بمخالفت
قیام کردند . بدین ترتیب بشارات حضرت اعلی ظاهر گردید .
عظمت این عهد هنگام صدور و نزول الواح به سلاطین و روسای
عالم و پاپ در آدرنه (ارض سر) پدیدار گشت .

عهد سوم یا عهد میثاق

۲۹

۱۸۹۲	تا	۱۹۲۱	میلادی
۱۲۷۱	"	۱۳۰۰	هجری قمری

۱۳۰۹ تا ۱۳۴۰ هجری قمری

این عهد منتسب بوجود مبارك حضرت عبدالبهاء غصن الله الاعظم « سرالاقوم » مركز عهد و ميثاق الهی است . شروع این عهد با اعلان لوح عهدی جمال اقدس ابهی و جلوس حضرت عبدالبهاء بر سریر ميثاق الهی و خاتمه اش صعود هی کل مبارك میباشد .

طول این عهد نورانی بیست و نه سال است . در این عهد مصائب و گرفتاریهای شدید و همچنین فتوحات و انتصارات عظیمه روی داد . زمانی مركز ميثاق در دام بغض و حسد گرفتار گشتند و زمانی دیگر نور ساطعه از آن ماه تابان کشورهای آمریکا و اروپا و حتی نقاط دور دست مانند استرالیا و خاور دور را نورانی نمود بیست سال اخیر این عهد دوران ظهور مقدمات و افتتاح عصر تکوین است که حضرت ولی الله آنرا عصر انتقال نامیده اند .

سئوالات

۱ - آیا عصر اول دوربهای عبارتست از ؟

۱ - عصر تکوین

۲ - عصر رسولی

۳ - عصر زهبی

۲ - عصر رسولی دوربهای به چند عهد تقسیم میشود ؟

۱ - چهار عهد

۲ - سه عهد

۳ - دو عهد

۳ - آیا عهد میثاق

- ۱ - یکی از عهدود عصر تکوین است
- ۲ - یکی از عهدود عصر رسولی است
- ۳ - یکی از عهدود عصر ذهبی است

درس دوم

ظهور دیانت باهسی

حضرت ولی امرالله در کتاب گاد پاسز بای چنین میفرمایند:
« در تاریخ بیست و سوم ماه می ۱۸۴۴ میلادی نخستین
مرحله عصر رسولی در بهائیتی آغاز و با حلول این عصر
مقدس مجللترین و درخشاندهترین حلقه از حلقات کوراعظم
الهی که در تاریخ روحانی بشری مثل و عدیل است
افتتاح گردید. مرحله اول و عهد اعلی که از جهت و قایم
عظیمه شد بدترین و شگفت انگیزترین مراحل قرن اول بهائیتی
تشکیل میدهد. »

تاریخچه حیات حضرت باب بطور مختصر

حضرت اعلی نام مبارکشان آقاسید علی محمد از خاندان

مربوط به صفحه ۵

جوابهای صحیح سئوالات درس اول

ن
ذیلاً " جوابهای صحیح سئوالات درج میگردد تا پژوهندگان
بتوانند جواب های خود را با پاسخ صحیح آنها تطبیق دهند
سئوال اول

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال دوم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال سوم

پاسخ صحیح شماره ۲

رسالت در یوم اول محرم سال ۱۳۳۵ هجری قمری در شیراز با بر صرعه وجود گذاردند . پدرشان آقا سید محمد رضا و مادرشان خدیجه بیگم بود . در کودکی آثار ذکاوت و روحانیت از وجود مبارکشان پدیدار بود . بمدرسه نرفتند و تحصیل علوم آن زمان نفرمودند . در طفولیت بمکتب شیخ عابد تشریف میبردند . پدرشان وقتی حضرت باب کودک بودند وفات یافت و دانی بزرگوارشان آقا سید علی سرپرستی ایشان را قبول نمودند . در جوانی با مشارکت ایشان و زمانی مستقلاً " در شیراز و بوشهر به تجارت اشتغال داشتند در عین حال دائم بذکر حق مشغول بودند . سفری به عتبات عالیات فرمودند . سید کاظم رشتی در آن هنگام همگی را با توجه به اخبار و اسرار کتابهای آسمانی به قرب ظهور بشارت میداد و شاگردان را به پراکندن جهت درک حضور مظهر ظهور تشویق مینمود .

اظهار امر حضرت باب

حضرت نقطه اولی در سن بیست و پنج سالگی در لیله پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری قمری بنا بر آراء و مشیت الهی دعوی بابیت فرمودند . در آن شب تاریخی به ملاحسین بشرویه ای اظهار امر نمودند . ملا حسین از شاگردان ممتاز آقا سید کاظم رشتی بود و بشیراز سفر کرده بود در راه قایقی

قبل از غروب آفتاب در خارج دروازه شیراز با حضرت باب ملاقات نمود و آن حضرت با لطف و عطوفت خاص او را به بیت مبارک دعوت فرمودند . در آن شب تا صبحگاهان بین میهمان و میزبان مذاکراتی صورت پذیرفت . هیکل مبارک پس از سئوال پیرامون مشخصات و صفات مظهر ظهور میفرمایند آیا این مشخصات را در من مشاهده نمی نمائی ؟ سپس بیانات مهمی از زبان مبارک جاری میشود . در آن لیله مبارکه تفسیر سوره یوسف که بقیوم الاسماء موسوم است نازل گردید .

ملا حسین میگوید " در آن شب از خود بیخود شده از دنیا و مافیهای خبر مانده دل از نعمات جان پرور حضرتش متلذذ گردید و جان و وجدان از ترنمات معنویه همین نزول آیات قیرم الاسماء اهتزاز جدید یافت " و باز چنین میگوید " این امر چنان ناگهانی و صاعقه آسا بر من القا گردید که ارکان وجودم را متزلزل نمود و انوارش دیده گانم را خیره ساخت و قوه سحر انگیزش روح و روانم را مسخر کرد . هیجان و وحشت و انقلاب و اعجابی شدید در من نمودار شد حالتی از سرور و اطمینان دست داد که از توصیف خارج است گوئی ماهیت وجودم تغیر نمود و ضعف و خوف و ناتوانیم که خود را از تحریر و حرکت عاجز مشاهده

مینمودم بقدرت و قوت تبدیل گردید در خویش روح شجاعت
و شهامتی احساس نمودم که اگر جمیع قوای عالم بمخالفت
من برمیخاست یک تنه مقاومت و ایستادگی توانستم نمود
جهان را چون مشتى خاك در كفّ خویش اسیر یافتم
(نقل از کتاب قرن بدیع)

وضعیت ایران در آن ایام

مردم ایران در آن ایام بجهل و نادانی در میان کشورهای
مترقی شهرت داشتند - صفت بارز آنان تعصبات و نادانی
بود - در ذلت و حقارت بسر میبردند و محکوم حکمزمندان
حریص و آزمندان زمان بودند - علماء و روسای دینی -
بهینهایت نفوذ داشتند و در کمال تعصب و فساد بسر میبردند
و برای حفظ مقام خویش دست به هر اقدامی میزدند . باتمام
نیرو و قدرت با هرگونه افکار ترقی خواهانه و آزادی طلبی
مخالفت میورزیدند و چون ندای امر بلند شد به مخالفت
برخواستند و برخاموش نمودن امر الله قیام نمودند .
در پیادشاه ابتداء محمدشاه قاجار که بیمار و ترسو بود و دل
بود و سپس ناصرالدین شاه که جوان و سفاک و بی تجربه بود
و دوزیر یکی حاجی میرزا آغاسی و دیگری میرزاتقی خان
امیرنظام که اولی نادان و بی کفایت و دیگری خونخوار و قهار
بود به مخالفت و دشمنی قیام کردند . اما در میان این چنین

اکثریتی کسانی یافت میشدند که ندای الهی را پندیدند
گشتند و در ره محبوب خود جان و مال فدا نمودند .

وقایع بعد از اظهار امر مبارک و تشکیل حروف حی

۱ - تا مدت چهل روز پس از اظهار امر هیچکس از این
واقعه عظمی اطلاع پیدا ننمود پس از آن بتدریج هفده
نقش مقدس به امر جدید ایمان آوردند - این هفده نفر با
ملا حسین مشهوره ای تشکیل حروف حی را میدهند . آخرین
نفرشان میرزا محمد علی قدوس بود که در آن هنگام بیش از
بیست و دو سال از سن مبارکش نمیگذشت . قبل از قدوس
حضرت طاهره قره العین بدون آنکه بزیارت هیکل مبارک
نائل شود با مر جدید ایمان آورد . ایشان تنها بانوئی
هستند که جزء حروف حی محسوب و باین مقام مفتخر گردیدند
۲ - هیکل مبارک حضرت اعلی حروف حی را بمحضر مبارک
احضار فرمودند و پس از توضیح مقام و اهمیت مسئولیتی که
بعهدده دارند و ذکروظائف آنان هر یک را بدیاری مامور
فرمودند و بعضی را اجازه بازگشت به موطن عنایت نمودند
تا به تبلیغ و انتشار امر جدید بپردازند .

جناب ملا حسین را ماموریتی خاص محول فرمودند تا بطرف
طهران حرکت نمایند و باکمال اشتیاق منتظر رسیدن خبر از
جانب وی بودند تا آنکه خبر شرفیابی مشارالیه بساحت -

حضرت بهاء الله بشیرا زرسید و قلب حضرت اعلیٰ پراز سرو ر
و حبور گردید .

۳ - این نفوس مقدس پس از استماع دستورات مبارک بانجام
ماموریت عظیم خود قیام نمودند و باثبات و استقامتی که کمتر
مانند آن شنیده شده است در سراسر ایران به ابلاغ امر
جدید پرداختند و در برابر طوفان حوادث و مخالفت های
دشمنان که با تمام قوا قصد برانداختن و خاموش نمودن
چراغ امر الهی را داشتند ایستادگی نمودند .

سفر حضرت اعلیٰ بمکه و ابلاغ امر جدید بشریف مکه

در شعبان سال ۱۲۶۰ هیکل مبارک در حالی که جناب
قدوس در معیت آن حضرت بودند و غلام حبشی در خدمت
بود قصد زیارت کعبه نمودند و در ۱۹ رمضان با کشتی بادبان
بجانب جدّه عزیمت فرمودند و در ماه ذی الحجه مراسم
و مناسک حج را بجای آوردند . دو واقعه مهم در این سفر
روی داد .

۱ - اظهار امر و اتمام حجت بمیرزا محیط کرمانی

که یکی از پیروان مکتب شیخیه بود .

۲ - ارسال توقیعی توسط جناب قدوس بشریف

مکه و دعوت وی بشریعت الهی

هیکل مبارک پس از مسافرت بمدینه و زیارت اماکن متبرکه

آنجا و مراجعت بجسده به بوشهر نزول اجلال فرمودند
در اینجا جناب قدوس را مرخص نموده ایشان را مطمئن ساختند
که بدرک لقای مقصود فائز خواهد گردید و بمقام فدائیان
خواهد شد .

حوادث اولیه پس از اظهار امر حضرت اعلی

۱ - جوش و خروش غریبی بین مردم ظاهر گشت - در مسجد
مدرسه و بازار همه جا صحبت از دعوی جدید بود .

۲ - ملا علی بسطامی از حروف حی در عراق در محضر
شیخ محمد حسن عالم بزرگ شیعه زبان باثبات شریعت تازه
گشود که به اسیری و تبعیدی وی منجر گردید و بگمان
نزدیک به یقین بر تبه شهادت فائز گردید او اولین حروف حی
است که جام بلا از کف ساقی بقابنوشید .

۳ - جناب ملا صادق خراسانی پس از ابلاغ امر جدید
در مسجد در مقابل جمعیت کثیر مردم گرفتار شدند و هزار
تازیانه در ملا عام تجمل نمودند و باتفاق جناب قدوس و یکی
دیگر از اصحاب ریش هایشان را سوزاندند مهار نمودند
و پس از گردانیدن در کوی و برزن از شهر اخراج نمودند .

۴ - حکمران فارس حسین خان نظام الدوله از بروز انقلاب
وهیجان عظیم متوحش شد امر داد حضرت اعلی را که از بوشهر
به جناب شیراز در حرکت بودند تحت الحفظ بشیراز وارد

ساختند و در محضر حاکم داخل نمودند و پس از توبیخ بدستور وی سیلی شدید بچهره مبارک وارد ساختند بطوریکه عمامه از سر بیفتاد و آثار ضرب در چهره پدیدار گشت .

آن حضرت با وساطت امام جمعه و ضمانت جناب حاجی میرزا سید علی خال آزاد شدند و در منزل ایشان سکونت یافتند - تا چندی بعد از آن حضرت اعلی توانستند در مصاحبت حرم و مادر و خال بسر برند - نوروز آن سال و سال بعد را با فراغت و امنیت بسر بردند .

توسعه امر مبارک و اقبال علماء

در خلا لی که حضرت اعلی در شیراز تشریف داشتند در ایران هیجان و شوری عظیم ایجاد شده بود عد های از علماء و تجار و اعیان به تحقیق در امر جدید پرداختند و تعداد بسیاری از مردم جهت کسب خبر و تحقیق به بیانات مؤمنین حضرت باب که باشجاعت و بدون ترس و خوف در محاضر بنیان میداشتند گوش فرامیدادند . از جمله

۱ - محمد شاه نیز در این هنگام در صد تحقیق برآمد و جناب آقا سید یحیی در اربی را که از علمای بزرگ بود بشیراز اعزام داشت - ایشان سه جلسه بحضور حضرت باب رسید و در جلسه آخر استدعای تفسیر سوره کوثر نمود - نزول این تفسیر و تاثیر شدیدی که هیکل مبارک بروی داشتند

سبب ایمان نامبرده گردید لذا از مراجعت به مرکز منصرف
و گزارش مختصری بحضور پادشاه فرستاد و خود به انتشار
امرالله قیام نمود و آخرالامر در واقعه نیریز بشهادت رسید .
۲ - جناب ملا محمد علی حجت زنجانی یکی از شاگردانش
برای تحقیق بشیراز اعزام نمود این فرد به ظهور جدی رسید
مؤمن گردید و کتاب قیوم الاسماء را در مراجعت به جناب
حجت تسلیم نمود و سبب ایمان ایشان شد .

۳ - میرزا احمد از غندی از مهمترین علمای خراسان با امر
جدید گردید و تألیفاتش سبب هدایت نفوس بسیار شد .
دستگیری حضرت اعلی و مسافرتشان باصفهان

حسین خان حاکم فارس از پیشرفت امرالله نگران شده بود
با هدایت حاجی میرزا آغاسی دستور دستگیری حضرت بابا
صادر نمود لذا عبدالحمید خان داروغه شهر شب هنگام
از دیوار بیت خال که حضرت در آنجا تشریف داشتند بالا
رفت و دستگیرشان نمود . آثار و اوراق را ضبط کرد و لسی
بروز و انتشار بیماری و با در همان شب سبب شد حاکم
به آزادی هیکل مبارک موافقت نماید بشرط آنکه حضرت باب
شیراز ترک فرمایند . قبل از حرکت و تودیع با مادر و حرم و
خال اعظم حضرت باب طبق وصیتی دارای خویش را
بمادر و حرم خویش منتقل فرمودند . و مناجاتی با عزیز حرم

مبارك صادر فرمودند که در هنگام تأثر زیارت نمایند تا سبب تسکین گردد . سپس در رمضان سال ۱۲۶۲ حضرتش - به معیت آقا سید کاظم زنجانی بصوب اصفهان حرکت فرمودند - حضرت اعلیٰ قبل از ورود به اصفهان نامه ای به معتدالدوله حاکم ایالت مرقوم فرمودند - منزال سلطان العلماء امام جمعه جهت سکونت ایشان تعیین - گردید و حضرت چهل شبانه روز در آن خانه میهمان امینان جمعه بودند و با کمال احترام پذیرائی شدند - امام جمعه در شبی استدعای تفسیر سوره والعصر را نمود تفسیری معادل ثلث قران نازل گردید و سبب شگفتی حضار شد بطوریکه همگی به دامان مبارک بوسه زدند - شوق اهالی اصفهان برای زیارت مبارک روز بروز فزونی میگرفت و تعداد بیشمارى از دور و نزدیک به خانه امام جمعه روی می آوردند - روزی موقع مراجعت حضرت از حمام اهالی برای استفاده از آبی که هیکل مبارک در آن استحمام نموده بودند به جهت شفای بیماران خود روی آوردند - معتدالدوله نیز بحضور مبارک رسید و تقاضای اثبات نبوت خاصه نمود جوابی که بیان فرمودند و مرقوم داشتند سبب ایمان وی گردید .

علماء با فزونی نفوذ هیکل مبارک متوحش شدند و با تحریک حاج میرزا آغاسی به مخالفت با امر جدید پرداختند در این

وقت معتمد الدوله بر اساس فرمان محمد شاه مبنی بر احضار حضرت باب به طهران حضرت را موقتا "بمنزل خویش منتقل ساخت - از طرف دیگر علماء فتوای قتل حضرت را صادر نمودند امام جمعه رانیز خوف فرا گرفته نسبت جنون به آن حضرت داده و رای خود را ذیل ورقه نگاشت - لذا معتمد الدوله برای رفع خطر از وجود مبارک شایع ساخت حضرتش بطهران اعزام شده اند ولی مدت چهار ماه ایشان را در عمارت مقرر حکومت خود پذیرائی نمود تا آنکه معتمد الدوله وفات یافت و برادرزاده اش گرگین خان نایب الحکومه شد - مجدداً حکم کتبی شاه مبنی بر اعزام حضرت به طهران صادر شد لذا گرگین خان حضرت باب را پنهانی بالباس مبدل تحت حفاظت عده ای سوار به ریاست محمد بیگ بطهران اعزام داشت .

چون به سی فرسنگی طهران رسیدند ماموری از طرف حاج میرزا آقاسی وارد و نامه ای به محمد بیگ تسلیم کرد مشعر بر اینکه حضرت را به قریه کلین منتقل نمایند و منتظر دستورات نوی باشند .

سپس دستخط شاهی به هیکل مبارک حضرت باب رسید گرچه عنوان ولحن نامه محترمانه بود ولی پیدا بود که تلقیناً حاج میرزا آقاسی در فکر شاه نفوذ نموده است . بدین ترتیب

درچه تاریخی بوده ؟

- ۱ - قبل از اظهار امر حضرت بود
- ۲ - در شعبان سال ۱۲۶۱ هجری قمری بود
- ۳ - در شعبان سال ۱۲۶۰ هجری قمری بود
- ۵ - آخرین نفر از حروف حی که بحضرت باب ایمان آورد کی بود
 - ۱ - جناب طاهره قره العین
 - ۲ - جناب ملا باقر حف حی
 - ۳ - حضرت میرزا محمد علی قدوس
- ۶ - اولین شهید در امر حضرت باب کی بوده است ؟
 - ۱ - جناب ملا صادق خراسانی
 - ۲ - جناب ملا علی بسطامی
 - ۳ - جناب میرزا حسین باب الباب
- ۷ - تاریخ عزیمت حضرت باب به اصفهان با اصرار حاکم فارس
درچه تاریخی بوده است ؟

- ۱ - رمضان سال ۱۲۶۳
- ۲ - " " ۱۲۶۲
- ۳ - " " ۱۲۶۱
- ۸ - اقامت حضرت باب در اصفهان چه مدت بوده است ؟
 - ۱ - يك سال
 - ۲ - ششماه
 - ۳ - چهارماه

مربوط به صفحه ۱۶ و ۱۷

جوابهای صحیح درس دوم

ذیلاً جوابهای صحیح سئوالات درج میگردد تا پژوهندگان
بتوانند جواب های خود را با پاسخ صحیح آنها تطبیق دهند

سئوال اول

پاسخ صحیح شماره ۱

سئوال دوم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال سوم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال چهارم

پاسخ صحیح شماره ۳

سئوال پنجم

پاسخ صحیح شماره ۳

سئوال ششم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال هفتم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال هشتم

پاسخ صحیح شماره ۲

درس سوم

سجن حضرت اعلیٰ در ماکو و چه‌ریق

حضرت اعلیٰ پس از صد و رحکم پادشاهی تحت محافظت -
سواران دولتی به سرپرستی محمد بیگ بطرف آذربایجان
رهسپار گردیدند در طی این سفر آثار و حرکاتی از هیکل
اطهر ظاهر گردید که سبب ارادت محمد بیگ شد . هیکل
اعلیٰ چند روزی در تبریز اقامت داشتند . حکومت تبریز
بر خلاف شور و هیجان مردم جهت زیارت طلعت قائم
موعود بهیچ کس اجازه ملاقات نمیداد و همگان را به حبس
و قمارت اموال تهدید مینمود که کسی طالب زیارت آن سید
ابراز نگردد سپس حضرت را طبق دست و ر به قلعه ماکو
که در میان کوهی بلند قرار داشت منتقل ساختند . نظر
حاج میرزا آغاسی وزیر کوتاه فکر از انتخاب این محل جهت
زندانی حضرت اعلیٰ چنین بود .

۱ - بعلت و در افتاده بودن و فقدان راههای ارتباطی
با سایر نقاط .

۲ - سنی بودن ساکنین آنجا و عدم آشنائی با زبان فارسی
و دشمنی با مذهب شیعه لذا با نظر موافق به آن حضرت
که سیدی از حزب شیعه بودند نمی‌نگریستند .

۳ - ماکو موطن حاج میرزا آغاسی بوده بدین ترتیب -

ساکنین آنجا برای اجرای دستورات آن وزیر آمادگی بیشتری نشان میدادند .

باری علی خان ماکوئی مامور حفظ و نگهداری آن حضرت شد . در ابتدا زندان و معانعت شدید بود ولی در اثر رفتار و بیانات حضرت بتدریج مردم علاقه عجیبی پیدا نمودند . محل اقامت مبارک اطاقی کوچک از خشت و گل بود . شبها چراغی از برای روشنائی نداشتند و ساکنین قلعه بنامها به شهادت خود حضرت عبارت بودند . از دو مستحفظ و چهار سنگ . حال ملا حظه کنید چه به ۵۰ یکل مبارک گذشته است .

بعداً علی خان ماکوئی بسبب خوابی که دیده بسود ارادت و محبت خاصی نسبت به حضرت در قلب خود احساس نمود لذا از شدت تضییقات کاسته شد و از ملاقات حضرت با پیروان که مرتباً به ماکوروی می آوردند جلوگیری ننمود از جمله جناب باب الباب در نوروز سال ۱۲۶۴ به حضور مبارک مشرف گردید .

حاج میرزا آغاسی چون اوضاع را بدین منوال دید دستور داد زندان حضرت باب از ماکو به چهریق تغییر یابد . مدت اقامت حضرت اعلی در ماکو نه ماه بود . انتقال حضرت اعلی از ماکو به چهریق در جمادی الاولی سال

۱۲۶۴ انجام پذیرفت . زندانبان حضرت در چهارم یحیی خان بود که نسبت نزدیک به محمدشاه داشت . این شخص نیز در ابتدا با شدت نسبت به زندانی خود رفتار نمود ولی بتدریج خلق و رفتار ملکوتی حضرت اعلی در روی و همچنین سایر مردم متأثر فراوان گذاشت و هرروز دسته دسته مردم در داخل قلعه اجتماع میکردند بطوریکه گاهی محل خالی برای کسی باقی نمی ماند .

شرکت حضرت یاب در مجلس ولیعهد

امراهی رو بتوسعه بود - تعداد بسیاری خصوصاً از طبقات عالیه مملکت در آن دیار بحضرت مؤمن گشتند . اشتها را امر الهی سبب شد حاج میرزا آغاسی چاره اندیشی نماید لذا تصمیم تازه ای اتخاذ شد . حضرت باب را از راه رضائیه (ارومیه سابق) به تبریز گسیل داشتند . استقبال حاکم و مردم در رضائیه از هیکل حضرت اعلی بی نظیر بود حضرت به تبریز رسیدند و برای جلوگیری از هرگونه استقبال عمومی و بروز شور و غوغا ایشان را در خارج شهر مسکن دادند فرمان حاج میرزا آغاسی مبنی برتشکیل مجمع علماء و مجتهدین بمنظور محاکمه و فیصله یافتن امر حضرت باب واصل گردید لذا این مجمع در حضور ناصرالدین میرزا ولیعهد و حکمران آن ربایجان تشکیل شد . پس از ورود حضرت باب

به مجمع و جلوس در صدر مجلس در جای ولیعهد طی سئوال و جوابی که بعمل آمد امر تازه اعلام گردید . حضرت بساب باکمال وقار و اطمینان بانزول آیات جواب سئوال کنندگان را دادند و به آیات قرآن احتجاج میفرمودند و چون یکی از حضار سئوال خارج از موضوع که ارتباطی به دعوی و مقام حضرت نداشت بنمود با اشاره به آیه ای از قرآن باکمال وقار مجلس را ترک فرمودند نکات قابل تفکر درباره این مجلس بقرار زیر است :

- ۱ - مقصود حاج میرزا آغاسی از تشکیل این مجلس آن بود که حضرت باب را بترك ادعای خود مجبور سازد .
- ۲ - حضرت اعلی در این مجمع باکمال صراحت ادعای خود مبنی بر قاعیت و ظهور مهدی موعود را بیان داشتند و برای اثبات مدعای خود به نزول آیات تکیه فرمودند .

پس از ختم جلسه علماء به چوبکاری نمودن حضرت تصمیم گرفتند . این جسارت و ظلم و جور در نمازخانه شیخ الاسلام صورت گرفت و ملای بد طینت بدست خود حضرت را به چوب بست . پس از واقعه مجلس ولیعهد حضرت مجد را به چهره ریق منتقل شدند . مدت حبس مبارک در چهره ریق بیست و هفت ماه بود که فاجعه عظمی روی داد .

حوادث مهمه ای که هم زمان با حبس حضرت اعلی در ماکوو

چهریق روی داده است .

الف - اجتماع بدشت و نتایج آن

در حالیکه حضرت اعلی در جبال آذربایجان محبوس - بودند و احکام ظهور جدید از قلم شارع آن تنظیم می یافت اجتماعی بزرگ و تاریخی از اجله مؤمنین و سایر یاران حضرت در جلگه بدشت نزدیک شاهرود تشکیل گردید .

هدف از این اجتماع دو چیز بود .

۱ - اعلام استقلال دوره بیان و انفصال شریعت جدید

از ادیان قبل از ظهور مبارک .

۲ - فراهم آوردن موجبات استخلاص حضرت اعلی از زندان .

هدف اول به بهترین وجهی طی این احتفال عظیم حاصل گردید ولی بنابه اراده الهی و صول به هدف دوم غیر ممکن شد .

جریان این اجتماع بطور خلاصه بدین قرار است . حضرت

بهاء الله در بدشت سه باغ اجاره فرمودند یکی برای

اقامت جناب قدوس - دیگری جهت جناب طاهره و سومی

جهت اقامت خودشان در نظر گرفتند . در این احتفال

تاریخی هشتاد و یک نفر شرکت داشتند مدت تشکیل انجمن

بیست و دو روز بود - شرکت کنندگان از اکثر بلا برای شرکت

در مذاکرات اجتماع ^{الله} نموده بودند و کلاً میهمان حضرت بهاء

بودند - حضرت بهاء الله اگرچه مستقیماً در تشکیلات این احتفال تاریخی دخالت نفرمودند ولی حقیقتاً جریانی آن بانظروقیادت ایشان انجام می پذیرفت . هرروز لوحی از قلم مبارک نازل میشد و در جمع تلاوت میگردد و بهر یک از شرکت کنندگان اسمی و لقبی جدید داده میشد از جمله آخرین حرف حی به لقب قدوس و قره العین بلقب طاهره موصوف شدند و هیكل مبارک بنفسه از آن تاریخ بنام بهاء خوانده شدند این القاب همگی مورد تأیید حضرت سبب قرار گرفتند . باری هیچکس نمیدانست این الواح از کیست . روزی حضرت بهاء الله بعزت کسالت ملازم بستر بودند لذا همگی در محل اقامت ایشان اجتماع نمودند - جناب طاهره که مظهر عفت - طهارت و عصمت بودند بی حجاب ظاهر گشتند و در طرف راست جناب قدوس نشستند و با کلمات و جملاتی آتشین در وجدید امر الهی را اعلام و نسخ دوره - قبل را ابلاغ داشتند . یاران از این نحوه رفتار حضرت طاهره در چار اضطراب شدند - حضرت قدوس از فرط غیظ ساکت نشست بودند و چنین بنظر میرسید که منتظر آن میباشند تا با شمشیر ضربه ای بر پیکر حضرت طاهره وارد آورند . همگی ساکت و مات و مبهوت بودند - یکی از اصحاب گلوی خود را از فرط غضب برید و با پیکر خود آلود و یوانه وار از مجلس

گریخت . عده ای مجلس را ترك كردند حضرت طاهره بدون توجه به این غلیان احساسات بدون آنکه تشویشی بخود راه دهند از جای برخاستند و با شور و شوق شرکت کنندگان در احتفال را مخاطب قرار داد و خطاب به ای بلیغ ایسراد نمودند و نطق خود را با این بیانات خاتمه دادند .

« من همان کلمه ای هستم که چون قائم موعود به آن تکلم نماید نقباء ارض از استماع آن مند هوش گردند و راه فرار اختیار کنند » بعد از آن باوقار هرچه تمامتر حضار را بچشم و سرور و شادمانی با کمال روحانیت دعوت نمودند .

آری در آن واقعه تاریخی بر طبق احادیث و اخبار نقره ناقوز بصدور آمد و « نفعه صور » بلند گردید - از آن تاریخ در آداب و انجام وظائف مذهبی و روش و سلوک تابعین حضرت باب که همگی از شیعیان متعصب بودند تغییرات کلی حاصل گردید و احکام قدیم بکلی منسوخ گردید . این واقعه در سال ۱۲۶۴ روی داد و یک سال از نزول احکام شرع جدید از سما و خلی الهی گذشته بود که پیروان حضرتش باهدایت های حضرت بهاء الله ترك احکام اسلام برداختند و استقلال آئین الهی را با کمال عظمت اعلام نمودند -

بلافاصله بعد از این احتفال بزرگ تاریخی حضرت بساب در مجلس ولیعهد در تبریز مقام قائمیت خویش را با حضور

علمای اعلام و روسای شیعه و شیخی اعلان فرمودند و اقدام
مومنین را در موتمن تاریخی بدشت و اعتقاد راسخ آنان را
نسبت به دین تازه تأیید فرمودند .

ب : وقایع بعد از اظهار و اعلام قائمیت حضرت باب در مجلس
ولیعهد تبریز. پس از آنکه حضرت نقطه اولی باکمال جلال
در مجلس ولیعهد با حضور علمای اسلام و روسای دینی دعوی
قائمیت و مهدویت خود را اعلام و ابرام فرمودند و علمای
مذهبی در سراسر کشور ایران بر فراز ضاهر و در مساجد و تکایا
عوام را بر علیه پیروان حضرت باب تحریک مداوم نمودند
و مشکلات و سختیهای فراوان برای آنان ایجاد نمودند -
در حقیقت آشوب شدید در سراسر ایران برپا گشت . در
مقابل مومنین باز یارت آثار الهیه بر استقامت و انجذاب -
و پایداریشان افزوده می گشت و باکمال شجاعت و بی پروائی
به تألیف رسائل و بیان براهین قانع کننده در اثبات امر
جدید پرداختند .

باری : در این اوان که مصادف با سه سال آخر دوره امر
مبارک و همزمان با حبس و گرفتاری حضرت اعلی در ماکو
و چهریق بود حوادث و وقایع خونین روی داد که در تمام
دوران عصر رسولی بی مثل میباشد .

بابیماری محمد شاه و درگذشت وی و طرد شدن حاجی میرزا

آغاسی و فرار به کربلا و تسلطت رسیدن ناصرالدین شاه و روی کار آمدن امیر نظام اوضاع سخت تر گردید . این وزیر خود خواه و سفاک برای ازیت و آزار بابیان دستورات موکده صادر کرد - حکام ولایات نیز برای کسب درآمد بیشتر با کمک و پشتیبانی علماء و مردم برای فرونشاندن حس کینه و بغض خود در نابود ساختن مؤمنین اقدام های عاجلانه نمودند در حقیقت دولت و روحانیان و مردم برای ازیت و امحاء بابیان متحد شدند - در نقاطی که مؤمنین کم و پراکنده بودند همگی از دم شمشیر گذشتند ولی در نقاطی که بابسیان فراوان تر بودند بناچار بدفاع از خویش برخاستند (این را دشمنان و ارونه جلوه داده به طغیان و سرکشی تعبیر نمودند)

اجتماع بابیان در قلعه شیخ طبرسی بمنظور

دفاع از خویش

جناب ملا حسین بشرویه ای ، باب الباب عمده سبزی را که از طرف حضرت اعلی بوی عنایت شده بود بر سر نهاد و سیرق سپاه برافراشت از خطبه خراسان باتفاق دو بیست و دو نفر از یاران بطرف مازندران براه افتاد - برافراشتن پرچم شیاه بموجب اخبار واحادیث نشانه ظهور قائم موعود میباشد - جناب ملا حسین و یاران به جناب قدوس در بار فروش پیوستند و منظورشان از این اقدام اعلان بی پرده امرالله به تمام مردم

از خاص و عام بود - در اثر هجوم افراد مسلح و غضبناك و بستن راه بر آن گروه روحانی و کشته شدن هفت نفر از یاران باگلوله بناچار در کاروانسرای سبزه میدان بارفروش محاصره شدند - در اینجا نیز سه نفر دیگر از یاران که برای گفتن اذان و ادامه آن به بام کاروانسرا رفته بودند یکی پس از دیگری شهید شدند ولی در ادامه اذان انصرافی حاصل ننمودند تعداد اصحاب جمعا^۲ به سیصد و سیزده نفر رسیده بود که بر اثر حوادث و پیش آمد ها و برخورد بالشگریان و خروج از بارفروش (بابل فعلی) در قلعه شیخ طبرسی در میان جنگل مازندران موضع گرفتند و مدت یازده ماه از خود دفاع نمودند - با عده ای قلیل که اکثر شاک از طلاب علوم دینی بودند و از فن سپاهی گری چیزی نمیدانستند و با کمی وسائل جنگ و کمبود مواد غذایی با سپاهی خونخوار با تمام وسائل روبرو شدند و اغلب باعث انهدام و فرار سربازان و فرماندهانشان میشدند و آخر الامر باد روغ و نیرنگ آنانرا از قلعه خارج نموده همگی را از دم شمشیر گذراندند و نابود ساختند نکات ذیل در متن وقایع قلعه شیخ طبرسی جالب توجه است :

۱ - یاران به مال دنیا هیچگونه توجه نداشتند - در راه وصول به قلعه کیسه های فیروزه را بوسط جنگل رهانمودند

هوقتی دشمن از پیش روی آنان فرارمینمود به جواهرآثاته
گرانبهای آنان بعنوان غنیمت جنگی هیچ توجهی ابراز
نمیداشتند .

۲ - ملا حسین بارها به شاهزاده مهدیقلی میرزا فرمانده
سپاه اعلام کرده بود که اینان هرگز قصد سلطنت نداشته
ونظری برای انهدام بنیان حکومت ندارند .

۳ - شجاعت یاران بی نظیر بود - مثلاً " ملا حسین که فردی
روحانی واندامی ضعیف داشت چنان قدرت یافته بود که
روزی یکی از مهاجمین که درپس درختی پنهان شده بود
خود ودرخت و تفنگش را بضر بشمشیر دونیمه نمود .

۴ - حضرت بهاء الله از قلعه و استحکاماتی که اصحاب
مجملاً " برای حفظ و صیانت خود بنیان نموده بودند بازدید
فرمودند و ابتهاج غیرقابل توضیفی در قلب جنابملا حسین
ایجاد نمودند و باتعلیمات آن حضرت موجبات استخلاص
جناب قدوس فراهم شد .

۵ - بیانات جناب قدوس درتفسیر صاد الصد درصبحگاهان
و هرشام باعث شورش و شعف یاران میگردد . این تفسیرکه
نیمی از آن قبلاً " از قلم ایشان صادر شده بود نیم دیگرش
درقلعه بیان گردید که حجم آن معادل شش برابر قرآن
کریم است .

- ۶ - اصحاب بسرکردگی جناب باب‌الباب در قبل از طلوع آفتاب و با فریاد یا صاحب‌الزمان سوار بر اسب به قلب سپاه حمله میبردند و یاشب‌ها شبیخون میزدند و اغلب سبب - فرار شاهزاده مهد یقلی میرزا فرمانده سپاه میشدند .
- ۷ - حکمت و متانت و برد بازی جناب قدوس واستقامت و - اطمینانی که پس از ورود به قلعه در پیروان امرالله بوجود آمد و همچنین کاردانی ولیاقت ایشان بسیار قابل توجه بود
- ۸ - ملا حسین پس از یک حمله عمومی که به قلب دشمن نموده بودند و هفت سنگگردشمن رافتح کردند در اثر زمین خوردن اسبشان توسط عباسقلی خان لاریجانی هدف گلوله قرار گرفته مجروح شدند و توسط یاران به قلعه آورده شدند و صعود نمودند و در قلعه مدفون گردیدند .
- ۹ - اصحاب قلعه به کمبود مواد غذایی شدیدی دچار شدند ابتدا^{۱۰} به گوشت اسب سد جوع میکردند و زمانی با سبزه و - علف و پوست درختان و پوست چهار پایان و چرم و اشیائی مانند زین و کمر بند و غلاف شمشیر و کفش تغذیه مینمودند تا آنجا که مجبور شدند نعش اسب ملا حسین قائد خود را از زیر خاک خارج نمود . از گوشت پوسیده آن سد جوع نمایند . وضعیت آب نیز بهمین منوال بود .
- ۱۰ - خاتمه کار اصحاب قلعه با رفتار ناجوانمردانه و نیرنگ

و خدعه شاهزاده مهدیقلی میرزا صورت گرفت وی قرآنی را
ممهور نمود و قسم یاد کرد که اصحاب را آزاد بگذارد که با وطن
خود مراجعت نمایند ولی پیمان شکنی نمود و چون اصحاب
در پی حضرت قدوس به اردوی لشگریان وارد شدند به آنان
حمله نمود - بعضی را گرفتند برخی را فروختند عده ای را از
دم شمشیر گذراندند و یاتیر باران کردند یا سوزاندند
ویا به دهانه توپ بستند و بعضی را سر از بدن جدا
ساختند جناب قدوس نیز به سعید العلماء که از دشمنان
پریغض و کین ایشان بود تسلیم شدند و به تحریک و دستور
وی لباس از تن وی برکنند و در غل و زنجیر قرار دادند
و گرد کوچه و بازار بار فروش گردانند سپس بد نشانرا شرحه
شرحه کرده و جسد شانرا آتش زدند .

واقعه نیریز

تعداد یاران و اصحاب حضرت باب درنی ریز زیاد بود حا کم
محل زین العابدین در شمنی و تعصب شدیدی نسبت بآنان
ابراز مینمود و از عملیات او شاهزاده فیروز میرزا حکمران
فارس پشتیبانی مینمود - از کثرت حملات ، یاران با سرپرستی
جناب آقاسید یحیی در اربی ملقب به وحید در قلعه خواجو
موضع گرفتند و در مقابل سپاهیان و لشگریان دشمن استقامت
نمودند و از خود دفاع کردند آخر الامر در اثر خیانت دشمنان

جناب وحید و جمع بسیار زیادی از یاران شهید گشتند -
این کشتار از قتل و زجر یاران در مازندران فجیع تر بود
کیفیت شهادت جناب وحید از این قرار بود که ایشان را با شال
سبز یا سب بستند و با خواری و تحقیر فراوان در کوچه و بازار
گرداندند سپس شهیدشان کردند - رأس ایشانرا که از تن
جد اکرده بودند پراز گاه کردند و بشیراز جهت حکمران
ایالت فرستادند - سپس قلع و قمع بابیان بی دفاع توسط
پنجهزار سرباز آغاز گردید همه بابیان را از دم شمشیر -
گذراندند منازلشانرا پس از غارت اموال و اثاثیه شان خراب
کردند و برخی را آتش زدند - عده ای را داغ کردند - بعضی
را ناخن کشیدند - جمعی را آنقدر زدند تا مردند - تعدادی را
میخکوب کرده مهار نمودند و در شهر گرداندند رؤس شهدا
بر نیزه ها افراختند و زنان و کودکان بی گناه را سوار بر قاطر
و شتر از میان سرهای عزیزانشان عبور داده باروس به شیراز
اعزام داشتند و از آنجا این سرهای از تن جدا شده را به
نشانه ظفر و پیروزی به جانب مرکز کشور فرستادند .

واقعه زنجان

واقعه زنجان از نظر کثرت کشته شدگان و همچنین طول
مدت ماجرا از وقایع مازندران ونی ریز شدید تر و آتش
انقلابش سوزاننده تر بود - دشمنان آئین الهی بفرماندهی

امیرارسلان مجدالدوله دانی ناصرالدین شاه بازیت و آزار بابیان پرداختند . بناچار اینان تحت هدایت جناب حجت زنجانی ملا محمدعلی در قلعه علیمردان خان موضع گرفتند سپاهیان به حمله و قلع و قمع مؤمنین آغاز نمودند تعداد یاران از کوچک و بزرگ حدود سه هزار نفر بود - پیوسته طبق مواعظ و نصایح جناب حجت خضوع خود را نسبت بمقام سلطنت ابراز میداشتند و سعی میکردند باعمال و افعال مسی که از آن رایحه انتقام استشمام شود مبادرت نمایند . قدرت و پایداری اصحاب قلعه در دفع حملات لشگریان بی مانند بود و بارها سبب شکست آنها گشتند بطوریکه منجر به توبیخ و عزل صدرالدوله یکی از فرماندهان گردید . ایمان و شجاعت زنان خصوصاً فردی از آنان بنام زینب - بسیار آموزنده بوده است . اینان گاهی بالباس مردان در صفوف حمله شرکت داشتند و زمانی به انجام خدمات پشت جبهه و پرستاری زخمی ها میپرداختند . اصحاب اغلب ذکر تکبیرات پنجگانه که از طرف حضرت اعلی مقرر شده بود چنان با عظمت ادا مینمودند که طنین آن در خارج قلعه منعکس میشد و سبب دهشت و اضطراب سربازان و مرگ برخی از آنان از شدت ترس میگردد و اغلب فرماندهان بساط قمار و مشروب رارها نموده پابرهنه فرار را برقرار ترجیح

میدادند .

این مؤمنین اغلب اوقات به تلاوت آیات و حمد پرورگار مشغول بودند و فی الحقیقه خلوص و محبت و جانفشانی‌شان بی نظیر بود .

آخراً مرلشگریان به غارت و کشتار و اسیر نمودن یساران رحمانی موفق شدند جناب حجت و یکم هزار و شصده تن دیگر را کشتند عده‌ای را به توپ بستند . برخی را در آب سرد زمستان با یخ بندان بی نظیر آن سال انداختند و سپس - با شلاق تنبیه کردند - سر بعضی را در آب جوش فرو بردند بدن عده دیگر را به شیره آغشته نموده بروی برف بیابان انداختند تا جان دادند - این اعمال ناجوانمردانه و وحشیانه پس از پانزده روز که آنان را در فضای باز در معرض سرمای شدید قرار دادند و در این پانزده روز مرتباً به طعن و لعن آنان اشتغال داشتند روی داد . جسد جناب حجت که در اثر تیر خوردن و کثرت جراحت و زخم در قلعه جان داده بودند از قبر خارج کردند و با گرداندن آن جسد مقدس بمدت سه شبانه روز در کوی و برزن آتش خوی درندگی خود را تسکین دادند .

شهدای سبعة ووقایع طهران

انقلاب و کشتار به مرکز مملکت نیز کشیده شد در این وقایع

جانگد از هفت نفر که بزرگان اصحاب و مؤمنین بودند بوضع فجیع و دردناکی برتبه شهادت نائل آمدند از جمله جناب حاجی میرزا سید علی خال و دیگری میرزا قربانعلی درویش که مورد احترام و تکریم همگان بودند - این هفت نفس مقدس بانهایت شوق و اشتیاق به میدان فداشتافتند و باعث شگفتی همگان شدند و در آخر اجساد آنان را سه شبانه روز در سبزه میدان رها ساختند تا خوب لگد کوب عوام شوند این واقعه چهار ماه قبل از شهادت حضرت اعلی روی داد و رسیدن خبر آن به چهریق باعث اندوه فراوان طلعت - اعلی گردید و طی توقیع منیع مراتب استقامت و فداکاری و انقطاع آنان را ستودند .

سئوالات

۱ - حبس حضرت اعلی در ماکو چه مدت طول کشید .

۱ - بیست و هفت ماه

۲ - نه ماه

۳ - هیجده ماه

۲ - پس از زندان ماکو حضرت اعلی راه کدام يك از نقاط

ذیل فرستادند .

۱ - رضائیه

۲ - چهریق

۳ - تبریز

۳ - حبس حضرت اعلی در چهریق چه مدت بوده است ؟

۱ - سه سال

۲ - بیست و هفت ماه

۳ - بیست و پنج ماه

۴ - اهداف اجتماع یاران حضرت باب در بدشت در سال

۱۲۶۴ هجری قمری چه بوده است ؟

۱ - اعلان استقلال دوره بیان و انفصال شریعت

جدید از ادیان قبل

۲ - فراهم آوردن موجبات استخلاص حضرت اعلی

از زندان

۳ - هر دو این اهداف

۵ - خاتمه کار اصحاب قلعه ضیخ طبرسی بکدام یک از سه

صورت ذیل بوده است ؟

۱ - با حمله همه جانبه سپاهیان دولتی و قلع و قمع

اصحاب

۲ - با پیروزی جنگی اصحاب بر سپاهیان

۳ - با خدعه و نیرنگ و خروج اصحاب قلعه با قید

قسم فرمانده سپاه دولتی

۶ - شهادت حضرت قدوس چگونه بوده است ؟

۱ - در یکی از حمله های لشگریان بقلعه روی داد

۲ - پس از خروج از قلعه بدست سپاهیان کشته

شدند .

۳ - پس از خروج از قلعه به مجتهد بارفروش تسلیم

شدند و باد ستوروی توسط مردم قطعه قطعه شدند .

۷ - حضرت بهاء الله

۱ - در میان اصحاب قلعه شیخ طبرسی بودند .

۲ - از قلعه واستحکامات آن بازدید فرمودند و

راهنمایی های ایشان حیاتی بود .

۳ - ابداء ارتباطی با اصحاب قلعه نداشتند .

۸ - قائد بابیان در قلعه نی ریز کدام نفس مقدس است ؟

۱ - جناب حجت

۲ - جناب باب الباب

۳ - جناب وحید کشفی

۹ - واقعه زنجان و خمله لشگریان بقلعه اصحاب

۱ - بعد از شهادت حضرت اعلی

۲ - مقارت بادوره حبس حضرت درماکو و چهریق

۳ - قبل از اجتماع یاران در بدشت روی داده است

مربوط به صفحه های ۳۴-۳۵-۳۶

جوابهای صحیح درس سوم

زیرا جوابهای صحیح سئوالات درج میگردد تا پژوهندگان
بتوانند جوابهای خود را با پاسخ صحیح آنها تطبیق دهند .

سئوال اول

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال دوم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال سوم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال چهارم

پاسخ صحیح شماره ۳

سئوال پنجم

پاسخ صحیح شماره ۳

سئوال ششم

پاسخ صحیح شماره ۳

سئوال هفتم

پاسخ صحیح شماره ۲

سئوال هشتم

پاسخ صحیح شماره ۳

سئوال نهم

پاسخ صحیح شماره ۲

درس چهارم - شهادت حضرت اعلی

وصول اخبار کشتار مو منین و تجاوز به حرمت اجساد آنان
و ضرب و جرح جمعی دیگر وفات و چپاول اموال بابیان
حضرت اعلی را در دریای بی پایان حزن و اندوه فرو برد
بطوریکه مدت ششماه از تحریر و تقریر امساك میفرمودند و
پیوسته اشک از دیده گانشان جاری بود حتی زمانی مدت
نه روز از صرف غذا و آشامیدن پرهیز نمودند و هیچکس را
بحضور نمی پذیرفتند . در این ایام طلعت اعلی ضمن الواح
و آثار مبارکه اشتیاق و آرزوی خود را جهت شهادت ابرار
میداشتند ششمین نوروز پس از اظهار امر آخرین نوروزی بود
که طلعت اعلی در عالم ناسوت بودند . چهل روز قبل از
عزیمت از چهریق هیکل اعلی آثار و نوشتجات خود را جمع آوری
فرمودند و آنها را بانضمام قلمدان مهر و خاتم مبارک به ملا
باقر از حروف حی سپردند تا به ملا عبدالکریم قزوینی تسلیم
نمایند و وی آنها را به حضور مبارک حضرت بسماء الله
تقدیم نماید .

امیر کبیر وزیر خونخوار چون مشاهده نمود که قتل و
کشتار و اذیت و آزار پیروان حضرت اعلی بهیچوجه از توسعه
و اشاعه دین جدید جلوگیری ننموده است بر آن شد که مرکز
و مؤسس این جنبش را معدوم نماید - وی بدو ن

کسب اجازه از مقام سلطنت صرفاً برای خود حمزه میرزا
حشمت الدوله حاکم آذربایجان را به قتل حضرت اعلی مامور
ساخت - حمزه میرزا این عمل را خیانت و جنایت بزرگ می‌شمرد
لذا از اجرای حکم خود داری نمود . بناچار امیر کبیر سرادر
خود میرزا حسن خان را مامور اجرای حکم ساخت . مشارالیه وسایل
حرکت حضرت اعلی از چهریق به تبریز را فراهم آورد و وجود
مبارک را برای کسب فتوی قتل بخانه مجتهدین تبریز اعزام
داشت ملا محمد معقانی میرزا باقر و ملا مرتضی قمی بدون
مکالمه حکم قتل را صادر نمودند روز بیست و هشتم شعبان
قبل از ورود به ماه رمضان ماه عبادت جهت شهادت -
حضرت اعلی در نظر گرفته شد - در آن روز فراش باشی
به حجره ای که حضرت اعلی را در میدان سربازخانه تبریز
حبس نموده بودند وارد شد - در آن هنگام حضرت اعلی
با آقا سید حسین کاتب وحی به آهستگی و محرمانه مشغول
صحبت بودند - فراشباشی بمجرد ورود به آقا سید حسین
پرخاش نمود که حالا چه وقت مذاکره و نجوی است - حضرت
اعلی خطاب به فراشباشی فرمودند : تا وقتی صحبتی را که
باوی میداشته‌ام تمام نرسانم و تا آخرین کلمه بیان نکنم هیچ
قدرت و سطوتی مرا از این منظو ربا نخواهد داشت و لواهل
ارض بتعامه با سیف و سنان بر من قیام نمایند . سام خان

مسیحی سرتیب فوج ارامنه مامور شهادت حضرت گردید
شخصاً بحضور مبارک رسید و استعداد نمود ترتیبی فراهم شود
که او از این عمل که مخالف فکر و وجدان و دیانت اوست معاف
گردد - حضرت فرمودند: تو بآنچه ماموری قیام کن اگر
در نیت خود صادق باشی خداوند متعال تو را مطمئناً از
ورطه تحیر و اضطراب نجات خواهد داد .
سام خان دستور داد در ستونی بین دو حجره سرپاژخانه
میخ آهنی کوبیدند و دو طناب بدان وصل نمودند . بیک
ریسمان حضرت باب و به ریسمان دیگر یکی از پیروان ایشان
موسوم به میرزا محمد علی زنوزی ملقب به انیس را بستند - فوج
ارامنه که مرکب از هفتصد و پنجاه نفر بودند در سه صف منظم
گشتند - صف اول شلیک نمود بلا فاصله صف دوم و سپس
صف سوم آتش گشودند - از شلیک هفتصد و پنجاه تیر و دو
عظیمی برخاست و فضا را تاریک نمود چون دو ها از زمین رفتند
تماشاچیان که بالغ بر ده هزار نفر بودند فریاد برآوردند
که باب غائب شد - چون تجسس نمودند حضرت را در همان
حجره مشغول ادای بیانات قبلی خود با آقا سید حسین کاتب
وحی یافتند و ملا محمد علی زنوزی را در پای همان ستون -
ایستاده دیدند در این هنگام فراشبازی وارد شد و حضرت
باب خطاب به او فرمودند: حال گفتگوی من با آقا سید حسین

تمام شد و اکنون میتوانید در اجرا منظور خود اقدام نمائید .
فراشبازی بابخاطر آوردن بیان مبارك راجع به قطع
کلا مشان و اینکه فرمودند تمام قدرت های عالم نمیتوانند
تا کلا مشان خاتمه نهند ببرد بایشان آسیبی برساند و اینکه
چطور مصداق آن ظاهر شد با مشاهده هیکل مبارك بر خود
لرزید و از شغل خود استعفا داد . فوج آرامنه نیز بنابند ستو
سام خان که بشدت متعجب و مندهش شده بود از سربازخانه
خارج شدند .

سرتیپ آقا جان خمسه ای و فوج خاصه اش را و طلب این کار
شدند دستور داد حضرت باب و جناب انیس را دوباره بهمان
وضع قبلی بهمان پایه معلق ساختند و دستور شلیک صادر
نمود . سینه مبارك و سینه میرزا محمد علی سوراخ سوراخ
شده بود و اعضاء تماما " تشریح گردیده بود مگر صورت مبارك
که کمی آزرده شده بود . حضرت باب در حین که فوج خاصه
مشغول تهیه مقدمات بودند خطاب به جمعیت بیاناتی
دال بر مقام خویش و گمراهی مردم و آتیه امر الهی میفرمودند
پس از خاتمه شهادت طوفان مهیبی در تبریز برخاست
و شهر را تاریک نمود و از ظهر تا شب ادامه داشت شهادت
حضرت مقارن ظهر یوم بیست و هشتم شعبان سال ۱۲۶۶
واقع گردید حضرت اعلی سی و یک سال داشتند و از اظهار

امرشان بیش از شش سال میگذشت . غروب همان روز شهادت
جسد مقدس حضرت اعلی و ملا محمد علی زنوزی را از میدان
سرباز خانه بخا رج شهر کنار خندق منتقل نمودند و چهل
سر باز بعراقبت گذاشتند صبح روز بعد قنسول روس باشخصی
نقاش در محل حاضر شده و نقش اجساد را بهمان ترتیب که
کنار خندق افتاده بود کشید .

نیمه شب دوم بعد از شهادت حاج سلیمان خان یکی از
پیروان حضرت باب بوسیله شخصی بنام حاج اللهیار موفق
شدند آن دو جسد را بکارخانه حریربافی که متعلق به یکی
از بابیان میلان بود منتقل سازند و روز بعد آنها را در صندوق
چوبی که قبلاً تهیه دیده بودند قرار دادند و بجای امنی
منتقل ساختند . علماء که جسد حضرت باب را مفقود دیدند
در منابر اعلان نمودند که درندگان جسد باب را دریدند
و خوردند پس از آنکه خبر انتقال جسد مطهر حضرت باب و
میرزا محمد علی بعرض حضرت بهاء الله رسید دستور فرمودند
حاج سلیمان خان آنها را بطهران منتقل سازد . پس از
انتقال آنها را امام زاده حسن و سپهه نقاط مختلف -
دیگر بامانت گذاردند تا پس از چندی باتعلیمات حضرت
عبدالبهاء بارض اقدس انتقال یافت و بدست مبارک
در مقام اعلی استقرار یافت .

سرنوشت کسانی که در شهادت حضرت اعلیٰ دخیل بودند .

۱ - امیرکبیر وزیرسفاک محرک اصلی شهادت حضرت اعلیٰ دوسال بعد از شهادت بابرادرش که کمک ویاور او بسود بوضعى فجیع درحمام فین کاشان بهلاکت رسید وجزای عمل خود را دید .

۲ - فوج خاصه که حضرت اعلیٰ راتیرباران نمودند درهمان سال دویست وپنجاه نفرشان درحالی که درپناه دیواری استراحت نموده بودند راتر زلزله و خراب شدن دیوار کلا* بهلاکت رسیدند و پانصد نفریقیه نیز بعلمت سرکشی سه سال بعد درتبریز تیرباران گشتند وعینا* بهمان عملی که نسبت به حضرت اعلیٰ مبادرت نموده بودند دچارشدند وبرای آنکه هیچکدام جان سالم بدرنبرند برای بار دوم - هدف گلوله ها قرارگرفتند وپانیزه اجساد آنرا پاره پاره کردند ودرمعرض تماشای مردم قراردادند .

وصول خبرشهادت حضرت اعلیٰ به کشورهای خارج واطمها نظر دانشمندان و نویسندگان درباره امر مبارک .

۱ - یکی از محققین مسیحی که درباره حیات حضرت اعلیٰ از نزدیک تحقیق نموده چنین مینویسد . حضرت بساب بزرگترین درس شجاعت و فداکاری رابعالم انسانی آموخت

وراه عشق و محبت را بهم وطنان خویش ارائه فرمود .

۲ - یکی از مستشرقین فرانسوی امر باب را معجزه حقیقی میخواند .

۳ - سیاح انگلیسی آن حضرت را مظهر حقیقی الهی و طلع فیوضات رحمانی میخواند .

۴ - بزرگترین مقام روحانی انگلستان آن وجود مقدس را مسیح زمان و فرستاده الهی بلکه . . . دارای مقامی بالاتر از آن توصیف میکند .

۵ - محقق عالم مقام دانشگاه اکسفورد دیانت باب را بزرگترین نهضت مذهبی پس از ظهور مسیحیت معرفی مینماید .

۶ - شاعره روسی عضو مجمع شرقی و فلسفی کتاب شناسی سن پترزبورگ بسال ۱۹۰۳ نمایشنامه ای تحت عنوان باب نوشت که یکسال بعد در یکی از تماشاخانه های آنشهر بروی صحنه آمد و سپس این نمایشنامه در لندن انتشار یافت و بزبانهای فرانسه و آلمانی نیز ترجمه گردید و برای بار دوم پس از انقلاب روسیه در تماشاخانه لنینگراد نمایش داده شد که بنهایت جالب توجه انظار گردید و تولستوی فیلسوف مشهور روسیه به تعریف و تمجید آن پرداخت .

آثار حضرت اعلی

الف - آثار نازلہ قبل از حبس ماکو و جہریق

این نکته را باید در نظر داشت کہ آیات منزله از قلم حضرت اعلیٰ از نظر نحوه بیان و کلمات و عبارات بسیار متنوع میباشد و بنا بر بیان جمال مبارک در کتاب ایقان از نظر کثرت ہیست جلد آن در دست است و چه مقدار کہ محو و نابود شدہ و مقداری نیز بدست دشمنان افتادہ و معلوم نیست بہ چه سرنوشتی دچار شدہ است - آثار حضرت اعلیٰ در زمینه های دعا - مناجات - خطابات و رسائل علمی و حکمت و توضیح حقائق قرآن و تشریح اخبار و احادیث الواح و توقیع های مکررہ - نکام و نزول احکام و فرائض روحانی میباشد قسمتی از این آثار عبارتند از :

۱ - کتاب قیوم الاسماء حاوی یکصد و پانزده سوره و بیش از نہ ہزار و سیصد آیه - در این کتاب ضمن دعوت علماء دین بامر مبارک مردم را بظہور حضرت بہاء اللہ " بقیہ اللہ " بشارت میدہند و با صراحت رسالت خود را اظہار نموده استقلال امر بیان را اعلام میفرمایند .

۲ - توقیع مبارک خطاب بہ محمد شاہ و توقیعات دیگر بہ سلطان عبدالمجید و نجیب پاشا حکمران بغداد و توقیع خطاب بہ شریف مکہ .

۳ - صحیفہ بین الحرمین کہ در جواب سئوال

میرزا میحط کرمانی بین مکه و مدینه نازل شده است .

۴ - کتاب الروح

۵ - خصائل السبعه

۶ - رساله فروع عدليه بلسان عربی

۷ - تفسیر سوره کوثر

۸ - تفسیر سوره والعصر

۹ - رساله نبوت خاصه

۱۰ - توفیحات دیگر به محمد شاه و حاج میرزا آغاسی

ب : آثار حضرت اعلی که در ایام ماکو و جهریق نازل شده است .

۱ - الواح بسیار زیاد به نفوس و مقامات و علماء ایـرـان و نجف و کربلا .

۲ - نه تفسیر بر آیات قرآن که مقاسفانه سرنوشت آنها معلوم نیست .

۳ - کتاب مستطاب بیان فارسی مشتمل بر احکام و اشارات

صریحه راجع به ظهور حضرت بهاء الله که به نه واحد تقسیم

و هر واحد به نوزده باب مشتمل است (واحد آخر آن -

استثنائاً ده باب دارد)

۴ - بیان عربی .

۵ - توفیق خطاب به محمد شاه که بنابه شهادت حضرت

ولی امرالله در کتاب قرن بدیع شباهت زیادی به لوح سلطان خطاب به ناصرالدین شاه نازل از قلم حضرت بها^{۱۰} الله دارد .

۶ - دلائل السبعه .

۷ - لوح حروفات .

۸ - خطبه قهریه خطاب به وزیر پس از استماع اخبار مازندران و نبی ریز که توسط جناب حجت به حاج میرزا آغاسی تسلیم گردید .

عدم تعیین جانشین و وصی توسط حضرت باب

طلعت اعلی چون حیات ظاهری خود را روباتام میدیدند در طی بیانات شفاهی و آثار خود همه را بقرب ظه^{۱۰}ور من یظهر الله بشارت میدادند ولی ذکر جانشین و وصی نفرمودند فقط میرزا یحیی را باصلا حدید حضرت بها^{۱۰} الله مرجع اسمی اهل بیان مقرر داشتند تا از هان از حضرت بها^{۱۰} الله متوجه دیگری گردد و ایشان بتوانند با سکون و آرامش اقدام به نشر امرالله فرمایند .

در کتاب بیان به قرب ظه^{۱۰}ور من یظهر الله اشارات فراوان وجود دارد و همه را بسال نهم بشارت میدهند .

واجله مو^{۱۰}نمین از جمله ملا باقر حرفی - جناب سیاح جناب باب الهاب - جناب قدوس و شیخ حسن زنوزی

را بديرك لقاى مظهر ظهور جديد بشارت میدادند .
تمام مؤمنين را انذار فرمودند مباد اکتاب بیان آنها را از
ديرك و ایمان بمظهر ظهور باز دارد و طی بیانات متعدد
میفرمودند چنانچه مظهر ظهور الان ظاهر شود من اول -
مؤمن و اول عبادت کننده وی خواهم بود .

حضرت بهاء الله یگانه منظور و مطلوب حقیقی حضرت باب

بودند و قائلند که با بیان در آن ایام

۱ - حضرت باب سه ماه بعد از اظهار امر مقداری آثار
و آیات خود را توسط ملا حسین بشرویه بطهران حضور
حضرت بهاء الله فرستادند . ایشان با ملاحظه این آثار
حقانیت حضرت باب را تصدیق و به ابلاغ امر الله قیام فرمودند
حضرت اعلی از وصول خبر این ملاقات بسیار مسرور و به
آتیه امر الله مطمئن و امیدوار گشتند .

۲ - مقصود کلی از تمام اشارات در کتاب قیوم لا اسماء و
کتاب مستطاب بیان تماماً حضرت بهاء الله بوده است .

۳ - حضرت بهاء الله با حضرت باب مکاتبه و مخابره
داشته و با اجله اصحاب ایشان مصاحبت نزدیک داشته اند
و در تبلیغ و تشریح دین الله و تحکیم اصول آن شرکت
مستقیم داشته اند .

هنگامی که حضرت باب در راه عزیمت به آذربایجان در

نزدیکهای قریه کلین اقامت داشتند حضرت بهاء الله پیامی توسط ملا محمد مهدی کنی برای آن حضرت فرستادند و سبب رفع احزان حضرت باب نسبت به آتیه امرالله شد .

۵ - حمایت های حضرت بهاء الله از باب الباب - قدوس طاهره در طول دوره اولیه امر حضرت باب موجب استخلاص آنان از گرفتاریهای لاتعد و لاتحصی بود و با پشتیبانی های ایشان اجتماع بدست تشکیل گردید و هرروز لوحی جدید نازل و بهر يك از شرکت کنندگان لقب تازه ای عنایت میفرمودند .
۶ - در لوح حروفات که از قلم حضرت اعلی بافتخارجنا ب دیان در جهریق نازل شده است حقیقت مستغاثه -
تشریح گشته و همه را به نزدیکی به ایام ظهور بشارت داده و بلا باقر حرف حی و عده لقای کبریا میفرمایند مقصود شرف شدن بحضور جمال مبارک بوده است .

۷ - با تعلیمات و دستورات خاصه حضرت بهاء الله بود که جسد حضرت اعلی از تبریز به طهران منتقل گردید و سالها محفوظ و مستور نگهداشته شد .

۸ - در کربلا قبل از حادثه رمی شاه بنشر تعالیم حضرت باب پرداختند و با تشویق احباب و جمع نمودن قوای پراکنده مؤمنین جهد و کوشش وسیع مبدول فرمودند .

۱ - شهادت حضرت اعلی در زمان کدام پادشاه وبد ستور
چه شخصی روی داد ؟

۱ - محمد شاه قاجار و باد ستور حاج میرزا آغاسی

۲ - در زمان سلطنت ناصرالدین شاه وبد ستور وی

۳ - ناصرالدین شاه و بارای شخص وزیر نظام امیرکبیر

۲ - شهادت حضرت اعلی در کدام يك از تاریخهای ذیل

صورت گرفت ؟

۱ - اول محرم سال ۱۲۶۶

۲ - ۲۸ شعبان ۱۲۶۶

۳ - جمادی الاولی سال ۱۲۶۷

درسی پنجم

رسمی ناصرالدین شاه و عواقب آن

امرحضرت باب که دوران اولیه خود را میگذراند در چارحوادث
و گرفتاریهای بزرگی شده بود - شارع مقدسش را شهید نموده
بودند حوادث بزرگی چون واقعه های مازندران -
نیریز - زنجان و طهران روی داده بود و قسمت مهمی از
پيروان شجاع و بی مثال خود را از دست داده بود که
واقعه مهم دیگری پیش آمد که سبب لکه دار نمودن تاریخ
امرالله و موجب قتل و کشتار بیرحمانه ای شد که مثل آن در
تاریخ ادیان سابقه بی نظیر میباشد .

مربوط به صفحه ۴۹

جوابهای صحیح درس چهارم

زیلاً جوابهای صحیح سئوالات درج میگردد تا پژوهندگان
بتوانند جواب های خود را با پاسخ صحیح آنها تطبیق دهند .

سئوال اول

پاسخ صحیح شماره :

سئوال دوم

پاسخ صحیح شماره ۲

XXXXXXXXXXXXX *

شخص بابی بنام صادق تهریزی که شاگرد قنادی در طهران بود از شهادت حضرت اعلی در چار تأثر شدید شده بود و چون حالت طبیعی خود را از دست داده بود بفکر انتقام افتاد - این شخص فکر خود را با جوان دیگری بنام فتح الله قمی در میان گذارد و برای از بین بردن ناصرالدین شاه که سبب واقعی شهادت حضرت اعلی میدانستند همدستان شدند و به نیاوران که مقر موبک شاهی بود روان شدند - صادق در کنار راه بایستاد و هنگامی که شاه سواره بعزم شکار از قصر شاهی خارج میشد با طپانچه حمله نمود و تیری بطرف وی خالی نمود که بعلت بی اثر بودن سلاح باروتی که بکار برد جز خراش مختصر آسیبی بوی نرساند - همین انتخاب نوع اسلحه دلیل بارزی است که هیچ فرد عاقلی وی را تحریک ننموده است .

باری ضارب رافی الحال کشتند و اوضاع منقلب گردید به قوای دولتی آماده باش داده شد باری های تنفر و انتقام وزیدن گرفت و خشم مادر شاه بزرگت آن افزود همه از افراد عادی و دولتی صاحبان مقام و روحانیون متحد شدند و هر که را بنام بابی می یافتند هلاک مینمودند مؤمنین را بهین دسته جات مختلف و طبقات و اصناف تقسیم نمودند و هر صنف و طبقه بشکلی آنانرا کشتند و نابود

ساختند . صادق ضارب را بطوریکه گفتیم در همان محل
رعی شاه کشتند و جسدش را بد نبال قاطری بسته تا طهران
بروی زمین کشاندند - سپس آنرا بد و شقه تقسیم کرده و هر
پاره را به دیواره دروازه ای بیاویختند . فتح الله قمی را
پس از داغ نمودن سرب گداخته در دهانش ریختند و کشتند
هم دست دیگر بنام حاجی قاسم را شمع آجین نمودند .
عده را چشم از حدقه در آوردند - عده دیگری را ارق نمودند
بعضی را خفه کردند - برخی را جلو توپ گذاردند - معد
باتیشه و تبر قطعه قطعه کردند - بعضی را چون اسب -
نعل نمودند این واقعه در ۲۸ شوال ۱۲۶۸ هجری مطابق
۱۵ اوت ۱۸۵۲ میلادی اتفاق افتاد .

این واقعه باعث گرفتاری و زندان حضرت بهاء الله گردید
در آن هنگام حضرت بهاء الله در لواسان تشریف داشتند
در زرگنده میرزا مجید شوهر همشیره مبارک که منشی سفارت
روس بود ایشانرا ملاقات و بخانه خود دعوت نمود و با آنها م
شرکت در رمی شاه دستگیر شدند و از نیاوران با سرو پای
برهنه در زنجیر بانبار طهران آوردند و در سیاه چال
زندانی نمودند پای مبارک را در کند قرار دادند و زنجیر قوه
کهپراکه به سنگینی معروف بود برگردنشان انداختند مدت
زندان مبارک چهارماه بود .

اجله اصحاب که در حادثه رمی شاه

شهد شدند

۱ - حضرت طاهره قره العین که در باغ ایلخانی خفه شدند و جسدشان به چاه انداخته شد .

۲ - آقاسید حسین یزدی کاتب وحی و مصاحب حضرت اعلی در زندانهای ماکو و چهریق .

۳ - حضرت حاجی سلیمانخان که دارای مقام مهمی بود و بنا به میل و اراده خود شمع آجین شد و بدرجه ای شجاعت و استقامت از خود بروز داد که باعث تعجب ناظرین گردید .
توسعه انقلابات و کشتار در ولایات

هزمان با واقعه رمی شاه در طبرستان ————— تهران

۱ - در طایفه نادران اموال و املاک حضرت بهاء الله - بفارت رفت . در قریه تاکر خانه موروثی که نهایت مجلل و مزین بود مورد تاراج قرار گرفت و سپس خراب نمودند بطوریکه اثری از اطاقها باقی نماند حتی خانه های روستائیان را نیز خراب نموده و تمام قریه را آتش زدند .

۲ - حوادثی ریز مجدد را تجدید شد - دو بیست نفر را کشتند و رؤس آنها را بر سر نیزه کرده بجانب آباد حرکت دادند و چهل نفر را از زمان و اطفال را در غاری

جمع نموده نفت برویشان ریختند و آتش زدند - سیصد نفر از زنانرا دويد و براسبهای لخت سوار کرده بشیراز اعزام داشتند .

۳ - دریزد و زنجان مجدداً نیز کشتار روی داد و سبب بروز ضوضاء و انقلاب گردید .

عاقبت احوال کسانیکه مستقیماً درکشت

و کشتار بابیان و شهادت حضرت اعلی در خالداشتهماند

۱ - محمد شاه که از قبول درخواست حضرت باب مبنی برورود به پایتخت و اثبات امرجدید امتناع ورزید در سن چهل سالگی با امراض گوناگون درگذشت .

۲ - حاجی میرزا آغاسی وزیر بی تدبیر که محرک اصلی صدمات وارده برهیکل اعلی بود و سبب مسجونیت ایشان درماکو و چهریق بود بعد از یکسال از وزارت عزل گردید و تمام ثروت و مکنشش از دستش خارج گردید خوارون لیل شد اول در بقعه حضرت عبدالعظیم بست نشست و سپس بگریلا تبعید شد و دچار فقر و مرض شد .

۳ - میرزاتقی خان امیرکبیر که سبب کشتار اصحاب قلعه طبرسی و شهادت شهدای سبعة طهران و قتل حضرت وحید شده بود و دستور شهادت حضرت باب را داده بود به کاشان تبعید شد و در آنجا بقتل رسید .

۴ - میرزا آقاخان که در حوادث رمی شاه و کشتار با بیان بسیار موثر بود از شغل خود معزول گردید و به یزد تبعید شد تا آنکه بابت بختی وفات یافت .

۵ - حسینخان آجودان باشی حاکم فارس که اولین فردی بود که با امر حضرت اعلی مخالفت نمود و به اشاره او سیلی شدید بصورت مبارک نواختند منفور گردید و بموطن خود مراجعت نمود .

۶ - حاجب الدوله که بانی رحمه گروه مهمی از باهیانرا شهید نموده بود گرفتار خشم و دشمنی طوایف لر گردید اموالش را تاراج نمودند . رهش را کردند و خوردش دادند مهارش نمودند و بر پشتش زین گذاردند و در مقابل مردم سوارش شدند و در برابر چشمهایش به اهل و عیالش تعرض نمودند .

۷ - سعید العلماء مجتهد متعصب بار فروش که فتنه گر بود و واقعه مازندران و قلعه شیخ طبرسی با تحریکات وی بوجود آمد به مرض عجیبی مبتلا شد و از زمین رفت و خانه اش خراب و مرکز تجمع خاکروبه و زباله شد .

۸ - محمود خان کلا نتر که جناب طاهره در خانه اش زندانی بودند به خشم مقام سطننت دچار گردید - پایش را با طناب بستند در کوچه ها گردانند و بدارش آویختند

۹ - میرزا حسین خان برادر امیر نظام که مامور اجرای شهادت حضرت اعلی بود در سال بعد باید بختی از زمین رفت .

۱۰ - میرزا اعلی اصفهانی شیخ الاسلام تبریز که هیكل حضرت اعلی را بفلک کشید و تنبیه نمود در نهایت بد بختی درگذشت .

۱۱ - میرزا ابوطالب که سبب تاراج خانه مبارک در تارک و آتش زدن قریه شده بود سال بعد با مرض طاعون با فلاکت جان سپرد .

۱۲ - فوج خاصه بطوریکه گفته شد در حادثه زلزله معدوم و پانصد نفرشان در اثر عیبیان تیرباران شدند .

۱۳ - مردم جاهل و خونخوار نیز گرفتار صدمات بی پایان شدند و صدها نفر آنان در امراض و با و طاعون قحطی و گرسنگی جان سپردند ولی بقیه بیدار نشدند که سبب بروز این بلیات آسمانی چیست و بخاطر انکار و اذیت و آزار رساندن به چه شخص مقدسی باین بلیات دچار شده اند .

سؤال

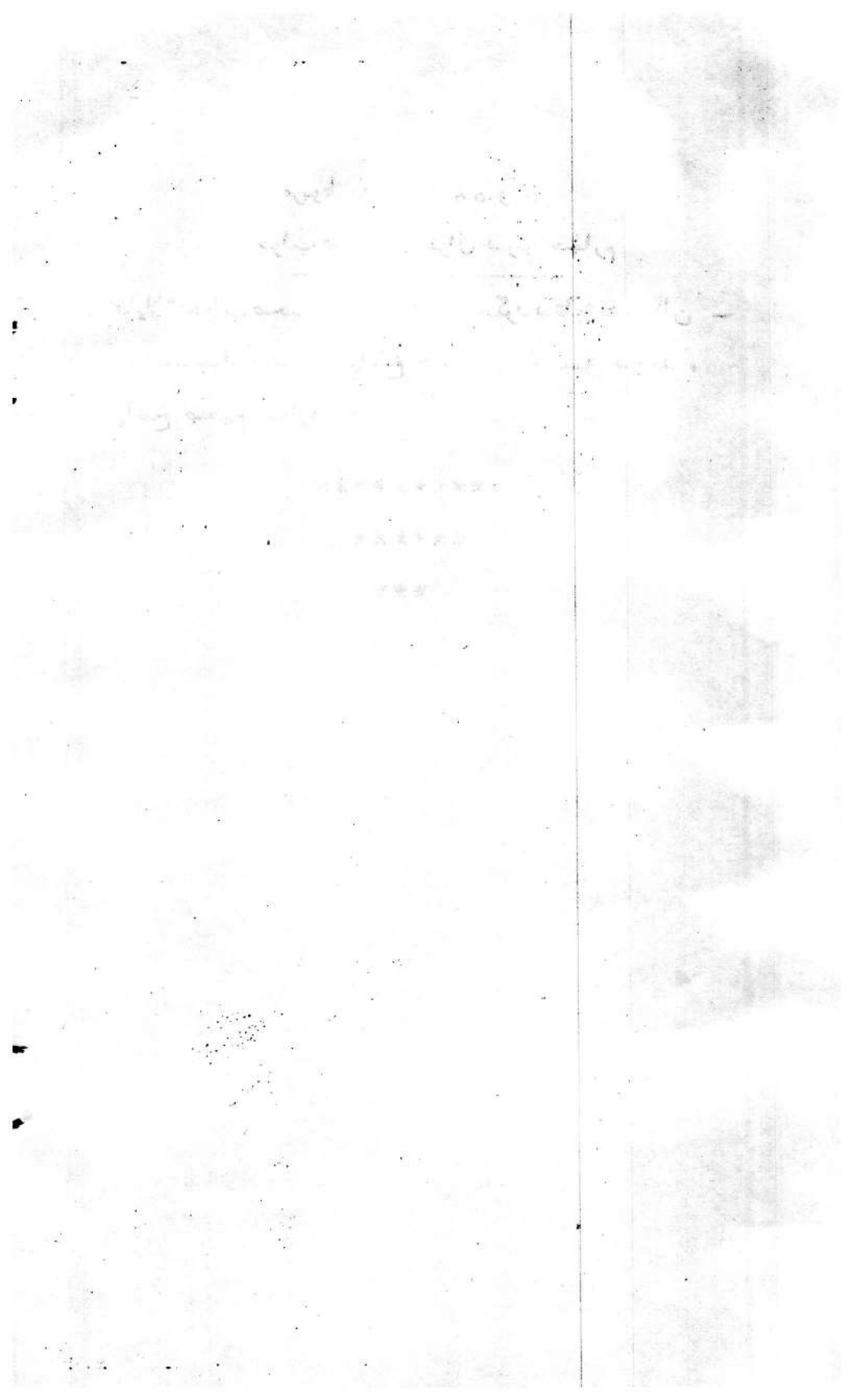
حادثه رمی ناصرالدین شاه با چه کیفیتی بوقوع پیوست ؟
۱ - با توطئه و نقشه قبلی اصحاب اولیه دیانت با بی بود

- ۲ - در اثر تاثر شدید چند نفر اصحاب گمنام از
شهادت حضرت اعلیٰ با کمال بی فکری انجام پذیرفت .
- ۳ - در اثر تحریک یکی از روسای دیانت بابی
روی داد .

مربوط به صفحه ۵۵ و ۵۶

جواب صحیح سؤال درس چهارم

- ذیلاً " جواب صحیح سؤال درج میگرد و تا پژوهندگان
بتوانند جواب خود را با پاسخ صحیح آن تطبیق دهند .
پاسخ صحیح شماره ۲



قسمت دوم
حضرت بهاء الله ووقایع عهد دوم از عصر رسولی
دور بهائوسی

ماه خذ . کتاب مستطاب گاد پاسزیای
(قرن بدیع)

درس ششم

شجره امریهائی در عالم وجود انبات میشود

۱ - ابتدا اباید وضع عمومی امر حضرت باب را در حیو حه و مقارن اواخر حیات آن حضرت بررسی نمود .

وقایع خونینی که بعد از رمی شاه پیش آمد سبب گردید که امر حضرت باب تقریباً از حرکت و توسعه بازماند . علل مهمه ای که سبب این کیفیت شده بود عبارتند از :

۱ - بلا یا و مصائب وارده بر جامعه بابی موجب تضعیف - سفوف پیروان حضرت اعلی گردید .

۲ - وقایع مازندران - نی ریز - زنجان سبب شد
عده کثیری از مؤمنین و قائدین یاران چون حضرت قدوس
جناب باب الباب - جناب وحید و جناب حجت بمقام شهادت
برسند

۳ - حضرت طاهره و همچنین اغلب حروف حی شهید
گشتند - صاحبان مراتب روحانی در بیان یا کشته شدند
یا تبعید گردیدند یا بسکوت مجبور گشتند .

۴ - هفت نفس مقدس از مشاهیر بابیان در طهران از جمله

جناب خال اعظم بوصفی دلخراش در راه حق جان باختند .

۵ - افراد مهمه ای که احاطه فراوان به امر داشتند

چون جناب سید حسین کاتب وحی و ملا عبد الکریم قزوینی

معدوم گردیدند .

۶ - حضرت بهاء الله شخصیت بی مانندی که در میان

یاران باقی مانده بودند بزند ان افتادند .

۷ - قیام دونفر از پیروان حضرت باب جهت انتشار امر الله

در کشورهای عثمانی و هندوستان در اولین قدم در چار

وقفه گردید .

۸ - ریاست ظاهری بابیان بدست یحیی ازل که فردی

ساده لوح و ترسو و عاری از هرگونه خصائص روحانی بود

افتاد که از ترس جان بالباس درویشان بماندگان موطن

اصلی خود متواری شد و مسکن گزید .

۹ - دشمنان حسود و پیرکین بامشاهده مشکلات وارده -

بر امر الهی مسرور گردیدند و به بد گوئی و افترا پرداختند از جمله

حاجی کریم خان کرمانی به نگارش مقالات ناهنجار با اشاره

ناصرالدین شاه همت گماشت .

۲ - ظهور جدید

در این موقعیت که امر حضرت باب ظاهر آریه اضمحلال بود

همه مایوس بودند و فداکاریهای پیروان امرش بی اثر

شده بود و عود الهی پدیدار گشت و نور جدید درخشیدن گرفت
این همان سال نهم است که بنا بوعده حضرت اعلیٰ ظهور
جدید واقع شد و بدین ترتیب در وظهوری که باید با هم
باشند تحقق پذیرفت .

باید دانست تمام ادیان عالم بموجب پیش گوئیهای کتب -
مقدسه منتظر در ظهور پی در پی هستند . در دیانت
یهودی ظهور جمال مبارک بنام " رب الجنود " و در دیانت
حضرت مسیح بنام " رجعت مسیح " و در مذاهب شیعه
بنام " رجعت حسینی " و در نظر اهل سنت بنام " نزول
روح الله " در دیانت حضرت زرتشت بنام " شاه بهرام " و
در دیانت هندو " رجعت کریشنا " و در دیانت بودائی
بنام " بودای پنجم " نامیده شده است در بیان فارسی
آن حضرت بنام بهاء الله مذکور گردیده اند و ظهور مبارک
بزرگ می شمارند و حضرتش را ساج وجود - بقیة الله -
سید الاکبر النور المهیمن الحمراء مالک الغیب و شهود می خوانند
و بنام من یظهره الله توصیف می فرمایند - سایر القاب مبارک
عبارتند از :

رب الارباب - نیراعظم - اسم اعظم - جمال قدم - قلم اعلیٰ
اسم مکنون - کنز مخزون - من یظهره الله - افق اعلیٰ -
بحراعظم - سماء علیا - اصل قدیم - قیوم الارض والسماء

نیر آفاق - نباء عظیم - مکلم طور - مقصود الام - رب میثاق
سدره المنتهی (نقل از کتاب قرن بدیع) .
نام مبارک حضرت بهاء الله میرزا حسینعلی ترکیب از دو نام
ائمہ اسلام و نسب خاندانشان به حضرت ابراهیم از زوجه
قطوره و از طرف دیگر به یزدگرد آخرین پادشاه ساسانی
و همچنین به حضرت زرتشت میرسد . پدرشان آقا میرزا عباس
معروف به میرزا بزرگ بودند .

حضرت اعلی در بیانات شفاهی و همچنین در الواح و آثار
خود به ظهور مبارک بشارت داده و اهل بیان را از احتجاب
تحدیر میفرمایند و خود را اولین فردی که بظهور جدید ایمان
میآورد محسوب میدانند و بیان و هرچه در اوست بمانند انگشتری
در دست مبارک میدانند و با کمال صراحت میفرمایند " امروز
بیان در مقام نطفه است و در اول ظهور من یظهره الله آخر
کمال بیان است "

۳ - کیفیت نزول وحی الهی و تجلی روح اعظم بر قلب -
مبارک حضرت بهاء الله .

بطوریکه میدانیم هر یک از پیغمبران و مظاهر حق بنحوی -
برسالت خود مطلع شدند .

حضرت موسی ندای الهی را از درختی در کوه طور شنید
حضرت زرتشت با خوابهای هفت گانه برسالت خویش پی برد

حضرت مسیح روح القدس را بمانند کبوتری که بر وجود مقدسش نازل بود مشاهده نمود - حضرت محمد باندای جبرئیل به پیغمبری خود مطلع گردید . حضرت باب در خواب دیدند خون از گلوی حضرت سید الشهدا^۱ جاری است و ایشان مشغول نوشیدن این خون از گلوی آن حضرتند بدین ترتیب بمقام بابیت و رسالت خود استحضار حاصل نمودند .

^{بیند} حضرت بهاء الله در باره خود در یکی از الواح چنین میفرماید " در شبی از شبها در عالم رویا^۲ از جمیع جهات این کلمه علیا اصفا شد انانصرک بک و بقلمک لا تحزن عماورد علیک و لاتخف انک من الامنین . سوف یبعث الله کوز الارهی - وهم رجال ینصرونک بک وباسمک الذی به احيى الله - افئدة العارفين " و نیز در باره نزول وحی الهی قلم اعلیٰ چنین میفرماید .

" در ایام توقف در سجن ارض طاء اگر چه نوم از زحمت سلاسل و روائح منتنه قلیل بود ولیکن بعضی از اوقات که دست میداد احساس میشد از جهت اعلاى رأس چیزی بر صدر میریخت - بمثابه رود خانه عظیمی که اوله جبال بازخ رفیعی برارض بریزد به آن جهت از جمیع اعضا^۳ آثار نار ظاهر و در آن - حین لسان قرائت مینمود آنچه را که بر اصفا^۴ آن احدی قادر

و در همین باره در لوح سلطان میفرمایند .

" یا سلطان انی کنت کا حد من العباد وراقدا " علی المهاد
مرت علی نسائم السبحان وعلمنی علم ماکان لیس هذامن
عندی بل من لدن عزیزعلیم "

حضرت ولی امرالله در کتاب گاپاسزبای در باره ظهور مبارک
چنین میفرمایند :

" ظهور حضرت بهاء الله تاج وهاج قرون واعصار و هدف
اسنی و غایت قصوای ظهورات سابقه وادوار مند مجه در کور
آدم است با اشراق این نیر اعظم از سماء اراده مالک قدم
دور جدیدی که امتدادش اقل از هزارسال و کوری که
مدت آن از پانصد هزارسال کمتر نبوده و نخواهد بود آغاز
گردید با حلول این عصر مجید که از لحاظ امتداد و عظمت
و انبساط و نورانیت سرآمد هور واعصار سالغه است دوره
نبوت منطوی و زمان اکمال و انجام یعنی انجام وعود الهیه
و تحقق بشارات کتب سماویه افتتاح شد "

از اظهار امر خفی حضرت بهاء الله کسی مطلع نبود حتی
نزدیکان مبارک نیز از این امر بی اطلاع بودند تا وقتی اظهار
امر علنی فرارسد - در این فاصله جمال قدم در رسالات
و مناجاتها و ادعیه بطور ضمنی به مقام خویش اشاره میفرمودند
و تنها معدودی از پیروان که دارای قلبی صاف و احساسات

شدید روحانی بودند بمقام مبارک پی میبردند .

سئوالات

۱ - بعد از شهادت حضرت اعلی و رمی شاه امریابی بچه وضع بود .

۱ - امر حضرت باب بکلی فراموش شد

۲ - امر الله با همان سرعت قبلی به پیشرفت ادامه داد

۳ - امریابی تقریباً ۳ حرکت و توسعه بازماند .

۲ - در سال نهم تاریخ بیانی حضرت بهاء الله چگونه اظهار امر فرمودند .

۱ - خفی

۲ - علنی

۳ - عمومی

۳ - از اظهار امر حضرت بهاء الله در سیاه چال طهران چه افرادی مطلع شدند .

۱ - معدودی که دارای قلب صاف و روحانی بود بمقام مبارک پی بردند .

۲ - فقط نزدیکان مبارک اطلاع یافتند .

۳ - برخی از اصحاب مطلع گشتند .

مربوط به صفحه ۶۴

جوابهای صحیح سئوالات درس ششم

ذیلاً جوابهای صحیح سئوالات درس ششم درج میگردد
تایزوهندگان پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور
داده اند با آنها مقایسه فرمایند .

۱ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

۲ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۳ پاسخ صحیح سئوال

۱ ردیف

درس هفتم

سرگونی حضرت بهاء الله به بغداد و حوادث آن ایام

حضرت بهاء الله در حادثه رمی شاه در شوال ۱۲۶۸ در
لوااسانات از نقاط بیلاقی اطراف طهران تشریف داشتند
و با آنکه برخی پیشنهاد مینمودند آن حضرت در جایی درواز
انظار بسر برند قبول نفرموده بصوب نیاوران حرکت کردند
لذا در رزگنده دستگیر و با تحقیر بطهران آورده شدند و در
سیاه چال زندانی گردیدند. دوره مسجونیت مبارک چهار
ماه بود بعداً هیکل اطهر از زندان آزاد شدند و بفاصله
کوتاه مجبور به ترك ایران و عزیمت به بغداد گردیدند.
عواملی که در آزادی هیکل مبارک از زندان موثر بودند
عبارتند از:

- ۱ - اقرار و اعتراف ملا شیخ علی ترشیزی ملقب به عظیم
که صراحتاً در حالت خود را در این واقعه بر عهدہ گرفت
و براءت حضرت بهاء الله را تائید نمود.
- ۲ - تائید بی گناهی حضرت بهاء الله از طرف هیئت -
تحقیق .

۳ - کوشش بستگان و برادران و خواهران حضرت .

۴ - شهادت و فداکاری و جانبازی عده زیادی از یاران که در همان سجن طهران با حضرت هم زندان بودند . این فداکارها بمانند قربانی بود که بمنظور آزادی مبارک انجام میگرفت .

جریان آزادی ایشان از زندان حائز کمال دقت و تبصراست آقاخان صدراعظم حاجی علی خان را که یکی از اطرافیان مورد اعتمادش بود به سیاه چال فرستاد تا حکم آزادی هیگل مبارک را اجراء نماید مشارالیه با مشاهده وضع و حالت هیگل مبارک در آن زندان بسیار ناراحت شد ، ردای خود را بحضرت تقدیم داشت ولی مورد قبول واقع نشد و با همان لباس ژنده زندانیان بحضرت صدراعظم وارد شدند و پس از مکالماتی که دال بر قدرت محضه آن وجود مبارک بود به بیت نزول اجلال فرمودند .

بعد از چندی فرمان شاهی صادر شد که هیگل مبارک با عائله از ایران خارج گردند و یکماه فرصت قائل شده بودند و مقصد زاهر جاکه اراده مبارک باشد تعیین نمودند و با وجود استدعای سفیر روتس مبنی بر عزیمت به روسیه هیگل اطهر عراق را انتخاب فرمودند زمستان در آن سال بسیار سرد بود و در این فصل هیگل مبارک با عائله مجبور به حرکت شدند همراهان حضرت بهاء الله در این سفراز عائله

مبارکه عبارت بودند از :

حرم مبارک نواب خانم ملقب به "ورقه علیا"

حضرت غصن اعظم که در آن وقت نه ساله بودند .

برادران هیکل مبارک جناب میرزا موسی کلیم و جناب میزرا محمد قلی و جمعی دیگر از بستگان . این مظلومین با حضور نمایندگان دولت ایران از راه غرب و کرمانشاه بجانب بغداد حرکت نمودند .

حضرت ولی امرالله این سرگونی و تبعید هیکل انور را بهر زیمت حضرت موسی از خاک مصر و هجرت حضرت محمد از مکه به مدینه و خصوصاً "ع" به اخراج و تبعید حضرت ابراهیم از بلاد کلبه به اراضی مقدسه مقایسه میفرمایند . سفر سه ماه طول کشید . در طول راه با فقدان وسائل و سردی بی اندازه هوا و برف و یخبندان به ایشان بسیار سخت گذشت . فقط در کردند که طائفه علی الهی هاساکنند پذیرائی گرمی از حضرت بعمل آمد و حاکم محل حیات قلی خان مورد عنایت مبارک قرار گرفت .

ورود هیکل مبارک و عائله شان به بغداد در ۲۸ جمادی الثانی سال ۱۲۶۹ مطابق با هشتم آپریل ۱۸۵۳ بود . عراق در آن زمان جزء متصرفات دولت عثمانی بود هیکل مبارک ابتدا به کاظمین تشریف بردند ولی بعداً "بناظر

نمایند، دولت ایران در یکی از محله های قدیم بغداد -
خانه ای اجاره نموده و بدانجا نزول اجلال فرمودند .
در آیات قرآن و احادیث و اخبار راجع به اهمیت بغداد
اشارات فراوانی وجود دارد که بعدت استقرار هیکل ظهور
در این شهر میباشد .

حضرت ولی امرالله در کتاب گاد پاسزبای حیات مبارک
حضرت بهاء الله رابه چهارمرحله تقسیم میفرمایند .

۱ - مرحله اول بعدت بیست و هفت سال که هیکل مبارک
در نعمت و آسایش میزیستند ولی از حال فقاو درماندگان
و پشتیبانی از محتاجین و بیماران غافل نبودند .

۲ - مرحله دوم بعدت نه سال که باشوق و انجذاب -
بخدمت امرحضرت اعلی پرداختند و باعلاء کلمته الله قیام
نمودند .

۳ - مرحله سوم زندان چهارماهه در سیاه چال که
اظهار امرخفی مبارک در این دوره روی داد و باوجود صدمات
بی اندازه ممتاز از سایر ایام میباشد .

۴ - مرحله چهارم که باتبعید و سرگونی و مسجونیت مبارک
همراه و مشخص است و چهل سال طول کشید .

نفاق میرزایحیی

در اوائل ورود حضرت بهاء الله به بغداد اصحاب موقتا*

از دست دشمنان پرکینه امرالهی رهائی یافته بودند
و از قلع و قمع و کشت و کشتار سابق خبری نبود ولی در این
حین دایره نفاق در داخل امرالله گسترده میشد و اهمیت
میگرفت . مرکز این دایره نفاق میرزایحیی برادر ناتنی
جمال مبارک بود که با تحریکات شخص حیلہ گر و عنودی
که حضرت بهاء الله او را جوهر فساد و منبع حسد می نامند
بنام سید محمد اصفهانی این فتنه داخلی اوج می یافت
و هر دو راهی را در پیش گرفتند که بکلی با تعالیم و آرزوهای
حضرت باب مغایر بود .

در این او ان واقعا آثار پریشانی و سرگردانی یاران
حضرت باب نمود ارگشت و تشتت و تفرق بین پیروان مشاهده
میشد و حتی عده ای صاحب دعوی شده بودند .

میرزایحیی که ریاست حزب یابی را بعهده داشت اغلب در
نقاط مختلف متواری بود و بالباس درویشی و غیر آن از شهری
بشهری دیگر میگریخت . حضرت بهاء الله ابتدا در سجن
طهران زندانی و سپس تبعید گشتند و بابیان از بزرگترین
ملجاء و پناه خود موقتا در کتار بودند و چون هیکل مبارک
به بغداد وارد شدند فقط یک نفر را مقبل امرالهی یافتند
و بقیه به یاس و حرمان و عدم اطمینان گرفتار بودند
و جمعی که هنوز خود را در زمره بابیان میدانستند به سو

روش و اخلاق و تدنی و انحطاط مبتلا شده بودند .
میرزایحیی که پس از شهادت حضرت اعلی بلباس درویشی
به کوه‌های مازندران پناه برد و رفتارش سبب اعراض نفوسی
شد که در زمان حضرت بهاء الله مؤمن شده بودند . پس از
آن هفت روز رفت و سپس بکرمانشاه آمد و بشغل فروشندگی
متاع کارخانه شخصی بنام عبد الله قزوینی مشغول گردید
و چون هیئتی مبارک در سفر بعراق بکرمانشاه رسیدند اظهار
تمایل نمود ملازم هیئک مبارک باشد و چون به بغداد رسید
مبلغی وجه از هیئک مبارک گرفت و در بازار نغال فروشان
بغداد که محله ای پست در بغداد بود به شغل پنبه فروشی
پرداخت و خود را حاج علی نامید و در خانه جد آگانه ای
از حضرت بهاء الله زندگی مینمود ولی باکمک سید محمد از
هیچگونه حیل و تزویر و اغفال بابیان کوتاهی نمی نمود .
در اینجا اشتعال و بندگی نفوسی چون میرزا آقا جان کاتب
ملازم و خادم جمال مبارک و اثرات آیات و الواح صادره از
قلم جمال مبارک که در نفوسی چون حاجی میرزا کمال الدین
نراقی نهایت تاثیر را داشت سبب حقد و حسد بیش‌تر
میرزایحیی و سید محمد اصفهانی شد . و همچنین شهرت
و معروفیت و تجلیل و احترامی که از طرف مردم نسبت
بایشان ابراز میشد و همچنین معاشرت هیئک مبارک باوالی

بغداد و سایر اولیای شهرباعت حسادت آنان میگشت و باید که جمال مبارک پرداختند . و ایشانرا غصب مقام و ویران کننده اساس آئین الهی معرفی مینمودند و سبب حزن و اندوه بسیار هیکل مبارک میشدند و آیه مبارکه " هل من مفرج غیر الله قل سبحان الله هو الله کل عباد له و کل بامرہ قاعون " در آن هنگام در اثر اندوه زیاد از اعمال میرزا یحیی و اعوان و انصارش همواره تلاوت میفرمودند .

مهاجرت هیکل مبارک به کوههای سلیمانیه

جمال قدم در کتابایقان در باره علت مهاجرت هیکل اطهر به کردستان چنین میفرمایند .

" چون فی الجمله برامورات محدثه بعد اطلاع یافتیم از قبیل مهاجرت اختیار نمودم و سر در زیبا بانهای فراق نهادم . و مقصود جز این نبود که مخمل اختلاف احباب نشوم و مصدر انقلاب اصحاب نگردم و سبب ضرر احدی نشوم و علت حزن قلبی نگردم . قسم بخدا که این مهاجرتم را خیال مراجعت نبود و مسافرتم را امید مواصلت نه . "

هیکل مبارک بدین منظور در سال ۱۲۷۰ هجری بدون اطلاع قبلی (حتی اهل حرم و بستگان مبارک) بهمراهی شخصی بنام ابوالقاسم همدانی که مسلمان بود از بغداد حرکت فرمودند - بعداً این شخص که باوجه عنایتی مبارک

به سوداگری مشغول بود بدست سارقین بهلاکت رسید
و هیکل انور بکلی تنها شدند - هیکل اطهر در یکی از
نقاط دور افتاده کوههای سلیمانیه بنام سرگلو بنام درویش
محمد اقامت فرمودند - آیات و کلماتی که در این دوره از
قلم مبارک نازل شده تماما " برروح متاثر مبارک در آن ایام
دلالت دارد بعداً " در اثر تشریف شیخ اسمعیل رهبر
فرقه خالديه که مفتون هیکل انور شده بود و استدعای او از
کوه به شهر تشریف فرما شدند و در تکیه مولا ناخالد اقامت
فرمودند . سایر نفوس مهمه ای که مفتون ایشان شده بودند
عبارت بودند از شیخ عثمان رئیس سلسله نقش بندیه -
شیخ عبد الرحمن رئیس سلسله قادریه که کتاب چهاروادی
در جواب سئوال او نازل شده است .

حضرت عبد البهاء در باره ایام هجرت مبارک چنین میفرمایند
" بفاصله قلیل کردستان مجذوب جمال رحمن گردید در این
مدت آن طلعت احدیت در فقر و مسکنت بسر می بردند
ملبوس مبارک ملبوس فقرا و مساکین و طعام و غذا چون غذای
مستمندان و محتاجین ولی هیکل اقدسش بمنابۀ آفتاب
در رابعه النهار باشکوه و جلالت میدرخشید و در همه جا مورد
تکریم و تعظیم نفوس بود " .

در این احوال اصحاب و یاران به محل اقامت مبارک پی بردند

و شیخ سلطان از بستگان جناب کلیم را بحضور فرستادند
و استدعای بازگشت نمودند .

غیبت هیکل مبارک در کوههای سلیمانیه دو سال بود - در
این مدت اوضاع بابیان به نهایت پستی رسیده بود -
میرزایحیی صف متحدی از معاندین در مقابل هیکل مبارک
بوجود آورده بود و به قتل ارادتمندانشان از قبیل جناب
دیان قیام نمود - دست تعدی نسبت به عصمت حضرت
اعلی دراز نمود و خیانت اعظم را بجای آورد - جناب میرزا
علی اکبر پسر عموی حضرت اعلی را بقتل رسانیدند .

سئوالات

۱ - حضرت بهاء الله در روز واقعه رمی شاه در کجا
تشریف داشت .

۱ - مازندران

۲ - لواسان

۳ - طهران

۲ - مدت زندان جمال مبارک در سیاه چال چند وقت طول
کشید

۱ - شش ماه

۲ - چهار ماه

۳ - یازده ماه

الله

۳ - حکومت ایران پس از آزاد نمودن از زندان با حضرت بهاء

چگونه رفتار نمود .

- ۱ - بایشان آزادی کامل دادند .
- ۲ - تحت نظر قرار گرفت .
- ۳ - حکم تبعید در باره ایشان صادر نمودند
- ۴ - پس از صدور حکم حضرت بهاء الله بکجاستریف بردند .
 - ۱ - بغداد
 - ۲ - ادرنه
 - ۳ - اسلا مبول
- ۵ - سرگونی مبارک به بغداد در چه سالی بود .
 - ۱ - ۱۲۷۰ هجری قمری
 - ۲ - ۱۲۷۲ هجری قمری
 - ۳ - ۱۲۶۹ هجری قمری
- ۶ - مهاجرت هیکل مبارک به کوههای سلیمانیه در چه تاریخی بوده .
 - ۱ - در سال ۱۲۷۰ هجری قمری
 - ۲ - در سال ۱۲۷۵ هجری قمری
 - ۳ - در سال ۱۲۷۲ هجری قمری
- ۷ - مدت اقامت حضرت بهاء الله در کردستان چند سال طول کشید .
 - ۱ - سه سال

مربوط به صفحه های ۷۴ و ۷۵ و ۷۷

جوابهای صحیح سئوالات درس هفتم

زیرا جوابهای صحیح سئوالات درس هفتم درج میگردد

تا پژوهندگان پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور

داده اند با آنها مقایسه فرمایند .

۱ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۲ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۳ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

۴ پاسخ صحیح سئوال

۱ ردیف

۵ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

۶ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۷ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۲ - دو سال

۳ - پنج سال

درس هشتم

حوادث بقیه ایام توقف حضرت بهاء الله در بغداد

بامراجعت هیكل مبارك از مهاجرت كردستان و اقامت مجدد در بغداد و در ضمنی در تاریخ امرالله آغاز گردید که بسیار حائز اهمیت میباشد از اختصاصات این دوره - میتوان به نکات ذیل اشاره نمود .

۱ - ایجاد روح حیات و اطمینان و اشتعال در نفوس

۲ - ایجاد شدن مرکزی که حزب بابی در حول آن

متمرکز گردد . زیرا حبس و نفی حضرت باب در ماکو و چهریق و سپس شهادت آن حضرت - زندان حضرت بهاء الله در سیاه چال و سپس تبعید جمال مبارك به عراق و مهاجرت حضرتشان به کوههای سلیمانیه همه باعث شده بود که حزب الله به يك دوره بی تکلیفی دچار گردد . از جانب دیگر میرزایحیی در اختفای کامل بسر می برد و مسافرت او بطور ناشناس از شهری به شهری دیگر سبب گردیده بود که جامعه یاران به بی ثباتی دچار گردد .

۳ - در مدت هفت سال از تاریخ ورود مجدد حضرت

بهاء الله به بغداد تا اظهار امر علنی مبارک که در خاتمه اقامتشان در دارالسلام بغداد روی داد جمال قدم بارشاد و راهنمایی و تهذیب اخلاق یاران پرداختند و خلقی جدید در یاران ایجا شد و اساس جامعه بهائی بنیان گرفت .

۴ - روسای مذهبی و اولیای امور مرتباً بحضور مبارک

شرف میشدند و جزو ارادتمندان مبارک قرار میگرفتند .

همچنین نفوس مهمه ای از ایران مانند شاهزادگان و برخی از افراد خاندان سلطنتی و شجاع الدوله - سیف الدوله و فخرالدوله بهمین ترتیب بحضور مبارک رسیدند و خود را جزو والهان و شیدائیان میشمردند .

۵ - تعداد بسیار زیادی از یاران ایران به بغداد

عزیمت مینمودند و پس از کسب فیض روحانی باروحی شاد و قلبی مستبشر به اوطان خود مراجعت میکردند و به تبلیغ امرالله و خدمات روحانی میپرداختند . مهمترین این نفوس عبارت بودند . جناب حاجی میرزا سید محمد خال اکبر و چهار نفر از ابناء خال - جناب نبیل اکبر ملا محمد قائسی جناب ملا صادق خراسانی - اسم الله الا صدق - ملا باقر حرفی - میرزا اسد الله دیان - حاج سید جواد کربلائی میرزا محمد حسن و میرزا محمد حسین سلطان الشهداء و محبوب الشهداء - میرزا محمد علی نهری - سید اسمعیل

- زواره ای ملقب به ذبیح - حاج شیخ محمد نبیل - میرزا آقای
خلیل ملقب به اسم الله المنیب - جناب ملا زین العابدین
ملقب به زین المقربین - جناب ملا محمد زرنندی نبیل اعظم
۶ - برخی از رجال ایران که مغضوب دستگاه سلطنت
شده بودند و در تبعید بسر میبردند به آستان هیکل مبارک
روی می آوردند ولی جمال مبارک سرریحا "عدم مداخله
و رضای مبارک را در امور سیاسیة برایشان اشکار میساختند
و مقصد خود را فقط امور روحانیة اعلام میداشتند . جنرال
قنصل انگلستان بحضور مبارک مکاتیبی ارسال میداشت
و حمایت و تبعیت دولت خود را از هیکل مبارک پیشنهاد
مینمود ولی هیکل اطهر از قبول آن امتناع فرمودند .
۷ - والی بغداد نامق پاشا نهایت احترام نسبت بآن
حضرت و همچنین به بستگان آن حضرت مانند حضرت -
عبدالبهاء و برادرشان جناب کلیم قائل بود بطوریکه سبب
تعجب و شگفتی همه شده بود .
۸ - یاران بدرجه ای از مقام فنا و انجذاب رسیده بود
که همگی شائق بودند خود را در ره دوست بی همفدا
نمایند نمونه اینگونه نفوس که قربانی نمودن جان عزیز خود را
نهایت آمال خود میدانستند جناب سید اسمعیل زواره ای
ملقب به ذبیح میباشد .

۹ - نزول آیات والواح از قلم جمال مبارك چون غیث
هاطل بود بطوریکه هر شبانه روز باندازه قرآن از لسان
اطهر آیات نازل میشد که اکثراً نوشته نمیشد فقط مختصراً
توسط کاتب مرقوم میگردد یا بخط مبارك تحریر میشد .
مهمترین این آثار عبارتند از :

۱ - کتاب مستطاب ایقان در سال ۱۲۷۸ هجری
در مدت دوشبانه روز در جواب سئوالهای جناب خال اکبر
نازل شد .

۲ - کتاب کلمات مکنونه فارسی و عربی در سال ۱۲۷۴
که ابتداءً صحیفه مخزونه فاطمیه نامیده میشد .

۳ - هفت وادی که در جواب سئوالهای شیخ محی الدین
قاضی خانقین نازل گشته .

۴ - چهار وادی که بافتخار شیخ عبد الرحمن کرکوسی
عالم بلند پایه نازل شده

۵ - لوح ملاح القدس

۶ - لوح حوریه - سورة البصر - تفسیر حروف مقطعه فر

لوح مدینه التوحید - کتاب صحیفه شطیه و مصیبات حروف

کلمات عالیات - تفسیر هو - جواهر الاسرار فی معارج الاسفار

۱۰ - پیشرفت و اقبال نفوس و همچنین انجذاب و محبت

زاید الوصفی که یاران نسبت به جمال مبارك ابراز امید اشتند

و نیز بلند شدن آوازه شهرت و بزرگواری حضرت بهاء الله سبب شد علمای شیعه به مقابله برخیزند که رئیس آنها شیخ عبدالحسین مجتهد بود که به فتنه و فساد برخاست و با کاربرد از دولت ایران در عراق و جمعی از ارازل و اویاش به مخالفت جمال مبارک کمر همت بر بست و حتی برای قتل مبارک توطئه نمودند و چون از این راه موفقیت نیافتند بدسته بندی پرداختند تا بلکه اعلام جهاد نمایند و همه را از زمین بردارند لذا برای پیدا نمودن راهی برای اجرای مقاصد خود شخصی معروف بنام ملا حسن عمور با حضور مبارک فرستاد و طلب معجزه نمودند - هیکل مبارک چنین فرمودند "هر چند حق ندارند زیرا حق باید خلق را امتحان نماید نه خلق حق را ولی حال این قول مرغوب و مقبول علماء به نشینند و بالاتفاق یک معجزه انتخاب کنند و بنویسند که بظهور این معجزه از برای ماشیه ای نمی ماند و کل اقرار و اعتراف بر حقیقت این امری نمائیم و آن ورقه را مهر کنند و بیاور و این را میزان قرار دهند اگر ظاهر شد از برای شما شبهه نماند و اگر ظاهر نشد بطلان ما ثابت گردد" ملا حسن از جای بلند شده پس از بوسیدن زانوی مبارک به کاظمین مراجعت نمود و جریان را بیان نمود ولی علماء از تشریح اقدام ننمودند ولی اقدامات شیخ عبدالحسین و مکاتبات

متعددی که بادربار ایران و دوستان خود در طهران داشت و با اشاعه اکاذیب و افتراها سبب شد که دربار ایران از سلطان عثمانی بخواهند که حضرت بهاء الله را بنقطه ای دورتر که نزدیک مرز ایران نباشد تبعید نمایند بدینگونه بود که —
مقامات عزیمت هیکل مبارک به اسلا مبول فراهم گشت و وعود
الهی تحقق پذیرفت .

روزی در حالی که جمال مبارک در مزرعه ای در حوالی بغداد
ایام عید نوروز را میگذراندند و لوح ملاح القدس که همانروز
از قلم مبارک نازل شده بود باعث حزن و اندوه بی پایان
یاران از وقایع ناگوار آینده مینمود پیکی نامه ای از نامق
پاشا والی بغداد بحضور مبارک تقدیم نمود که در آن از هیکل
مبارک استدعاشده بود با حاکم ملاقات فرمایند . روز بعد
در مسجد مجاور دارالحکومه نامه صدراعظم عثمانی خطاب
به والی بغداد مبنی بر عزیمت هیکل مبارک به اسلا مبول
به حضور مبارک تقدیم گردید هیکل اطهر موافقت فرمودند
ولی از قبول وجه تقدیمی امتناع فرمودند ولی با اصرار زیاد
برای احتراز از هرگونه سوء تفاهم مصارفی را که برای وجود
مبارک اختصاص داده شده بود قبول و بین فقرا و مساکین
تقسیم فرمودند با اعلام این خبر هیجان و تاثر شدیدی
بین یاران ظاهر گردید ولی هیکل مبارک همه را نصیحت

میفرمودند و به صبر و تسلیم امر میفرمودند .
بیست و هفت روز پس از وصول فرمان حکومت در روز چهارشنبه
سوم ذی القعدة ۱۲۷۹ هجری مطابق با ۲۲ آوریل ۱۸۶۳
میلادی که سی و دوم نوروز بود هیكل مبارك از بغداد در
عزیمت فرمودند و به باغ نجیب پاشا نزول اجلال نمودند
موقع عزیمت بدرقه عظیمی از هیكل مبارك بعمل آمد از هر
طبقه از رجال و رعیت از زن و مرد دست و اغیار - علماء
و کارمندان دولت - صنعتگرو کاسب - فقیر و غنی و مساکین
در اطراف بیت مبارك اجتماع نموده بودند - هیكل مبارك
در موقع عزیمت نسبت به فقرا و مساکین تفقد فرمودند و انعام
میدادند تا بکنار شط رسیدند - قبل از سوار شدن به قایق
بیاناتی پند آمیز خطاب به یاران فرمودند و با اغصان و کاتب
و حی به باغ رضوان که آن طرف شط العرب بود عزیمت
فرمودند . یاران دسته دسته بحضور مبارك میرسیدند
همچنین مفتی شهر و شخص نامق پاشا حاکم بغداد جهت
وداع بحضور شرفیاب شدند - حاکم به افسر مامور همراهی
مبارك دستورات لازمه مبنی بر پذیرائی و استقبال مردم بین
راه از هیكل مبارك صادر نمود - دشمنان بخصوص شخص
کارپرداز چون چنین دیدند و عظمت جمال مبارك را بچشم
دیدند از اقدامات خود پشیمان گشتند و از کرده خویش نادم

شدند .

سئوالات

۱ - پس از مراجعت حضرت بهاء الله به بغداد چه تحولی در جامعه روی داد .

۱ - اظهار امرعلنی فرمودند .

۲ - بارشاد و راهنمایی و تهذیب اخلاق یاران برداختند

۳ - بکلی از امور کناره گرفتند .

۲ - نزول کتاب مستطاب ایقان در چه سالی بوده است .

۱ - سال ۱۲۷۸ هجری

۲ - سال ۱۲۸۰ هجری

۳ - سال ۱۲۸۲ هجری

۳ - کتاب مستطاب ایقان در پاسخ سئوالهای چه شخصی نازل شده .

۱ - شیخ محی الدین قاضی خانقین

۲ - شیخ عبدالرحمن کرکوکلی

۳ - جناب خال اکبر

۴ - مدت اقامت هیکل مبارک در بغداد بااستثنای ایام

اقامت در کردستان چند سال بوده .

۱ - شش سال

۲ - هشت سال

مربوط به صفحه های ۸۶ و ۸۴

جوابهای صحیح سئوالات درس هشتم

ذیلاً جوابهای صحیح سئوالات درس هشتم درج میگردد
تا پژوهندگان پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور
داده اند با آنها مقایسه فرمایند .

- | | |
|---|-----------------|
| ۱ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |
| ۲ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۱ | ردیف |
| ۳ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۳ | ردیف |
| ۴ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |
| ۵ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۱ | ردیف |

۳ - ده سال

۵ - پس از صد و فرمان سلطان عثمانی د اثر بر نغنی هیگل مبارک ایشان به کجا تشریف بردند .

۱ - اسلا مبول

۲ - ادرنه

۳ - عکا

درس نهم

اظهار امر علی حضرت بهاء الله و سرگونی هیگل مبارک
به اسلا مبول

هیگل مبارک پس از ورود به باغ نجیبیه که بعداً باغ رضوان مشهور گردید به یاران و صاحبی که حضور داشتند اظهار امر نمودند و رسالت خود را ابلاغ نمودند - روز ورود هیگل مبارک اول اردیبهشت ماه - این روز و روزهای توقف مبارک در این باغ بنام ایام رضوان مشهور است و سه روز آن یعنی اول و نهم و دوازدهم جزه ایام محرمه میباشد .
نبیل زرندی در تاریخ خود ضمن اشاره بدین ایام چنین می نویسد :

" هر روز صبح باغبانها گلهای زیادی از چهار خیابان باغ می چیدند و در میان خیمه مبارک خرمن مینمودند چنان

خرمنی که اصحاب چون برای چای صبح در محضر مبارک می نشستند آن خرمن گل مانع از آن بود که یکدیگر را به بینند و بدست مبارک بجمیع نفوسی که بعد از صرف چای مرخص میشدند گل عنایت شد . برای اهل حرم وسایر احباب عرب و عجم نیز گل می فرستادند سه شب که بنده در حول خیمه مبارک بودم هر وقت نزدیک سر مبارک عبور مینمودم هیگل قیوم را اینام میدیدم و هر روز صبح تا شام هم از کثرت آمد و شد نفوس از بغداد آنی لسان قدم ساکت وصامت نبود و در اظهار امر پرده و حجابی نه " جمال قدم این روز را " عید اعظم " " سلطان اعیان " ملقب فرموده اند .

مدت اقامت هیگل مبارک در باغ رضوان ۱۲ روز بود و روز ۱۴ ذی القعدة ۱۲۷۶ با اصحاب وداع فرمودند و از آنجا بصوب اسلا مبول عزیمت فرمودند - هیگل مبارک براسبیلی اصیل قرمز رنگ سوار بودند سرها بعلامت احترام فرود می آمد و دستها برای تبرک بجانب رکاب مبارک دراز بود همراهان مبارک در این سفر اهل حرم و بیست و شش نفر از اصحاب بودند .

میرزا یحیی نیز بمیل خود از موصل بیعد در پی موکب حضرت بهاء الله پیاده راه می پیمود . کاروان باده نفر

سوار محافظ و فرمانده آنها به بندر سامسون که یکی از بنادر دریای سیاه است رسید . در بین راه همه جاز موکب حضرت بهاء الله استقبال گرم و پذیرائی شایان بعمل میآمد و اولیای امور و مردم محل به استقبال و مشایعت اقدام مینمودند . مدت سفر یکصد و ده روز بود نقاطی که هیکل مبارک عبور فرمودند عبارتند از :

کرکوک - اربیل - موصل (در عراق) - نصیس - مار دین - دیار بکر - خار بوط - سیواس - (در ترکیه فعلی) - از بندر سامسون (در ترکیه) بوسیله یک کشتی ترک بجانب اسلامبول عزیمت فرمودند و پس از سه روز به اسلا مبول نزول اجلال نمودند - وقتی هیکل مبارک از کشتی پیاده شدند با اهل حرم بوسیله دود ستگاهعراه که در انتظار هیکل مبارک بود بخانه میهمانداری که از طرف دولت معین شده بود و شمس بیگ نامیده میشد تشریف فرما شدند و سپس بخانه بزرگتری در جوار مسجد سلطان محمد انتقال یافتند . اولین مرحله از ابلاغ عمومی رسالت مبارک در اسلامبول انجام پذیرفت و هیکل مبارک با ارسال توقیعی به سلطان عبدالعزیز خلیفه اسلام و امپراطور عثمانی این ابلاغ را اعلان فرمودند سلطان عبدالعزیز اولین پادشاهی است که مورد خطاب حضرت بهاء الله قرار گرفته است و همچنین اولین

زمانداری است که بغضب الهی گرفتار و بکیفر خود رسید
آنچه سبب نزول این توقیع گشت فرمان تبعید مجدد هیکل
مبارک است که در ابتدای سرمای زمستان ایشان را بادرنه
دورترین نقطه سرحدی کشور جای داد در حالی که هنوز
بیش از چهارماه از ورود ایشان به اسلامبول نگذشته بود
حضرت بهاء الله که میهمان رسمی دولت عثمانی در اسلامبول
بودند برخلاف رسم آن ایام بدیدار صدر اعظم و وزیر
امور خارجه و مفتی تشریف نبردند و حتی بازدید یکی دو تن
از وزراء را بلا جواب گذاشتند غافل از آنکه این رسوم و عادات
بشری را در درگاه خداوندی راهی نیست .

باری این مطلب سبب دستاویزی شد که سفیر ایران در دربار
عثمانی ذهن اولیای امور را مخدوش و مشوش سازد و همینگونه
بی اعتنائی ها را سبب علت اختلاف ایشان و دولت ایران
وانمود سازد لذا دولت برای نابودی امر حضرت بهاء الله
اتحاد بستند و باتفاق نظر رسیدند و نتیجه آن ابلاغ تبعید
مجدد هیکل انور به ادرنه بود - برای ابلاغ و تسلیم فرمان
تبعید برادرزن صدر اعظم انتخاب شد ولی حضرت بهاء الله
از پذیرفتن وی امتناع فرمودند و از طرف خود حضرت
عبدالبهاء و جناب کلیم راجهت انجام ملاقات معین نمودند
پس از ابلاغ فرمان تبعید لوحی قهریه خطاب به عالی پاشا

نازل گردید که توسط پیکر آنرا به وی رسانند . در آغاز
این لوح خطاباتى به شخص سلطان عثمانى انشاء فرموده
سپس رفتار وزراء را نکوهش نموده و بى لياقتى آنان را
تسريح مينمايند .

حرکت هيكل اطهر و عائله مبارکه از اسلا مبول بنا به نوشته
نبيل " بازالت کبرائى بعمل آمد که قلم از ذکرش بنوحه
در آيد و ورق از وصفش خجل و شرمنده گردد " در آن سال
سرمایى اندازه بود عائله مبارکه را با چهار چرخه و سوار
بر چهار پايان مخصوص حمل بار حرکت دادند و اثاثيه را با
عربه هاى که باگا و حمل ميشد فرستادند . مدت سفر
دوازده روز بود . پس از ورود به مقصد مهاجرين را در
کاروانسرائى جای دادند سپس به خانه هاى مختلف نقل
مکان دادند و آخر الامر در خانه اى که در شمال مسجد
سلطان سليم بود سکنى دادند . حضرت ولى امر الله و رود
مبارک را به روميلی (در ترکیه فعلی بنام ادرنه) خاتمه
مرحله اولای يکى از مهيج ترين ادوار زندگانى مبارک
موقوف مىدارند .

سئـوالـات

- ۱ - مدت سفر هیکل مبارک از بغداد به اسلامبول چند وقت طول کشید .
 - ۱ - هفتاد و پنج روز
 - ۲ - نود روز
 - ۲ - یکصد و ده روز
- ۲ - اولین زمامداری که امر عمومی حضرت بهاء الله بوی ابلاغ شد چه کسی بوده .
 - ۱ - ناصرالدین شاه
 - ۲ - سلطان عبدالعزیز
 - ۳ - ناپلئون سوم
- ۳ - مدت اقامت هیکل مبارک در اسلامبول چند وقت بوده .
 - ۱ - چهار ماه
 - ۲ - پنج ماه
 - ۳ - شش ماه
- ۴ - پس از اسلامبول حضرت بهاء الله به کجا سرگون گردیدند .
 - ۱ - ادرنه
 - ۲ - عسکـا
 - ۳ - بیروت
- ۵ - عزیمت هیکل مبارک و عائله مقدسه از اسلامبول چه وقت

و بجه وصفی بوده .

۱ - در فصل بهار بود و براحتهی انجام پذیرفت .

۲ - در فصل تابستان بود و بسیار از گرما سخت گذشت

۳ - در فصل زمستان بود و بسیار از سرما سخت گذشت

۶ - اظهار امرعلنی جمال مبارک در چه سالی بوده .

۱ - ۱۲۷۶ هجری قمری

۲ - ۱۲۷۹ هجری قمری

۳ - ۱۲۸۱ هجری قمری

۷ - ایام رضوان که بنام عید رضوان نامیده میشود چند روز

بوده و در کجا اظهار امرعلنی مبارک واقع شد .

۱ - در واژه روی است که پس از مراجعت حضرت

بهاء الله از کردستان در باغ نجیب پاشا نزدیک بغداد

گذراندند .

۲ - در واژه روزی است که قبل از عزیمت حضرت

بهاء الله از بغداد به اسلامبول در باغ نجیب پاشا استقرار

یافتند

۳ - در واژه روزی است که در نوروز سال ۱۲۷۹ در

مزرعه ای در حوالی بغداد تشریف داشتند .

مربوط به صفحه های ۹۱ و ۹۲

جوابهای صحیح سئوالات درس نهم

ذیلاً* جوابهای صحیح درس نهم درج میگردد تا پژوهندگان
پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور داده اند با آنها
مقایسه فرمایند .

- | | |
|---|-----------------|
| ۱ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۳ | ردیف |
| ۲ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |
| ۳ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۱ | ردیف |
| ۴ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۱ | ردیف |
| ۵ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۳ | ردیف |
| ۶ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |
| ۷ | پاسخ صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |

درس دهم

اعلان عمومی امر حضرت بهاء الله بسلاطین و پیشوایان جهان

و

حوادث ایام نفی هیکل مبارک در آدرنسه

۱ - خصومت های میرزایحیی

حضرت ولی امرالله بحران و انقلاب داخلی امرالله را که در اثر خصومت های میرزایحیی برادر ناتنی جمال مبارک که سیزده سال از ایشان کوچکتر بوده و همیشه مورد مرحمت و حمایت مبارک بود بوجود آمد با هیچیک از حوادث بعد از شهادت حضرت اعلی قابل قیاس نمیدانند .

این خصومت های میرزایحیی سبب شد اولاً دشمنان امرالله خشنود گردند و به تحقیر امرالله پردازند ثانیاً یاران را پریشان ساخت .

میرزایحیی پس از عزیمت هیکل مبارک بجانب اسلامبول با تذکره ای بنام میرزا علی کرمانشاهی بالباس مبدل به موصل عزیمت نمود و در آنجا بکاروان همراهان مبارک که بطرف اسلامبول در حرکت بود ملحق گردید . مقام بزرگواری و شهامت هیکل مبارک از یک طرف علاقه و شیدائی یاران از طرف دیگر نزول آیات و بینات از جانبی و روابطی که با اولیای امور

داشتند همه باعث شد که میرزایحیی حسادتش طفیان نماید
و با تحریکات و القاعات سید محمد اصفهانی به مخالفت هیکل
مبارک برخاست - این جریان همچنان ادامه داشت تا آنکه
در سال دوم ورود مبارک به ادرنه هیکل مبارک را بوسیله
چای مسفوم ساخت بطوریکه مدت یکماه بستری بودند همین
امر سبب ارتعاش دست مبارک تا آخر حیات شد و نیز با خواست
استاد محمد سلمانی اغوان نماید که هیکل مبارک را در حمام مقتول
سازد .

جمال مبارک سوره امر را که بصراحت مقام مبارک را بیان داشته
توسط میرزا آقا جان کاتب وحی به میرزایحیی رسماً ابلاغ
نمودند و پاسخ میرزایحیی را خواستار گردیدند . تنها
پاسخی که از وی شنیده شد این بود که خود نیز دارای چنین
مقامی میباشد . چون وضع چنین گشت هیکل مبارک برای
فصل حق و باطل تدابیری اندیشیدند . ابتدا با عاقله
مبارک بنخانه دیگری که اجاره شد انتقال یافتند و اناثیه منزل
از فرش و ظروف و غیره بدو نیم شد و نیمی بمنزل میرزایحیی
ارسال گردید و برخی اثار متبرکه که حضرت اعلی مانند مهر و خاتم
و خطوط مبارک بوی تسلیم شد و سهمیه او از ماهانه ای که
دولت برای معاش مهاجرین مقرر داشته بودند بوی تسلیم
گردید و مدت دو ماه باب لقا بسته شد تا یاران مختار باشند

و در متابعت از هیکل مبارک یا تبعیت از میرزایحیی آزادی -
داشته باشند .

با این اقدامات میرزایحیی نزد اولیای امور رادرنه و رعیت
سید محمد باسلا مبول و ملاقات با سفیر ایران در دربار
عثمانی و وارد نمودن اتهامات دشمنی را با وچ رساندند
و تکمیل کردند . جمال مبارک برای تمیز حق از باطل بنسب
باستدعای بعضی از یاران مباحله یا میرزایحیی را پذیرفتند
و در ساعت مقرر برای انجام آن بمسجد سلطان سلیم تشریف
شدند بعداً خبر رسید که میرزایحیی از این مباحله و مبارزه
بیمناک شده و در محل معهود حاضر نشده است و انجام
آنرا بیکی در روز دیگر موکول نموده است و با وجود ابلاغ کتبی
لوح مبارکی که در این باره نازل شده بود و حضور مجدد
وی راتا گید فرموده بودند به هیچوجه برای مباحله و مواجهه
حاضر نشد و بدین ترتیب کذب وی پدیدار شد "وفصل اکبر"
واقع گشت .

۲ - ابلاغ عمومی امر حضرت بهاء الله

در این اوان که احزان از هر طرف بر هیکل مبارک وارد میشد
هیکل اطهر پیام ربانی خویش را به پادشاهان - روسای
جمهور رسماً اعلان فرمودند که بسوره ملوک مشهور است .
برای پادشاه عثمانی و وزراء وی و پادشاهان کشورهای

مسیحی و سفرای فرانسه و ایران در اسلا مبول و فلاسفه -
جهان خطابه‌ای علیحده ارسال داشتند .
در این سوره جمال قدم رسالت الهی خود را به آنان ابلاغ
و با مرالهی دعوت مینمایند و آنان را به عدل و انصاف و رعایت
جمهورناش نصیحت میفرمایند .

جمال مبارك لوح دیگری خطاب به ناپلئون سوم امپراطور
فرانسه ارسال داشتند و همچنین توفیق منیعی خطاب به
ناصرالدین شاه قاجار نازل فرمودند .
و نیز لوح مبارك خطاب به عالی پاشا صدر اعظم عثمانی مشهور
به لوح رئیس نازل گردید .

۳ - نزول آیات

در این ایام نزول آیات از قم مبارك چون غیث هاطل بسود
بطوریکه نوشتن آنها ممکن نبود میرزا آقا جان کاتب وحی حین
نزول الواح مشغول تحریر میشد و حضرت عبدالبهاء به تسوید
آنها اشتغال داشتند . بنا بر فرموده مبارك " بشانی از غمام
فضل امریه و سحاب فیض احدیه هاطل که در یک ساعت معادل
الف بیت نازل " و همچنین میفرمایند " الیوم فضلی ظاهر
شده که در یک یوم و لیل اگر کاتب از عهدہ برآید معادل بیان
فارسی از سماء قدس ربانی نازل میشود " از جمله این آیات
سوره امر . لوح نقطه . لوح احمد و سوره اصحاب و لوح

سیاح و سوره رم و سوره حج و لوح الروح - لوح الرضوان
و لوح التقی رامیتوان نام برد .

۴ - توسعه امرالله به کشورهای مجاور

در این ایام امرالله به کشورهای قفقاز - مصر - سوریه
توسعه یافت و این ممالک بر تعداد ممالک ظل امرالله چون
ایران و عراق و عثمانی اضافه گردید .

۵ - تألیف کتب استدلالیه

بعضی از پیروان امراللهی از جمله یکی از حروف حی و بعضی
از یقایی سیف قلعه طبرسی و دانشمند جلیل جناب میرزا
احمد از غندی به تبعیت از کتاب بدیع که در رفع شبهات
معترضین نازل شده به تألیف کتب استدلالیه پرداختند
و در اثبات امر مبارک قیام نمودند .

۶ - فصل اکبر

در این ایام اصطلاح " اهل بیان " که به تابعین میرزایحیی
اطلاق میشد منسوخ گشت و بجای آن اصطلاح اهل بسها
مرسوم گردید همچنین تکبیر " الله اکبر " به " الله ابهی "
تبدیل گشت .

۷ - هیکل مبارک طی توقیعی که بافتخار ملاعلی اکبر
شهمیرزادی و جمال بروجردی نازل آنرا ماموران تقال
جسد مطهر حضرت رب اعلی از امام زاده معصوم به محل

امن دیگری میفرمایند .

۸ - حرکت زائرین به ارض سر (ادرنه در ترکیه فعلی)

در این اوقات اولین دسته از زائرین به ارض سر وارد شدند بطوری که دولت ایران مجبور شد در این سفرهای یاران اشکالات عدیده ایجاد نماید و آنرا ممنوع سازد .

۹ - قتل و غارت در استان درمهد امرالله

باتوسعه امرالله دشمنان قدیمی دوباره بیدار شدند و قتل و غارت یاران از سر گرفته شد . در آذربایجان - زنجان نیشابور و طهران بهائیان محبوس و شهید گشتند . نفوس مهمه ای در این دوره برتبه شهادت نائل شدند یا تبعید شدند عبارتند از :

نجفقلی زنجانی کسه وی را در زنجان سر بریدند . حاجی میرزا حیدر علی اصفهانی باشق نفر از یاران توسط قونسول ایران در مصر اخذ و به زندان نه ساله خرطوم در سودان محکوم شدند .

قتل جناب آقا عبد الرسول قعی در بغداد و تبعید هفتاد نفر از اصحاب با اهل و عیال به موصل .

۱ . اجرای تمهیدات اولیه جهت قطع شجره امرالله و تهیه مقدمات تبعید مجد و هیکل مبارک .

بازیارت الواح شدید اللحنی که اخیراً نازل شده بود کثرت
زائرین ارض سر استقبال و احترامی که برخی از بزرگان مانند
محمد پاشا - سلیمان پاشا - و خورشید پاشا نسبت به
هیکل اطهر قائل بودند - گزارشات بی اساس فواد پاشا
نامه های شکوائیه میرزایحیی و سید محمد به دربار سلطانی
و همچنین افترا و روغهای بسیار در مورد تهیه مقدمات برای
تسخیر مقر خلافت همه و همه دست بدست هم داده سبب
شد که دربار سلطان عثمانی تمهید تازه ای جهت از بین
بردن و قطع ریشه امرالله اتخاذ نمایند . لذا مقدمات
زندانی نمودن هیکل مبارک در عکا فراهم گردید .
فرمان سلطان عبدالعزیز در این باره صادر گردید - یکروز
صبح نظامیانی چند بیت مبارک را اشغال نمودند و درهای
بیت را بستند و احباء را به سرای دولتی دعوت نمودند
و پس از پرسش هایی اعلام داشتند برای حرکت آماده شوید
پس از ابلاغ فرمان سلطانی به حضرت بهاء الله مقدمات
حرکت فراهم آمد و در تاریخ ۱۲ اوت ۱۸۶۸ مطابق با ۲۲
ربیع الثانی ۱۲۸۵ هیکل مبارک و عائله بوسیله عربها
بهمراهی افسر ترك و چند نظامی بطرف گالیبولی حرکت
فرمودند و پس از چهارروز به گالیبولی رسیدند - مدت
توقف هیکل مبارک سه شب بود - پس از آن با پافشاری

هیكل مبارك مهاجرین که تعدادشان هفتاد نفر بود قرار شد با هیكل اقدس به عکا تبعید شوند . چند نفر از اتباع میرزا یحیی از جمله سید محمد و آقا جان بیگ با حضرت بهاء الله و چند نفر از پیروان حضرت بهاء الله با ازلیها به قبرس اعزام گردند

پس از آن هیكل مبارك و پیروان با کشتی بجانب اسکندریه حرکت فرمودند و از اسکندریه با کشتی دیگر بجانب حیفا عزیمت کردند و از حیفا بوسیله یک کشتی شراعی بطرف عکا انتقال یافتند و در ۱۲ جمادی الاولی سال ۱۲۸۵ مطابق با ۳۱ اوت ۱۸۶۸ به عکا قدم گذاردند .

سؤالات

۱ - اعلان عمومی امرجمال قدم درجه شهری واقع شد .

۱ - اردزنه

۲ - اسلا مبول

۳ - عکا

۲ - درایامی که هیکل مبارک در اردزنه تشریف داشتند

امرالله در چند کشور نفوذ یافته بود .

۱ - چهار

۲ - پنج

۳ - شش

۳ - سرگونی مجدد هیکل مبارک به عکا در چه سالی انجام

گرفت .

۱ - ۱۲۸۵ هجری قمری

۲ - ۱۲۸۶ هجری قمری

۳ - ۱۲۸۷ هجری قمری

مربوط به صفحه ۱۰۲

جوابهای صحیح سئوالات درس دهم

ذیلاً جوابهای صحیح سئوالات درس دهم درج میگردد
تا پژوهندگان پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور
دارد اند با آنها مقایسه فرمایند.

۱ پاسخ صحیح سئوال

۱ ردیف

۲ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

۳ پاسخ صحیح سئوال

۱ ردیف

درس یازدهم

زندانی شدن هیکل مبارک در عکا

عکایی از نقاط بد آب و هوای قلمرو عثمانی بود که محل تبعید و زندانی نمودن آدم کشان و زردان و طرد شدگان سیاسی بود - در آن جا قلعه ای قرار داشت که دارای دو ردیف خاکریز و حصار محکم بود . این محل خشک و بی آب - کثیف و دارای کوچه های تنگ و باریک و تاریک بود ولی در منطقه ای قرار داشت که در زمره اراضی مقدسه محسوب است و مطابق با پیش گوئیهای کتابهای مقدسه میبایست این انتقال بدست اعداء صورت پذیرد . اراضی مقدسه آشیانه انبیاء است و بطرق مختلف بازندگان حضرت خلیل - حضرت موسی - انبیای بنی اسرائیل - حضرت زردشت و حضرت محمد ارتباط پیدا مینماید .

حضرت بهاء الله در زندان عکا به مشقات و مصائبی دچار شدند که در هیچیک از ادوار زندگی مبارک مانند آن مشاهده نشده است (جز انقلاب داخلی در نه) .

شب اول ورود اصحاب بی آب و نان بودند روزهای بعد سه عدد نان که قابل خوردن نبود بهر یک نفر میدادند . سپس بجای نان وجه نقد کمی پرداخت نمودند - در اوائل تمام اصحاب به بیماری تب و اسهال مبتلا گشتند و سبب تلف شدن

سه نفر گردید که با وجود تسلیم سجاده زبیرای مبارک جهت کفن و دفن آنها آن نفوس مظلوم را بدون غسل و کفن بالباس خودشان بخاک سپردند .

اوضاع یاران بهمین منوال بود ولی زائران از اطراف و اکناف بجانب عکا حرکت مینمودند و از دور بزیارت هیکل مبارک نائل می گشتند اولین زائر عکا حاجی ابوالحسن اردکانی امین الهی بود که در حمام بزیارت هیکل مبارک موفق گردید در سال ۱۸۲۰ میلادی دو سال پس از ورود هیکل اطهر و عائله مبارکه به عکا مصیبتی پیش آمد که بررنجها و بلا بیای هیکل مبارک افزود و گشت و آن شهادت حضرت غصن الله الاطهر فرزند بیست و دو ساله حضرت بهاء الله است که مدتی کاتب وحی الهی بوده است و علت آن سقوط ایشان از پشت بام قشله بزیر و برخورد شدید با صندوق چوبی که در آن محل قرار داشت بود . پس از بیست و دو ساعت که از این حادثه گذشت روح پرفتوحش بعالم بالا صعود نمود و پس از تفسیل جسد در حضور هیکل اطهر آنرا در خارج قشله بخاک سپردند .

چهار ماه پس از این فاجعه بعلت آنکه قلعه مورد احتیاج نظامیان بود مقرر شد حضرت بهاء الله و اصحاب آنرا تارک نمایند لذا هیکل اطهر و عائله مبارکه به خانه ای در غرب

شهر انتقال یافتند و هزارچند گاهی هیکل مبارک را بخانه دیگری منتقل میساختند و بعضی از آن خانه ها بقدری - محقر بود که اجباراً سیزده نفر از عائله مبارک از زن و مرد در یک اطاق زندگی مینمودند .

در این ایام واقعه داخلی دیگری روی داد که باعث بروز تضییقات بیشتری گردید و قضیه از این قرار بود که دو نفر از افرادی که بهمراهی هیکل مبارک به عکا اعزام شده بودند مرتکب اعمالی شدند که سبب طرد آنان گشت . سید محمد اصفهانی آنان را بجانب خود کشانده و وضوء و فتنه برپا ساخت . هفت نفر از اصحاب برخلاف رضای مبارک در پنهانی نقشه قتل سه نفر از آنان از جمله سید محمد اصفهانی و آقا جان بیگ را کشیدند و بمرحله اجرا در آوردند . این عمل باعث جلب هیکل مبارک به سرای حکومتی و استنطاق ایشان شد و سبب حبس چند نفر بمدت شش ماه و مرتکبین چند سال شد .

در اثر تعویض حاکم های محل و اثرات تعالیم مبارک در قلب افراد و مساعی مستمره حضرت عبدالبهاء و تماس با ما مورین و مردم کم کم تضییقات کاهش یافت و حاکم های بعدی با احترام فوق العاده بحضور مبارک مشرف میشدند و یکی از آنان فرزند خود را برای کسب کمالات به حضور

حضرت عبدالبهاء میفرستاد این تغییرات سبب شد زائران با سهولت بیشتری بحضور مبارك مشرف گردند . مصطفی ضیاپاشا که چند سال بعد به حکومت عکا منصوب شد عرض نمود هرگاه هیکل مبارك اراده نمایند میتوانند آزادانه از شهر خارج شوند ولی هیکل مبارك قبول نمیفرمودند . اقبال شیخ محمود مفتی شهر نیز سبب نفوذ بی اندازه امرالله گردید .

نه سال از اقامت هیکل مبارك در شهر عکا گذشته بود که مفتی شهر بر حسب اشاره حضرت عبدالبهاء از حضور مبارك التجانمود که گاهی بخارج شهرتشریف فرما شوند و سپس دو سال بعد به قصر عودی خماز که ابتدا اجاره و سپس خریداری شده بود منتقل شدند . مسافرت حضرت عبدالبهاء به بیروت بنا بدعوی مدحت پاشا یکی از صدراعظم های سابق عثمانی و همچنین پذیرائی های شایان مفتی بیروت و استقبال شایانی که در موقع مراجعت ایشان به عکا از جانب مفتی بعمل آمد همه و همه سبب انتشار صیت امرالله گردید و جمال مبارك گرچه زندانی بودند ولی بتدریج عظمتشان ظاهر و آشکار گردید . در همین قصر پروفیسور براون مستشرق مشهور در مدت پنج روزی که میهمان هیکل مبارك بود چهار مرتبه بحضورشان مشرف شد که بعداً خاطرات این

این شرفیابی را بنحوی بدیع بیان داشت .
هیكل مبارك چهار بار به حيفا تشریف فرما شدند - در سفر
آخر هیكل مبارك سه ماه در آنجا اقامت فرمودند و در این سفر
بود که لوح کرمل نازل گردید و مقامی که می بایست بعداً
محل استقرار عرش حضرت اعلی واقع شود معین گشت .

سئوالات

۱ - ابتدای ورود حضرت بهاء الله به زندان عکا زائران چگونه بحضور مبارك میرسیدند .

۱ - بداخل زندان میرفتند و شرفیاب میشدند .

۲ - از فاصله دور هیكل مبارك را زیارت مینمودند .

۳ - اصلاً موفق بزیاارتشان نمی شدند .

۲ - مشقات و مصائب وارده بر هیكل مبارك در عکا با کدام

يك از ادوار زندگانی ایشان قابل مقایسه است .

۱ - زندان سیاه چال طهران

۲ - ایام بغداد

۳ - ادرنه (ارض سر) بعلت انتقال بات داخلی

امرالله که این مصائب بسیار عظیم بود .

۳ - شهادت حضرت غصن اطهر در سال چندم پس از ورود

هیكل اطهر و عائله مبارك به عکا رخ داد .

۱ - اول

۲ - دوم

۳ - سوم

۴ - در سو مین سال ورود جمال قدم به عکا چه تغییری در

وضع زندان ایشان روی داد .

۱ - از زندان عکا به قلعه دیگری منتقل شدند .

- ۲ - به قصر بهجی تشریف فرما شدند .
 - ۳ - به خانه دیگری انتقال یافتند و تحت نظر
قرار داشتند .
-

مربوط به صفحه های ۹، ۱۰ و ۱۱

جوابهای صحیح سئوالات درس یازدهم

ذیلاً جوابهای صحیح سئوالات درس یازدهم درج میگردد تا پژوهندگان پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور داده اند با آنها مقایسه فرمایند .

۱ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۲ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

۳ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۴ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

درس دوازدهم

وقایع مهد امرالله در ایام سجن هیکل مبارک در عکا - آثار
حضرت بهاء الله که در عکا نازل شده است و صعود هیکل مبارک
در ایامی که هیکل اطهر در عکا در سجن شدید بود -
وقایعی در ایران رخ میداد که اگرچه با وقایع صدر امر قایل
قیاس نبود ولی خود نشانه ای از ظلم ظالمین بر یاران الهی
محسوب میشود این وقایع فهرست و اربعاً عبارتند از:

۱ - مضروب و مجروح ساختن یکی از مؤمنین آبادیه بنام
استاد علی اکبر .

۲ - تاراج شدن املاک اهالی در تاکر و به حبس افتادن
حاجی میرزا رضای برادر حضرت بهاء الله .

۳ - شهید شدن جناب بدیع (آقا بزرگ خراسانی) حامل
لوح سلطان .

۴ - شهادت جناب ابابصیر و جناب سید اشرف در زنجان

۵ - شهادت محمد حسن خان کاشی در بروجرد .

۶ - شهادت میرزا آقای رکاب ساز - میرزا رفیع خیاط -

و مشهدی نبی که هرسه نفر بنابد ستور مجتهد محل شب
هنگام در شیراز خفه کردند .

۷ - شهادت شیخ ابوالقاسم مازگانی در کاشان .

۸ - شهادت میرزا باقر شیرازی در کرمان

- ۹ - شهادت گل محمد در اردکان .
- ۱۰ - شهادت جناب حاج عبدالمجید ابا بدیع در مشهد .
- ۱۱ - قتل جناب کاظم و شهادت جنابان میرزا محمد حسن و میرزا محمد حسین سلطان الشهداء و محبوب الشهداء در اصفهان .
- ۱۲ - شهادت جناب ملا علیخان در طهران پس از اذیت و آزارهای زیاد که بین راه مازندران تا طهران به او وارد ساختند .
- ۱۳ - شهادت جناب میرزا اشرف در اصفهان و بی حرمتی نسبت به جسد ایشان توسط شیخ محمد تقی نجفی ابن ذئب
- ۱۴ - در عشق آباد با وجود پیشرفت امرالله جناب حاجی محمد رضای اصفهانی توسط دو نفر از ارازل قوم به قتل رسیدند .

سایر نکات مهمه تاریخی که در این دوره روی داده است

- ۱ - تعمیر بیت مبارک شیرا و تفویض خدمت و حفاظت آن مقام مقدس به حرم مبارک حضرت اعلی و خواهر ایشان از جانب حضرت بهاء الله .
- ۲ - انتصاب چند نفر از یاران بمقام ایادی امرالله .
- ۳ - اعزام سلیمان خان تنکابنی جهت تبلیغ امرالله به هندوستان و برما .

۴ - اقبال تعداد زیادی از تابعین ادیان سابقه مانند
یهودی - زردشتی - و بودائی .

فهرست برخی از آثار نازل از قلم حضرت بهاء الله در عکا

حضرت ولی امرالله در کتاب گلدپاسز بای آثار مقدسه نازله
در سجن اعظم رابسه دسته تقسیم میفرمایند .

۱ - الواح متمم الواح و خطابات صادره از ارض سر (ادرنه)

۲ - الواح متضمن احکام و حدود النهیه که قسمت اعظم آن در
کتاب مستطاب اقدس مسطور و مدون است .

۳ - الواح متضمن اصول و مبادی و الواحی که بتشریح
همان اصول اختصاص یافته اند .

الواح دسته اول شامل لوح خطاب به ملکه ویکتوریا - لوح

دوم خطاب به ناپلئون سوم امپراطور فرانسه - لوح خطاب

به الکساندر دوم امپراطور روس - خطابات مبارک به ویلهلم

اول پادشاه پروس و آلمان . فرانسوا ژوزف امپراطور اتریش

روسیای جمهور امریکا که در کتاب اقدس نازل گشته است .

توقیع دوم به عالی پاشا صدراعظم عثمانی نیز از این دسته

الواح است - لوح مبارک خطاب به پاپ پی نهم .

کتاب مستطاب اقدس در سال ۱۸۷۳ میلادی در بیت عودی

خمار نازل گردید و برخلاف ادیان سابقه از ابتدای اننتها از

قلم شارع امر نازل گشته است و تکلیف جامعه پس از صعود
هیئکل

مبارك كاملا" - واضحا" روشن شده است .

صعود هيكل مبارك

جمال قدم نه ماه قبل از صعود مي فرموده اند " ديگر
نميخواهم در اين عالم بمانم " و از آن تاريخ به بعد اشاراتي
مي فرموده اند تا آنکه در يازدهم شوال سال ۱۳۰۹ هجري
مطابق با هشتم ماه مي سال ۱۸۹۲ ميلادي تبي بروجود
مبارك عارض گرديد و روز بعد شدت يافت ولي بزودي قطع
شد تب مجددا" شدت پيدا نمود و عوارض آن بر هيكل مبارك
پديد ارگشت .

شش روز قبل از صعود درحالي كه در بستر ملازم بودند
و تكيه بريكي از اغصان داده بودند عائله مبارك و احبها را
بحضور احضار فرمودند و از خدمات آنان اظهار رضايست
نموده همگي را به اتحاد و اتفاق و خدمت به عالم انساني
نصحيت كردند . اين آخرين شرفيابي ياران بحضور مبارك
و در حقيقت وداع حق با خلق بود .

در ليله دوم ذي القعدة ۱۳۰۹ هجري مطابق با
(۲۹ مي ۱۸۹۲) هشت ساعت بعد از غروب آفتاب هفت
كبري واقع شد .

ضمن تلگرافی که بکلمات قد افلت شمس البهاء مصدر بود صعود مبارک به سلطان عبدالحمید اطلاع داده شد و تصمیم به استقرار هیکل اقدس در جوار قصر بهجی به مشارالیه ابلاغ گردید . سلطان عبدالحمید موافقت خود را اعلام و پس از غروب آفتاب در همان روز صعود استقرار رس مبارک در روضه مبارکه انجام پذیرفت .

مدت يك هفته عده زیادی از مردم شهر عکا و نواحی مجاور در این رزیه عظمی باعائله مبارک سهیم گردیدند و کل از فقیر و غنی از خوان نعمت متنعم شدند . تعداد بسیاری از بزرگان ادیان مختلفه چون اسلام - یهودی - مسیحی و رجال دولت برای تسلیت حاضر میشدند و زبان به ثنا و مدح شمس حقیقت میگشودند . از سایر نقاط نیز عریضه‌های تسلیت آمیز بحضور حضرت عبدالبهاء ارسال میگردد .

شعرا اشعاری مرثیه بزبان ترکی و عربی سرودند و به حضور ارسال داشتند .

دیگر نمیتوان نوشت که به یاران الهی در سراسر کشورهای مختلف چون ایران - ترکیه - عراق - روسیه - مصر - سوریه و هندوستان و فلسطین چه گذشت و بچه اندوه و تاثری گرفتار نمود .

بدین ترتیب عهد ابهی مهمترین عهد عصر رسولی پایان پذیرفت

سئوالات

۱ - حضرت ولی امرالله آثار نازل از قلم حضرت بهاء الله در عکارا بچند دسته تقسیم میفرمایند .

۱ - دو

۲ - سه

۳ - چهار

۲ - کتاب مستطاب اقدس در چه سالی در عکارا نازل گردیده است .

۱ - ۱۸۷۰

۲ - ۱۸۷۳

۳ - ۱۸۸۷

۳ - سال نزول این کتاب به سال شمسی هجری چه میباشد .

۱ - ۱۲۵۱

۲ - ۱۲۵۲

۳ - ۱۲۵۳

۴ - دست ورتعمیر بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز در چه زمانی از طرف حضرت بهاء الله صادر گردید .

۱ - در زمان مسجونیت هیکل مبارک در عکارا

۲ - در زمان ورود هیکل اطهر به ادرنه

۳ - در زمان ورود حضرت بهاء الله به اسلا مبول

۵ - صعود هیکل مبارک در چه سالی واقع شد .

۱ - ۱۸۹۰ میلادی مطابق با ۱۳۰۷ هجری قمری

۲ - ۱۸۹۱ میلادی مطابق با ۱۳۰۸ هجری قمری

۳ - ۱۸۹۲ میلادی مطابق با ۱۳۰۹ هجری قمری

مربوط به صفحه های ۱۱۸ و ۱۱۹

جوابهای صحیح سئوالات درس دوازدهم

ذیلاً " جوابهای صحیح سئوالات درس دوازدهم درج میگردد
تا پژوهندگان پاسخ هائی را که به سئوالات درس مذکور
دارد اند با آنها مقایسه فرمایند .

۱ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۲ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۳ پاسخ صحیح سئوال

۲ ردیف

۶ پاسخ صحیح سئوال

۱ ردیف

۵ پاسخ صحیح سئوال

۳ ردیف

قسمت سوم
عهد میثاق از عصر رسولی

ماخذ: کتاب مستطاب گار پاسزهای

درس سیزدهم

کتاب عهدی و جلوس حضرت عبدالبهاء برکسی میثاق الهی

حضرت بهاء الله در روزهای قبل از صعود در حالی که عائله مبارک برای آخرین تودیع بر بالین جمال قدم اجتماع نموده بودند به عهد و میثاق خود اشاره فرمودند ، میثاقی که بصراحت تام در کتاب مستطاب اقدس نازل شده است . این عهد وثیق را در لوح وصایای مبارک که به کتاب عهدی مشهور است درج نموده و سپس به حضرت غصن اعظم سپردند . این کتاب بقلم هیگل اطهر مرقوم گردید و بمهر مبارک مختوم شده بود . در روز نهم پس از صعود حضرت بهاء الله نه نفر از منتسبین مبارک و منتخبین یاران اجتماع نمودند و کتاب عهدی مفتوح شد و در بعد از ظهر همان روز در اجتماع اغصان و افنان و زائرین و یاران مجاور در جوار روضه مبارک تلاوت شد و قلوب همه تسکین و التیام یافت .

حضرت عبدالبهاء ، غصن الله الاعظم ، مرکز عهد و میثاق الهی درباره کتاب عهدی چنین میفرمایند : " از اول ابداع تا یومنا هذا در ظهور مظاهر مقدسه چنین عهد محکم متینسی

گرفته نشد و قوه میثاق مانند حرارت آفتاب است که جمیع کائنات ارضیه را تربیت نماید و نشو و نما بخشد بهمچنین نور میثاق عالم عقول و نفوس و قلوب و ارواح را تربیت نماید .

قلم اعلی در کتاب مستطاب اقدس درباره میثاق الهی این آیه را نازل فرموده اند " از اغیض بحر الوصال و قضی کتاب المبد " فی المال توجیهو الی من اراده الله الذی انشعب من هذا الاصل القدیم " و در کتاب عهدی میفرمایند که مقصود از این آیه مبارکه غصن اعظم بوده .

تفویض این مقام به حضرت عبد البهاء در نظر همگان جامه ای برآزنده بر قامت آن هیكل انور بود و با استقبال همه یاران روبرو شد .

خلاصه ای از شرح حیات حضرت عبد البهاء قبل از جلوس برکسی میثاق

ولادت حضرت عبد البهاء در شب پنجم جمادی الاولی سال ۱۲۶۰ هجری قمری در همان شب تاریخی که حضرت اعلی به ملا حسین بشرویه اول من آمن ابلاغ کلمه فرمودند واقع شد . هنوز خرد سال بودند که خطاب پرهیجان جناب طاهره را به جناب وحید اکبر استماع نمودند و عظمت و اهمیت آنرا در خاطر

نورانی محفوظ داشتند . در کودکی اغلب مورد طعن اغیار قرار می گرفتند و ذهن انورشان از مشاهده حال رقت بار پدر بزرگوارشان حضرت بهاء الله در سیاه چال طهران در حالیکه نه ساله بودند متأثر شد . در نغی هیکل اطهر به بغداد - با والد بزرگوار بودند و در سختیها و مصائب شریک گشتند . در مدت مهاجرت حضرت بهاء الله به کوههای کردستان از یلای بی اندازه سهمی بسزایافتند . با وجود کمی سن به عظمت جمال مبارک بی برده بودند در اوائل جوانی بنا بر درخواست شوکت پاشا تفسیری بر یکی از احادیث اسلامی بنگاشتند که مورد تعجب همگان گردید . علمای بغداد به مراتب دانش و بینش و فضل ایشان اعتراف داشتند و همیشه حضرتش را مدح و ستایش مینمودند . در آدرنه بارها مشکلات و غوامض علماء را حل فرمودند . چون دایره نفوذ امرالله توسعه یافت جمال مبارک تمشیت امور احباء و حفظ دین الله را از حملات دشمنان به حضرت عبدالبهاء محول فرمودند و اغلب ایشان را بعنوان وکیل خویش به اولیای امور معرفی میفرمودند . در همین ایام وظیفه نوشتن آیات و تنسیخ آیات را نیز بعهده داشتند روزی که حضرت بهاء الله به حیفا تشریف برده بودند محل استقرار رس مطهر حضرت اعلی را مشخص نمودند ایشان را ما مور فرمودند در موقعیت

مناسب در ارتفاع مقام مقدس اعلی اقدام نمایند .

بامجاهدت و کوشش حضرت عبدالبها^۱ مقدمات آزادی هیکل مبارک حضرت بها^۲ الله از زندان عکا فراهم شد بطوریکه جمال مبارک توانستند بقیه مدت زندگانی خود را در این عالم در خارج حصار عکا بسر برند و از آرامش نسبی برخوردار شوند .

حضرت عبدالبها^۱ حوادث تاریخی و مبادی آئین یزدانی را بصورت رساله ای تحت عنوان رساله شخص سیاح تا لیبف نمودند . با اقدامات حضرتش در شغنی بعضی از حکام عکا بامهاجرین کاهش پذیرفت و برخی از اراضی مجاور نهراردن و بحر جلیل جهت امرالله خریداری شد سفری به بیروت فرمودند و مورد استقبال باشکوهی قرار گرفتند . ملاقاتشان بامدحت پاشا صدراعظم سابق عثمانی و عزیزپاشا و رجال علم و ادب و صاحبان فضل و کمال و مصاحبت مستمر با او صاحب نظران مانند شیخ محمد عبده در بیروت و سپس در عکا و حیفا سبب ازدیاد قدرت و نفوذ امرالله گردید حضرت بها^۱ الله ایشانرا آقا خطاب میفرمودند و به اصحاب و یاران مقام ایشانرا گوشزد مینمودند . درالواح و آیات حضرتشان را " سرالله " خوانده اند و در چند لوح حضرت عبدالبها^۱ را " قره عینی " مخاطب میسازند . فضائل انسانی و اخلاقی ملکوتی که در وجود مبارکشان جمع بود

با کمالات الهیه در آمیخت و ایشان را بعنوان مثل اعلاى دیانت
بهائى معرفی مینماید .

عصیان و مخالفت میرزا محمد علی ناقض اکبر بامرکز عهد الهی

پس از صعود جمال اقدس ابهی و تلاوت و ابلاغ کتاب عهدی
عده قلیلی از افراد احبباء به امتحانی بس شدید در چار
گردیدند که مدت چهار سال افکار آنها را شوش و متزلزل ساخت
علت این طوفان شدید مخالفت میرزا محمد علی غصن اکبر بامرکز
میثاق الهی بود بطوریکه دشمنان امرالله را امیدوار ساخت
و گفتند این مخالفت سبب اختلاف و دودستگی و انشقاق امرالله
و سپس نابودی آن خواهد شد . در این میان اطرافیان و
تابعین یحیی بیس از همه خوشحال گردیدند .

تقدم مسلم و آشکار حضرت عبدالبهاء از جمیع جهات
یعنی فضل و لیاقت و قدرت و تقوی و علم و دانش آن حضرت
بر جمیع اغصان سبب جایگزین شدن حسد و دشمنی در قلب
میرزا محمد علی شده بود . الطاف جمال مبارک و احترامی که یار
و اغیار نسبت به حضرت عبدالبهاء مجری میداشتند سبب شعله^{ور}
شدن این آتش کینه و حسد شد . اعلان کتاب عهدی که مقام او
بعد از مقام غصن اعظم قرار داده شده بود این رشک و حسد را
تسکین نبخشید . لذا شروع به مخالفت نمود و رخنه عمیق در بین

انصاف و منتسبین جمال بی مثال ایجاد نمود و عده ای از آنان را از سدره الهیه جدا ساخت . سبب ایذا و آزار مرکز میثاق الهی شده ولی نتوانست انشقاق و دودستگی در دیانت الهی ایجاد نماید . باید دانست میرزا محمد علی در زمان جمال مبارک جسارت راهب دی رسانده بود که دعوی مقامات مینمود و بامهر و امضای خود به اطراف منتشر میساخت بطوریکه مورد تنبیه جمال اقدس ابهی قرار گرفت . زمانی دیگر وقتی جهت انتشار الواح و آثار به هندوستان ما مورگردید در الواح و آثار در حالت نمود .

هر قدر حضرت عبدالبهاء اورا نصیحت فرمودند نتیجه نهی بخشید روزی در جواب مرکز میثاق که اورا مطمئن میساختند در موعد مقرر تمام افتخارات و شئون نصیب وی خواهد بود بی تأمل اظهار داشت هی چگونه تضمینی وجود ندارد که پس از وجود مبارک زنده باز شود به آرزوهایش نائل گردد .

برخی از اقدامات این دشمن مرکز میثاق الهی بطور خلاصه بدین شرح است :

۱ - بطوریکه در توبه نامه میرزا بدیع الله برادر ناقص اکبر مسطور است پس از صعود جمال مبارک قبل از اتمام مراسم تفصیل آن رسم مطهر و استقرار در روضه مبارکه با مکر و تزویر

دوچمدان دستی شامل الواح و آثار قلم اعلی که امانت حضرت غصن اعظم از طرف جمال قدم بود و است بر بود و قلب یاران را جریحه دار ساخت .

۲ - بعضی از خطابات شدید که از قلم اعلی در حق میرزا یحیی نازل شده بود با مهارت تحریف نموده و عبارت آنها را تغییر داده و آن کلمات را مربوط به حضرت عبدالبها^۱ قلمداد کرده است .

۳ - بطوریکه میرزا شمع فرزندش کتبا^۲ اعلام نموده آن مرکز نقض در صدور قتل حضرت عبدالبها^۳ برآمده بوده است .

۴ - در مراجع دولتی با تشبیه و رشوه دادن و اینگونه امور نالایقه برای لکه دار نمودن حیثیت امرالله قیام نموده است .

۵ - از نسبت دادن افترا بحضرت عبدالبها^۴ خودداری ننموده و چنین ابراز نموده که حضرت عبدالبها^۵ خود داعیه^۶ ظهوری جدید داشته و دارند .

۶ - با اعزام نمایندگان به کشورهای مختلف سعی نمود انظار یاران را از توجه به مرکز میثاق بازداشته و بمخالفت وادار سازد .

با اینگونه اعمال مراتب نقض وی و همدستانش آشکار گردید و غصن اکبر به خطب اکبر تبدیل گردید و اعمالش مورد تنفر عموم یاران قرار گرفت .

سئوالات

۱- کتاب مستطاب عهدی اصطلاحاً "حا" به کدامیک از الواح جمال

مبارک گفته میشود ؟

۱ - لوح سلطان

۲ - لوح قداحترق المخلصون

۳ - لوح وصیت نامه مبارک

۲ - وصیت نامه جمال مبارک چند روز پس از صعود زیارت شد

۱ - ۵ روز

۲ - ۷ روز

۳ - ۹ روز

۳ - "من اراده الله الذی انشعب من هدا الاصل القديم"

که یکی از آیات کتاب مستطاب اقدس است اشاره به چه شخصی

بزرگواری است ؟

۱ - مقصود غصن اعظم بوده

۲ - مقصود غصن اطهر است

۳ - مقصود حضرت ورقه علیاست

۴ - وقتی جمال مبارک در سجن طهران تحت غل و زنجیر بودند

روزی حضرت عبدالبهاء برای زیارت مبارک بزند ان تشریف

بردند در این هنگام چند سال از سن مبارک حضرت عبدالبهاء

میگذشت

۱ - پنج سال

۲ - هفت سال

۳ - نه سال

پاسخ های صحیح سئوالات

درس سیزدهم

زیرا " پاسخ های صحیح سئوالات درس سیزدهم درج
میگرد و تا پژوهندگان جوابهایی را که به سئوالات داده اند
با جواب صحیح مطابقه نمایند .

جواب صحیح سئوال ۱

ردیف ۳

جواب صحیح سئوال ۲

ردیف ۳

جواب صحیح سئوال ۳

ردیف ۱

جواب صحیح سئوال ۴

ردیف ۳

درس چهاردهم

حوادث تاریخی سالهای اول دوره میثاق

اول : نفوذ و پیشرفت امرالله در دنیای غرب

اقدامات و دشمنی های میرزا محمد علی ناقض اکبر و بستگانش هر چند مرکز میثاق الهی را از تمام جهات در خطر عظیم انداخت ولی پیشرفت امرالله را بکل متوقف ننمود . این عناد ناقضین سبب تشویش و نگرانی شدید قلوب یاران گردید . نورساطعه از ماه تابان مرکز میثاق الهی چندی زیر ابرهای بغض و عداوت پنهان شد و به عالم و عالمان نرسید ولی حال کوه قضاوت می نغائیم می بینیم این مخالفت ها بجائی نرسید . ناقضین معدوم شدند و از بین رفتند و امرالله تطهیر شد و آئین روحانی مسیر حقیقی خویش را در ظل راییت میثاق ادامه داد و به فتوحات عظیمه نائل گردید و در همین حال حضرت عبدالبهابه باختر توجه فرمودند تا اصول و مبادی روحانی امر حضرت بیهاالله را در دنیای غرب بگوش طالبان برسانند مؤذنه جان بخش نفوذ امرالله در اروپا و آمریکا یک سال پس از صعود حضرت بیهاالله به یاران ابلاغ شد در جشن چهارصدمین سال کشف آمریکا که سال ۱۸۹۳ -

میلادی برگزار شد کنگره بزرگ اریان در شیکاگو تشکیل گردید .
در این کنگره پیام رئیس مبشرین مسیحی در شامات توسط یکی
از کشیشان قرائت شد . در این پیام کشیش اعظم به امر
حضرت بهاء الله اشاره نمود و تعالیم آسمانی آنرا تذکر
گشته بودند . بدین ترتیب برای اولین بار در آمریکا امرالله
بطور موجز معرفی شد . بعداً اقدامات تبلیغی سبب توسعه
دیانت بهائی در آن اقلیم گردید که روس کلی آن بشرح زیر
میباشد .

۱ - در سال ۱۸۹۲ مطابق با ۱۲۷۱ شمسی حضرت
عبدالبهاء یکی از مؤمنین اهل سوریه را به آمریکا اعزام داشتند
مشارالیه در سال ۱۸۹۴ مطابق با ۱۲۷۳ شمسی به شیکاگو
منتقل شد و به ابلاغ کلمه الله پرداخت .

۲ - در اثر این ابلاغ و فعالیت های تبلیغی عده ای
به امرالله گرویدند که یکی از آنان ثرن تون چیس که لقب اول
مؤمن امریکه توسط حضرت عبدالبهاء بوی اعطاشد میباشد .
۳ - قلوب این مؤمنین چنان تحت تأثیر امواج روحانی
قرار گرفت که عده ای از آنان تصمیم گرفتند بزیارت حضرت
عبدالبهاء فائز گردند . اولین دسته زائرین غربی در سال
۱۸۹۸ مطابق ۱۲۷۷ شمسی بجانب عکا عزیمت نمود .

- ۴ - بسال ۱۸۹۹ مطابق ۱۲۷۸ شمسی اولین مرکز بهائی در قاره اروپا توسط خانم می بولز در فرانسه تأسیس گردید .
- ۵ - بسال ۱۹۰۰ میلادی مطابق ۱۲۷۹ شمسی اجبای شیکاگو هیئت شور تشکیل دادند که بعداً " به بیت عدل و سپس به هیئت روحانی تسمیه گردید و در حقیقت اولین محفل روحانی در دنیا میباشد .
- ۶ - خانم می بولز پس از ازدواج با فردی از اهالی کانادا در مونتreal مقیم گشت و با استقرار و استحکام شریعة الله در کانادا پرداخت (سال ۱۸۹۲ میلادی مطابق با ۱۲۸۱ شمسی) .
- ۷ - در سال ۱۹۰۲ جمعیت " موسسه مطبوعات بهائی " در شیکاگو تشکیل شد که ورقه ای بنام اخبار امری انتشار داد بعداً " این نشریه و سعت یافت و بنام نجم باختر منتشر گردید این موسسه برخی از آثار و الواح مبارکه مانند کلمات مکتوبه - کتاب مستطاب ایقان - الواح ملوک - هفت وادی توقیعات حضرت عبدالبهاء و برخی از رسالات جناب ابوالفضا راترجمه و انتشار داد و رسالات تاریخی و استدلالی منتشر نمود .
- ۸ - خدمات تبلیغی خانم سورن بورغ کرابر با

همکاری در لید روزنبرگ که بسال ۱۸۹۹ به امر مبارک ایمان
آورد بود سبب ایجاد تا سیسات امریه در لندن گردید .

۹ - مبلغین و فرستادگان حضرت عبدالبهاء مانسند

حاج عبدالکریم طهرانی - حاج میرزا حسن خراسانی - جناب
ابوالفضائل و میرزا اسدالله فاضل مازندرانی به آن اقلیم
وارد شدند و به انتشار امرالله پرداختند .

۱۰ - هیئت نه نفری جهت ارتفاع مشرق الاذکار

از میان نمایندگان شهرهای مختلف آمریکا انتخاب شدند
(۱۹۰۷ میلادی مطابق با ۱۲۸۶ شمسی) .

۱۱ - در سال ۱۹۰۸ مقدمات خریداری زمین جهت

مشرق الاذکار آمریکا فراهم شد .

۱۲ - در سال ۱۹۰۹ سازمان ملی داعمی به نام

هیئت معبد بهائی در شیکاگو تا سیس گردید و جمع آوری اعانات
آغاز شد .

۱۳ - سفرهای تبلیغی یاران آمریکا بدور دنیا و کشورها

مختلف جهان از جمله هاوایی - ژاپن - چین - هندوستان
و برمه - روسیه - آلمان - اطریش آغاز شد . وعده ای از یاران
آمریک برای همکاری با یاران ایران در طهران ساکن شدند .

دوم : تجدید مسجونیت حضرت عبدالبها^ع

دومین طوفان دشمنی و عناد در دوره میثاق مسجونیت مجدد حضرت عبدالبها^ع مییاشد که از سال ۱۲۸۰ شمسی آغاز شد و تا سال ۱۲۸۷ طول کشید و بارها جان حضرتش را بخطر انداخت. گرچه این مسجونیت مجد بوسیله هیئت حاکمه کشور عثمانی اجرا شد ولی درحقیقت مسبب آن میرزا محمدعلی ناقض اکبر بود که با جعل اکازیب و افترا و ایجاد رابطه دوستی با اولیای امور نگرانی و تشویش در اذهان مقامات باب عالی بوجود آورد لذا فرمان سلطان عثمانی مبنی بر تجدید مسجون حضرت عبدالبها^ع در سال ۱۲۸۰ میلادی صادر گردید .

هنگامی که حضرت عبدالبها^ع از محفل جشن بعثت حضرت اعلی که در بهجی منعقد شده بود مراجعت میفرمودند با حاکم عکا ملاقاتی داشتند . حاکم دستور سلطان را بلاغ نمود که باتفاق اخوان و یاران در عکا مسجون هستند . هیکل مبارک شفاعت اخوان و یاران را نمودند که بعداً همگی آزاد شدند ولی خود آن حضرت در عکا مسجون ماندند . با محبوس شدن حضرت عبدالبها^ع ناقضین آرام نگرفتند و رفت و آمد با اولیای امور را از سر گرفتند . اشیا^ع متبرکه نفیسه دوره حضرت بهاء^ع الله را به آنان هدیه نمودند و یا اکثر آنها را بفروش رسانده و جوه

حاصله رابعنوان رشوه پرداخت مینمودند . کار دشمنی را به آنجا رساندند که بحضرت عبدالبهاء تهمت زدند که مشغول آمده نمودن لشگر سی هزار نفری هستند و به تحریک عشایر و قبائل جهت شورش و طغیان اشتغال دارند در حال ساختن استحکامات در حیفامیباشند مهمات و ادوات جنگی فراهم میسازند و بلاد و استان خود در کشورهای خارج مرتبط هستند و قصد نهائی تسخیر و تصرف حیفا و عکا است تا سبب استقلال و آزادی فلسطین و شامات گردد .

در این میان به نگاشتن عرایض و امضاء گرفتن از مردم و تهیه استشهاد پرداختند و همه را به اسلا مبول مرکز حکومت عثمانی ارسال داشتند و مشاغل عدیده ایجاد نمودند . لذا هیئت تحقیق به عکا اعزام شد تا گزارش لازمه جهت حکومت تهیه نماید . این هیئت حضرت عبدالبهاء را به محکمه احضار نمود . حضرتشان تمام اتهامات را رد فرمودند و برای اثبات آن به وصیت نامه حضرت بهاء الله استناد نمودند . با اینگونه اقدامات ورود و خروج زائرین و حتی ارسال مکاتبات به اشکال روبرو شد . طبق دستور مبارک عرایض احباء به مصر فرستاده میشد تا بعداً بحضور مبارک ارسال گردد . منشیان همگی اظهر موقتا* به مصر انتقال یافتند . محافل و مجامع در بیست

مبارک تعطیل گردید و آزادی عائله مبارکه کاملاً محدود شد . این تضیقات و مشکلات هیگل مبارک را از جرآن نواییای مقدسه روحانیه باز نداشت - ساختمان مقام اعلی تعطیل نشد و متوقف نگردید - الواح و مکاتیب مبارک چون غیث هاطل نازل میگردد و عرایض بدوستان بهیچوجه بدون جواب نمی ماند ساختمان مشرق الان کار عشق آباد آغاز گشت و طبق دستور مبارک بیت حضرت اعلی در شیراز تعمیر گردید . گفتگوهای مبارک بر سرناهار که بعداً " بنام کتاب " مفاوضات عبدالبهاء " منتشر شد شمره همین ایام است .

حضرت عبدالبهاء در آن هنگام الواح و صایاراکه اصول نظم اداری بهائی در آن تبیین گردیده مرقوم داشته اند . پایه های تأسیسات اداری و روحانی در کشورهای مختلف بدستور مبارک استوار گردید - با تعلیمات مبارک آثار امریه به زبانهای مختلف ترجمه شد و کتب امریه به هشت زبان چاپ و منتشر گشت در این اوقات اگر گاهی تخفیفی در تضیقات و محدودیت هایش می آمد دوستان از کشورهای و از ادیان مختلف بزیارتشان میشتافتند و از حضورشان مستفیض میگرددند روزهای جمعه دست عطا بروی محتاجان و فقیران که در اطراف بیت مبارک جمع میشدند میگذرد بطوریکه به ایشان ابوالفقرا

میگفتند . شخصا از بیماران عیادت مینمودند و آنانرا مورد مهر و محبت قرار میدادند . در ایام تضییقات و اوج مشاغل و دوستان و برخی محبین استدعا مینمودند چندی هیكل مبارك از عكا هجرت فرمایند قبول نمیفرمودند و با وجود اشاعه اخباری مبنی بر احتمال تبعید وجود انور به صحرای قیزان یا غرق نمودن هیكل مبارك در دریا یا بدار آویخته شدن نشان هیكل اطهر به کاشتن درختان میوه و گلکاری در بیرونی بیت مبارك مشغول بودند که باعث تعجب دوستان و استهزاء دشمنان گردید ولی وقتی طوفان مصائب فرو نشست و یارو انصار بدیدن هیكل مبارك اجتماع مینمودند دستور فرمودند از میوه همان درختان پذیرائی گردند .

در سال ۱۲۸۶ شمسی هیئت دیگری بریاست عارف بیگ با اختیارات کامل وارد عكا شد . این هیئت ابتداء اداره پست و تلگراف را در اختیار خویش گرفتند . رؤسائی که با حضرت عبدالبها آشنائی داشتند برکنار نمودند - حتی حاکم شهر را تغییر دادند در اطراف بیت مبارك پلیس گذاردند و از ورود افراد جلوگیری کردند - ناقضین خوشحال شدند و با هیئت همکاری لازم رانمودند - پذیرائی هانمودند - میهمانی ها دادند - هیكل اطهر در مدت یکماه اقامت هیئت در عكا از ملاقات و مذاکره با آنان

امتناع فرمودند - اعضای هیئت روزی به ساختمان مقام اعلیٰ سرکشی نمودند و از تعداد اطاقها از خادم ساختمان پرسش نمودند و آنرا مورد بازدید قرار دادند .

شایعه دستگیری و تبعید هیکل مبارک به صحرای فیزان شدید^۱ انتشار داشت . روزی کشتی دولتی مربوط به هیئت که در حیفان لنگر انداخته بود بحرکت درآمد و بطرف اسکاتوجه شد . همه نگران بودند . - عائله مبارکه و دوستان از فکـر دوری از هیکل اطهر نگران و مشوش بودند ولی هیکل اطهر باکمال اطمینان در بیرونی بیت مبارک مشی میفرمودند تا آنکه کشتی ناگهان مسیر خود را تغییر داد و بجانب اسلا مبول حرکت نمود بدین ترتیب یکی از تهدید های شدیدی که بجان و حیات هیکل مبارک شده بود برطرف شد . هیئت هنوز بمقصد نرسیده بود که خبر سو^۲ قصد نسبت به جان سلطان عبدالعجیر انتشار یافت و در نتیجه این گرفتاری حکومت عثمانی فرصت رسیدگی به گزارش هیئت بازرسی اعزامی به عکارانیافت - چند ماه بعد موضوع مجددا^۳ تعقیب شد ولی انقلاب و قیام حزب جوانان ترک همه نقشه آنان را نقش بر آب نمود - در سال ۱۲۸۲ مشروطیت اعلام شد - زندانیان سیاسی و مذهبی آزاد گشتند باوجود وصول دستور کلی آزادی زندانیان مذکور مأمورین

عكا برای آزادی هیکل اطهر اجازه مخصوص تلگرافی طلب نمودند جواب مثبت از اسلا مبول واصل گشت و آن وجود نازنین از دست دشمنان آزاد گشتند . در سال ۱۲۸۸ سلطان عبدالمجید از سلطنت خلع شد و بزندان افتاد و بدین ترتیب فاسدترین سلطان عثمانی از سلسله آل عثمان که از بیست و سه خلیفه جانشینان سلطان سلیمان ظالم تر - سفاک و رذل و قبیح تر بود از سریر قدرت بزیر آمد و صحرائی فیزان در طرابلس به مستملکات ایتالیا منتقل شد - سنی و یک نفر از اطرافیان و وزراء سلطان که اغلب از دشمنان امرالله بودند در یک روز اقدام شدند و بسزای اعمال خود رسیدند بدین ترتیب قهر الهی بر آنان نازل گردید .

سئوالات

۱ - برای اولین بار و در چه سالی امر حضرت بهاء الله در آمریکا ابلاغ گردید .

۱ - ۱۸۹۲ میلادی

۲ - ۱۸۹۳ "

۳ - ۱۹۰۰ "

۲ - اولین مؤمن آمریکا چه نام دارد و در چه سالی ایمان آورده است .

۱ - ترن تون چین در سال ۱۸۹۴ میلادی

۲ - مستر دان " ۱۸۹۶ "

۳ - کسینگر " ۱۹۰۲ "

۳ - اولین دسته زائرین غربی در چه سالی و از کدام اقلیم برای زیارت حضرت عبیدالبهاء حرکت نمودند .

۱ - در ۱۸۹۸ میلادی از آمریکا

۲ - در ۱۸۹۹ " فرانسه

۳ - در ۱۹۰۰ " کانادا

۴ - در چه سالی مقدمات خریداری زمین مشرق الاذکار آمریکا فراهم شد .

۱ - در سال ۱۹۰۴ میلادی

- ۱۴۲ -

۲ - در سال ۱۹۰۶ میلادی

۳ - در سال ۱۹۰۸ "

۵ - تجدید مسجونیت حضرت عبدالبهاء در چه سالی آغاز
شد و چند سال طول کشید .

۱ - در سال ۱۹۰۰ بعدت پنج سال

۲ - در سال ۱۹۰۱ " هفت سال

۳ - در سال ۱۹۰۲ " شش سال

پاسخ های صحیح سئوالات درس

چهاردهم

زیرا " پاسخ های صحیح سئوالات درس چهاردهم درج میگردد
تا پژوهندگان جوابهائی را که به سئوالات داده اند با جواب
صحیح آنها مطابقت نمایند .

- ۱ جواب صحیح سئوال
 - ۳ ردیف
 - ۲ جواب صحیح سئوال
 - ۱ ردیف
 - ۳ جواب صحیح سئوال
 - ۱ ردیف
 - ۴ جواب صحیح سئوال
 - ۳ ردیف
 - ۵ جواب صحیح سئوال
 - ۲ ردیف
-

درس پانزدهم

وقایع تاریخی بعد از آزادی هیکل اطهر از سجن

اول : استقرار عرش حضرت رب اعلی در جبل کرم

پس از انتقال رمس مطهر حضرت اعلی و جناب انیس توسط حاجی سلیمان خان از کنار خندق به کارخانه حریربافی یکی از احبای میلان آن دو رمس مطهر را در صندوق چوبی قرار داده در محلی به امانت گذاشتند سپس بر حسب دستور صادره از طرف حضرت بهاء الله صندوق حامل عرش مبارک از تبریز به طهران حمل گردید و در مقبره امام زاده حسن قرار داده شد سایر نقاطی که عرش مطهر بنابه حکمت های الهی و بمنظور حفظ آن و دیده رحمانی قرار گرفته است بشرح زیر میآید .

۱ - منزل شخصی حاج سلیمان خان در سرچشمه

۲ - امام زاده معصوم تا سال ۱۲۸۴

۳ - مسجد ماشاء الله در راه چشمه علی

۴ - منزل میرزا حسن داماد در طهران بعدت چهارده ماه

در این تغییر مکان ها جناب حاجی ملاعلی اکبر شه میرزادی -

عامل اصلی بودند که با تعلیمات صادره از آستان حضرت

بهاء الله در حفظ آن میکوشیدند .

۵ - حاجی شاه محمد منشاری ملقب به امین البیان
بنابه او امر صادره از آستان جمال قدم آن ودیعه ربانی را -
تحویل گرفته در حرم امام زاده زید مخفی ساخت .

۶ - بنابه دستور واصله میرزا اسداله اصفهانی نسبت
به انتقال صندوق به منزل شخصی خود اقدام نمود .

۷ - در نقاط مختلف دیگر طهران مانند خانه آقا حسینعلی
نور اصفهانی - آما محمد کریم عطار تا سال ۱۳۱۶

۸ - بنابد دستور حضرت عبدالبهاء میرزا اسدالله صندوق را
از راه اصفهان - کرمانشاه - بغداد - دمشق و بیروت و از آنجا
از راه دریا به عکا حمل نمود در تاریخ ۱۹ رمضان ۱۳۱۶
پس از آنکه پنجاه سال از شهادت مبارک میگذشت به ارض اقدس
واصل شد .

در همان سال (۱۲۷۸) بدست مبارک اولین سنگ را در مقام
مقدس اعلی در محلی که حضرت بهاء الله تعیین فرموده بودند
قرارداده شد و ساختمان آن شروع گردید . زمین مقام اعلی
بامشکلات فراوان باوجود سائس ناقضان و دشمنان خریداری
شد . صندوق مرمری که طبق ارشاد مبارک توسط احبابی
رانگون تهیه شده بود در سال مذکور به ارض اقدس رسید و در
مظهر در آن استقرار یافت . طی ده سال ساختمان مقام

مقدس اعلی تکمیل گشت . در این ده سال هیگل مبارک حضرت
عبدالبهاء متحمل بلا یائی شدند که در لفظ ننگجد .
پس از آزادی حضرت عبدالبهاء از زندان حضرتشان
بیکی از آرزوهای خویش نائل گردیدند . در ۲۲ مارس ۱۹۰۹
مطابق بابیست و هشتم صفر سال ۱۳۲۷ هجری قمری در عید
نوروز استقرار رس اطهر در مقام ابدی خود صورت گرفت .
حضرت عبدالبهاء جل ثنائہ عرش حضرت رب اعلی را با سختی
به کوه کرمل منتقل ساختند و در شب همان روز در پرتو نور
چراغ با حضور عده ای از دوستان شرق و غرب با هیمنه بسیار
بدست خود صندوق مرمر حامل هیگل مقدس را در ضریح مقام
مقدس اعلی قرار دادند و در حالی که تاج مبارک را برداشته
و کفش را از پا در آورده و لباب خود را بسوئی گذارده بودند
سر برکنار صندوق مرمرین نهادند موهای نقره ای قام در اطراف
چهره پریشان و با صدای بلند گریه مینمودند و همه حضار
نیز متأثر و گریان شدند . بعداً " حضرت عبدالبهاء طی
لوحی این اقدام مهم را بایاران چنین ابلاغ فرمودند .
" ای یاران الهی بشارت کبری اینکه هیگل مطهر منور مقدس
حضرت اعلی روحی له الفدا بعد از آنکه شصت سال از تسلط
اعدا و خوف از اهل بغضا همواره از جایی به جایی نقل شد

و ابداً" سکون و قرار نیافت بفضل جمال ابهی در یوم نیروز در نهایت احتفال با کمال جلال و جمال در جبل کرم در مقام اعلی در صندوق مقدس استقرار یافت ۵ ز ا ۵ و العرقد الجلیل و ۵ ز ا ۵ و الجدت المطهر و ۵ ز ا ۵ و الرمس المنور . . . الخ در یوم سفر حضرت عبد البهاء به اروپا و آمریکا

پس از آزادی هیکل مبارک از سجن چهل ساله عکا و استقرار عرش حضرت باب در مقام ابدی خود در مقام مقدس اعلی . حضرت عبد البهاء از این بابت فراغت خاطر حاصل فرمودند لذا در حالی که قوای جسمانی کاملاً " تحلیل رفته بود مصمم گشتند سفر تاریخی و بی مثل و نظیر خود را به قارات اروپا و آمریکا آغاز و به انجام برسانند . نتایج تاریخی این سفر سه ساله هیکل مبارک به اروپا و آمریکا بقدری حائز اهمیت است که در قالب کلمات ننگد .

امرالله که مدت شصت و شش سال بعزت مخالفت دشمنان از آزادی برخوردار نبود در اثر نابود شدن و سقوط آنان میدانی یافت و مرکز میثاق از آزادی برخوردار گشتند و نور مبین چنان بدرخشید که همگی از مشاهده آن غرق در یای شگفتی گشتند خلاصه سفرنامه مبارک بشرح زیر تقسیم بندی میگردد .

۱ - حضرت عبد البهاء در سپتامبر ۱۹۱۰ مطابق ۱۲۸۹

شمسی یعنی یکسال پس از خلع عبد الحمید بدون اطلاع قبلی به مصر مسافرت فرمودند و بعدت يك ماه در پورت سعید اقامت گزیدند و سپس با کشتی عازم اروپا شدند ولی بعلت کسالت مراج در اسکندریه متوقف گشتند و سفر را به تاخیر انداختند و سفری به زیتون و قاهره فرمودند . مدت اقامت هیکل مبارک در مصر نزدیک به یازده ماه بود .

۲ - در اوت ۱۹۱۱ مطابق ۱۲۹۰ شمسی در حالیکه چهار نفر از خادمین در التزام مبارک بودند بوسیله کشتی بطرف ماری فرانسه رهسپار شدند و بعد از توقف کوتاه به لندن وارد گشتند و يك ماه در آنجا اقامت فرمودند .

۳ - پس از لندن بجانب پاریس توجه نمودند و مدت نه هفته در آن شهر اقامت گزیدند سپس به مصر مراجعت کردند و در رمه اسکندریه توقف فرمودند .

۴ - در مارس ۱۹۱۲ مطابق ۱۲۹۱ شمسی با کشتی از طریق ناپل ایتالیا بطرف نیویورک حرکت کردند و در یازدهم آوریل ۱۹۱۲ به نیویورک نزول اجلال نمودند و مدت هشت ماه در خطه آمریکا از یک کرانه تا کرانه دیگر بسیر و سیاحت پرداختند در این مسیر طولانی شهرهای مختلف آمریکا مورد بازدید قرار گرفت و در این نقاط هیکل مبارک در دانشگاهها - کلیساهای -

انجمن ها - محافل و اجتماعات راجع به وحدت عالم انسانی
وصلح عمومی و سایر مبادی روحانیه و اثبات مظاهر مقدسه
نطق ها و بیانات مهمی ایراد فرمودند .

۵ - در پنجم دسامبر ۱۹۱۲ با کشتی از نیویورک به شهر
لیورپول انگلستان عزیمت فرمودند و با قطار راه آهن به لندن
واز آنجا به سه شهر مهم دیگر انگلستان مسافرت کردند -
در مدتی که در انگلستان تشریف داشتند مردمان بسیار از عرفا
و حکماء و نمایندگان فرق مختلفه و شخصیت های مهمه از
اسلام و بودائی و زردشتی و ارباب جرائد و اصحاب قلم
بحضور مبارک رسیدند و جمیع مشمولین مراسم و اعطاف بحضرت
واقع گردید و مورد استقبال و پذیرائی شایان مقامات مهمه
چون شهردار لندن و دانشمندان - کشیشان و الامقام -
استادان دانشگاهها و پزشکان و اعضای سفارت ایران قرار
گرفتند و ندای یابها^۱ الابهی را بلند نمودند و بگوش همگان
رساندند .

۶ - در ۲۱ ژانویه ۱۹۱۳ مطابق ۱۲۹۲ شمسی بهاریس
عزیمت نمودند و پس از چهل روز اقامت عازم اشتوتگارت آلمان
شدند و مدت نه روز یاران صمیمی و خادم آن کشور را از زیارت
خود مستفیض فرمودند .

۷ - پس از نه روز اقامت در اشتوتگارت به بوداپست
عزیمت نمودند و نه روز اقامت داشتند .

۸ - سپس به وین پایتخت اطریش عزیمت فرموده يك
هفته اقامت گزیدند .

۹ - مجدداً به اشتوتگارت مراجعت نمود و سپس از پنج
روز به پاریس عزیمت کردند .

۱۰ - پس از ۴۲ روز اقامت در پاریس با کشتی بطرف مصر
مسافرت فرمودند و پس از بازدید از اسماعلیه و ابوقیر و توقف
چندی در رمله به ارض اقدس مراجعت و در پنجم دسامبر ۱۹۱۳
مطابق ۱۲۹۲ شمسی به حیفا نزول اجلال کردند . مدت
مسافرت مبارک از یوم عزیمت تا مراجعت به حیفا تقریباً سه سال
و چهار ماه طول کشید .

در طول سفر حضرت عبدالبها^۱ تعالیم و مباری روحانی را
در نقاط مهمه علمی و اجتماعی با حضور گروههای مختلف فلا سفه
و دانشمندان روسای مذهبی و هنرمندان و رجال و بزرگان
و مردم عادی که گاهی تعداد شرکت کنندگان به هزار نفر میرسید
اعلان فرمودند و ندای صلح را بلند کردند - در این بازدیدها
هیچگاه به نقاط دیدنی و مناظر و تاسیسات مهمه توجه نداشتند
و به سلامت خود اهمیت نمیدادند و به آسایش و راحت خسوف

توجهی نمیفرمودند بلکه شب و روز به انتشار و ابلاغ امر الله
اشتغال داشتند از قبول هدایا و اعانات دوستان جهت
مصاریف مبارک امتناع میورزیدند - در کلیساهای مسیحی اثبات
حضرت محمد و در کنیسه های یهودیان اثبات امر حضرت مسیح
میفرمودند و دائم در ذکر جمال اقدس ابهتی بودند .
ذکر نام بزرگانی که در مصر و آمریکا و انگلستان و سایر
بلاد بحضور مبارک مشرف شدند موجب تطویل کلام خواهد
شد همینقدر اشاره میشود که در مصر چند بار خدیو آن کشور
بحضور مبارک رسید و مفتی اعظم و امام و چند نفر از علماء
و پاشاهای ترک و رجال ایران و نمایندگان مجلس ترکیه و -
صاحبان روزنامه ها بحضور مبارک رسیدند و استفاضه نمودند
جلال الدوله بمحض تشریف به محضر مبارک خود را براقدا م
مبارک انداخت و لسان باعتراف گشود و از تعدیات و مظالم
خود نسبت به اهل بهاء استدعای عفو و بخشش کرد . در پاریس
نیز بسیاری از جمله شاهزادگان و رجال و وزراء سابق مانسند
ظل السلطان و چند نفر از وزراء سابق عثمانی و پاشاهای
بحضور رسیدند . همینطور در سایر کشورها اینگونه افراد مهمه
و طبقات مختلف بحضور مبارک رسیدند که برای اطلاع از جزئیات
آنها بهتر است به سفرنامه مبارک که در دو جلد تنظیم شده است

مراجعه شود .

سوم : انتشار امرالله در جهان

فتوحات و انتصارات مهمه ای که دزاشرف مسافرت حضرت عبدالبهی
به غرب نصیب امرالله گردید بی اندازه بود ترقی و توسعه
شریعت حضرت رحمان در شرق نیز بسیار مسرت بخش بود .

اولین مشرق الانکار بهی در عشق آباد که در سال
۱۹۰۲ میلادی مطابق ۱۲۸۱ شمسی با حضور فرماندار کل
ساختمانش آغاز شده بود مرتفع گردید .

آیات ، آثار امریه والواح تبلیغی خطاب به علمداران مدنیت
الهی در خطبه امریک ، نفوذ امرالهی به قاره استرالیا از آثار
مضیه عهد ثالث عصر رسولی و مساعی خستگی ناپذیر مرکز
بیمان الهی محسوب است .

در روسیه و قفقاز و مرکز آن باد کوبه محفل روحانی
تشکیل شد . در مصر امرالله توسعه زیاد پیدا نمود و کتب امری
منتشر گردید . در هندوستان و برما نفوسی از تمام ادیان
بظل امرالله وارد شدند و به تاسیس مراکز پرداختند .

در عراق بیت مبارک جمال ابهی تعمیر شد . در اسلامبول
مرکز بهائی تاسیس گشت . در تونس مرکز امری بوجود آمد
در ژاپن و چین و هونولولو امرالله توسعه یافت . جامعه یاران

در فرانسه و انگلستان و آلمان و آمریکا وسیع تر شد و مراکز
جدیده تاسیس یافتند . زمین مشرق الا زکار آمریکا خریداری
شد و در سال ۱۹۲۰ طرحی که توسط یک معمار و مهندس
بهائی تهیه شد اختیار گردید و به خاک برداری و ارتفاع
ارکان آن اقدام کردند .

چهارم : جنگ جهانی اول و تأثیراتش در مرکز جهانی بهائی

جنگ اول جهانی که در سال ۱۹۱۴ شروع شد و تا سال ۱۹۱۸
طول کشید بار دیگر مرکز میثاق و مقامات مقدسه ارض اقدس را
در خطر شدید افکند . اراضی مقدسه که در زیر سلطه حکومت
عثمانی بود و جمال پاشا در این اوان در رأس سپاه ترک بر آن
حکومت میراند به مخالفت با حضرت عبدالبها^۱ و امرالله قیام
نمود و حتی قصد داشت پس از خاتمه جنگ حضرت عبدالبها^۱ را
مصلوب و اماکن مقدسه را ویران سازد .

در ایام جنگ در اثر خطر بمباران هوایی حضرت عبدالبها^۱
و عائله مبارکه از شهر موقتاً به دهکده ابوسیان در نزد یک
عک منتقل شدند زیرا هر آن خطر بمباران هوایی حیفا و عکا
میرفت . در طول زمان جنگ راه های بسته شد و مراسلات و
مخابرات قطع گردید ولی هیکل مبارک در همین حال نقشه
تبلیغی خود را ترسیم فرمودند و آنرا به احبای آمریکا ابلاغ نمودند

جنگ به پایان رسید و حکومت عثمانی بر اراضی مقدسه خاتمه یافت و مقدمات هجرت بنی اسرائیل به اراضی اقدس فراهم گشت و حکومت انگلستان زمام امور را در این سرزمین بدست گرفت. دوره تضیقات و تهدیدات به پایان رسید و مقدمات شناسائی رسمی امر الهی فراهم گشت. امرالله در دوره سه ساله پس از ختم جنگ تا صعود هیکل مبارک اعتبار بی اندازه یافت اراضی وسیع در جوار روضه مبارکه خریداری شد و همچنین زمین برای مسافر خانه غربی در جوار بیت حضرت عبدالبهاء ابتیاع گردید. ساختمان مسافر خانه شرقی بهمت یکی از یاران جناب آمیرزا جعفر رحمانی شیرازی ساکن عشق آباد ساخته شده بود از مالیات دولتی معاف گشت.

دکتر فورال دانشمند مشهور بدیانت بهائی ایمان آورد و در جواب سئوالات او لوحی معروف و سراسر علمی و فلسفی در مبحث الوهیت و توحید با ادله و براهین قطعی و غیر قابل انکار از قلم میثاق صادر گردید که به لوح دکتر فورال مشهور است که مبنای اجرائی جامعه صلح لاهه از حضور مبارک تقاضای ارشاد نمود و در جواب لوح معروف (صلح لاهه) نازل و توسط نمایندگان خاص به مقصد ارسال گردید یاران آمریکا به مهاجرت پرداختند از جمله خانم و آقای هایدان از آمریکا به استرالیا

هجرت نمودند و به اشاعه امرالله سعی موفور مبذول داشتند .
همچنین خانم مارثاروت فخر مبلغین و مبلغات که از طرف مولای
حنون به مبشر ملکوت و " منادی میثاق " موسوم و موصوف شده
است قیامی عاشقانه نمود و سفرهای تبلیغی او بیست سال
طول کشید .

سؤالات

۱ - سنگ زاویه ساختمان اصلی مقام اعلی درجه سالی بدست مبارک حضرت عبدالبهاء بکار گزارده شد .

۱ - درسال ۱۸۹۸ میلادی

" ۱۸۹۹ درسال

" ۱۹۰۰ درسال

۲ - بنای ساختمان اصلی مقام اعلی چند سال طول کشید فاست

۱ - پنج سال

۲ - هشت سال

۳ - ده سال

۳ - درجه سالی عرش مطهر حضرت اعلی به حیفا و اصل گردید .

۱ - ۱۳۱۰ هجری قمری

" " ۱۳۱۲ - ۲

" " مطابق ۱۲۷۵ شمسی . ۳ - ۱۳۱۶

۴ - درجه سالی رمس منور حضرت باب در مقام ابدی خسود

در جبل کرمل استقرار یافت .

۱ - ۱۳۲۶ هجری مطابق یا ۱۹۰۸ میلادی

شمسی
۱۳۲۷ - ۲ " " " ۱۹۰۹ - ۱۲۸۸

۱۳۲۸ - ۳ " " " ۱۹۱۰

۵ - سفر تاریخی حضرت عبدالبهاء به اروپا و آمریکا در چه سالی آغاز شد .

۱ - ۱۹۱۰ میلادی

۲ - ۱۹۱۱ "

۳ - ۱۹۱۲ "

۶ - سفر حضرت عبدالبهاء از تاریخ حرکتشان از حیفا تا مراجعتشان به ارض اقدس جمعا چه مدت طول کشید .

۱ - دو سال و چهار ماه

۲ - سه سال و چهار ماه

۳ - چهار سال و یک ماه

۷ - سفر مبارک در چند کشور انجام گرفت .

۱ - پنج

۲ - هفت

۳ - نه

۸ - در آمریکا چند شهر مهم از شرق تا غرب آن کشور افتخار

تشریف فرمائی حضرت عبدالبهاء را پیدا نمود .

۱ - بیست و پنج

۲ - سی

۳ - سی و هشت

پاسخ های صحیح سئوالات

درس پانزدهم

ذیلاً " پاسخ های صحیح سئوالات درس پانزدهم درج میگردد
تا پژوهندگان جوابهایی را که به سئوالات داده اند با جواب
صحیح مطابقت نمایند .

۱ جواب صحیح سئوال

۲ ردیف

۲ جواب صحیح سئوال

۳ ردیف

۳ جواب صحیح سئوال

۳ ردیف

۴ جواب صحیح سئوال

۲ ردیف

۵ جواب صحیح سئوال

۱ ردیف

۶ جواب صحیح سئوال

۲ ردیف

۷ جواب صحیح سئوال

۲ ردیف

۸ جواب صحیح سئوال
۲ ردیف

درس شانزدهم

وقایع مولمه دوره میثاق در ایران و صعود هیکل مبارک

حضرت عبد البهاء

اول : وقایع مولمه دوره میثاق در مهد امرالله

اما در ایران امرالله با وجود تضییقات و کشت و کشتار ها از پس پرده خفا بیرون آمد و آثار اعلا کلمه الله ظاهر گردید و لسی جریانات روز طوری بود که حزب مظلوم به بلا پای بی حد مجددا در چار گردیدند . پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در جشن پنجاهمین سال سلطنتش بدست میرزارضای کرمانی که یکی از اتباع سید جمال الدین اسدآبادی بود ابتدا این عمل را به حزب الله نسبت دادند . جناب وزقا و فرزند خردسالشان روح الله اسیر و بدست حاجب الدوله در زندان قطعه قطعه شد و شهید گشتند .

مقصود این است که در طول دوره میثاق نیز در ایران جام بلا لبریز بود - اولین فردی که در دوره میثاق بمقام شهادت رسید جوان ناکام آقا محمد رضای یزدی است که در سال ۱۳۱۰ یکسال پس از صعود حضرت بهاء الله روی داد . در تربیت حیدریه پنج نفر از احبای الهی بمقام شهادت نائل گردید و بشهدای خصمه مشهور گشتند .

در مشهد حاج محمد تبریزی از تجار معروف شهید گشت و
جسدش را در آتش سوزاندند در اصفهان و کاشان و یزد یاران
در چار بلا یای شدید و خوردن تازیانه و غارت اموال قرار
گرفتند .

در یزد حاجی میرزا حلجی ساز را تازیانه زدند و همسرش
که بقصد دفاع از وی خود را روی جسدش انداخته بود چوبکاري
نمودند سپس فرق حاجی را با ساطور شکافتند و فرزند یازده
ساله اش را با قلمتراش شرحه شرحه نمودند . در آن روز نه نفر
از اعیان را شهید کردند و اموالشان را تاراج کردند .

در تفت از توابع یزد نیز خون عده ای از یاران را بر زمین
ریختند در مشهد یزد آقا سید میرزا پیرورد هشتاد ساله - میرزا
صادق و شاطر حسن را شهید کردند - خدیجه سلطان را از
بام بزیر انداختند و میرزا محمد با تیرتفنگ اعدام نمودند . استاد
رضاد رحیم شهادت دست قاتل خود را بوسید .

در بنادک و ده بالاخرمشاه و عباس آباد و هنزا و اردکان
و دولت آباد و همدان نیز صدمات لانهایه بر یاران وارد ساختند
و بکشتار یاران پرداختند .

در ساری پنج نفر از اعیان را بقتل رساندند .
در نری ریز مجدداً قتل و فساد برخاست و نوزده نفر

از یاران راشهید و اموال بهائیان راتاراج کردند .

در سیرجان و دوغ آباد و تبریز و آوه و قم و نجف آباد

و سنگسر و شه میرزا د اصفهان و جهزم بقتل یاران الهی و

غارت اموال و اسارت دوستان حضرت رحمان پرداختند در

دولت آباد شاهزاده حبیب الله میرزا باد و نفر دیگر را باتیر

بشهادت رساندند و جسدشانرا سوزاندند .

در مشهد جناب شیخ علی اکبر قوچانی فاضل جلیل را

باتیر کشتند .

در سلطان آباد میرزا علی اکبر و هفت نفر از اعضای خانواده اش

حتی طفل شیرخوار چهل روزه او را در یکشب شهید کردند .

در نائین و شه میرزا و بندرگز و قمصر به آزار و اذیت -

یاران قیام وسیع کردند .

در کرمانشاه میرزا یعقوب متحده از یاران سلا له بنی اسرائیل

را در جوانی کشتند . و مادرش که برضای الهی راضی بود در

همدان محفل سروری برپا خواست و دست شکرانه بدرگاه یگانه

بخاطر افتخار بزرگی که نصیبش شده بود بلند نمود این جوان

آخرین فردی است که در دوره میثاق خودش در راه دیانت

حضرت بهاء الله بر زمین ریخته شد . آری اولین فرد شهید

در دوره میثاق نو جوان بود و آخرینش نیز جوان .

علیرغم این صدمات و لطمات امرالله در ایران توسعه یافت -
عده مؤمنین فزونی گرفت یاران برای اولین بار در ایران
به تاسیس مدارس پسرانه و دخترانه تربیت در طهران اقدام
نمودند . سپس مدارس تائید و موهبت در همدان - وحدت
بشر در کاشان تا سیس گشت و همچنین اینگونه مدارس در
بارفروش و قزوین شروع بکار نمود .

جمعی از یاران غرب برای کمک به احبای ایران بطهران
وارد شدند و اقامت گزیدند بیت مبارک حضرت اعلی در شیراز
بنابه ارشاد حضرت عبدالبهاء تعمیر گردید در دوره میثاق
کلمه بابی از زبان ها بیفتاد و اصطلاح بهائی برای معرفی
یاران حضرت رحمان بکار برده شد .

دوم : صعود حضرت عبدالبهاء

در اواخر ایام حضرت عبدالبهاء چه از الواح و مناجات‌ها از بیانات شفاهی بوی فراق و وداع استشمام میشد . هیکل مبارک طی خوابهایی که میدیدند و برای عائله مبارکه تعریف مینمودند معلوم میداشتند که مدت زمان حیات عنصری مبارک در این جهان رویه پایان است .

ابتدا تب مختصری بوجود مبارک مستولی گردید بطوریکه ملازم بستر شدند .

روز بعد احبباء را برای شرکت در ضیافت مخصوص بمناسبت لیله جلوس آن حضرت بر سریر خلافت عظمی و اعلان کتاب مقدس عهدی که توسط یکی از یاران پارسی منعقد شده بود روانه نمودند . در بعد از ظهر همان روز مفتی حیفای رئیس بلدیة و رئیس پلیس شهر را بحضور پذیرفتند . آن شب آخرین شبی بود که هیکل مبارک در این جهان تشریف داشتند . قبل از تشریف بردن به اطاق خواب از سلامتی فرد عائله مبارک - جو یا شدند و از زائرین و احبای حیفای احوال پرسیدند در ساعت یک و ربع بعد از نیمه شب هیکل مبارک از تخت بزر آمدند و بطرف میزی که در گوشه اطاق قرار داشت تشریف بردند و قدری آب آشامیدند سپس به بستر مراجعت نمودند - بعد یکی از دو

ورقه مبارکه که در خد متشان بودند فرمودند پرده های پشه گیر را بالا کنند و اظهار فرمودند بسختی نفس میکشم . قدری گلاب آورده شد کمی میل فرمودند مجدداً استراحت نمودند قدری غذا آورده شد با صدای واضح و شمرده ای فرمودند " میخواهید غذا بخورم وقتی که من در حال رفتن " لحظه ای بعد روح مقدسشان بعالم لا هوت صعود نمود . صعود هیگل مبارک در شب بیست و هشتم نوامبر ۱۹۲۱ مطابق باششم آذرماه ۱۳۰۰ شمسی روی داد . خبر صعود ابتدا در حیفا اسپین در تمام جهان انتشار یافت و یاران راقربین حزن و اندوه بی اندازه نمود . پیامهای تسلیت آمیز بسیار کثیبی و تلگرافی به حیفا واصل گردید . مقامات رسمی حکومت انگلستان و در مصر و فلسطین . هیئت وزیران عراق و همچنین دانشمندان و بزرگان عالم پیامهای تسلیت ارسال داشتند . در روزنامه های بزرگ عالم مقالات مفصل در تکریم حضرتش که بصلح و اتحاد جهانی خدمات فراموش نشدنی نموده است چاپ شد .

مراسم تشییع رمس انور در صبح روز بیست و نهم نوامبر انجام گرفت . تشییعی که فلسطین مانند آنرا باخاطر نداشته . ده هزار نفر از کشورهای و مذاهب و فرق مختلف در مراسم تشییع شرکت داشتند و بزرگان قوم به ایراد و سخنرانی در بزرگواری و نعوت

حضرتش پرده اختند .

حضرت ولی امرالله ضمن اشاره به صعود مبارک چنین

میفرمایند . (ترجمه)

" بدین ترتیب حیات پرانوار مرکز عهد جمال اقدس ابهی که
نظر به رتبه شامخ و رفیعی که از جانب اب جلیلتش بوی اعطا
شده مقام فرید و وحیدی را در تاریخ ادیان عالم حائز است
منقضی گردید و ماموریت عظیمش در عالم ترابی پایان یافت و بسا
اختتام این رسالت منیع عهد ثالث عهد رسولی آخرین مرحله
این عصر افخم اکرم که اعلی و اشرف اعصار در مقدس بهائسی
محسوب است بانتهای رسید "

و نیز میفرمایند :

" مرکز عهد و میثاق الهی با صدور رسائل و مکاتیب منیع
بدیعه و انشاء خطب و الواح و مناجات و ادعیه و اشعار و تفاسیر
بهیه لمیع که چون غیث ها طل از یراعه عظمتش بلسان پارسی
و عربی و معدودی بزبان ترکی نازل تعالیم و مبادی سایر این
شرع اعظم را تشریح و احکام و اوامر را تبیین و اصول و آرایش
را تفسیر و اصالت و حقانیتش را کاملاً صریحاً " مشهوراً " علی ملا
الاشهاد اعلام فرمود همچنین جهان منحرف بشری را که در ظلمت
مادیات منہمک و از انوار حقیقت غافل و از خداوند مقتدر علیم

بی خبر و زاهل بود از خطر شدیدی که حیات وی را تهدید
مینمود اخبار و انذار فرمود .

هیگل مبارک در هنگام صعود هفتاد و هشت سال داشتند .
از این حیات پر انوار بیست و نه سال بعنوان مرکز میثاق
به دیانت پدر بزرگوارشان و عالم انسانی خدمت نمودند .

سئوالات

۱ - اولین شهید دوره میثاق در عهد ام‌الله چه نام دارد

۱ - آقا محمد رضای یزدی

۲ - آقا میرزا یعقوب متحده

۳ - جناب ورقا روح الله

۲ - صعود حضرت عبدالبها^ع در چه سالی اتفاق افتاد .

۱ - در سال ۱۲۹۹ هجری شمسی مطابق با ۱۹۲۰ میلادی

۲ - " ۱۳۰۰ " " " ۱۹۲۱

۳ - " ۱۳۰۱ " " " ۱۹۲۲

۳ - شهدای خمسه اصطلاحاً بشهدای چه شهری در ایران
اطلاق میشود .

۱ - یزد

۲ - ساری

۳ - تربیت حیدریه

۴ - در روضه^ع نبی زهرا^ع در عهد حضرت عبدالبها^ع منجر

بشهادت عده ای گشت چند نفر شهید شدند .

۱ - ۱۵ نفر

۲ - ۱۹

۳ - ۲۳

پاسخ های صحیح سئوالات

درس شانزدهم

زیرا پاسخ های صحیح سئوالات درس شانزدهم درج میگردد
تا پژوهندگان جوابهایی را که به سئوالات داده اند با جواب
صحیح مطابقت نمایند .

- | | |
|---|-----------------|
| ۱ | جواب صحیح سئوال |
| ۱ | ردیف |
| ۲ | جواب صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |
| ۳ | جواب صحیح سئوال |
| ۳ | ردیف |
| ۴ | جواب صحیح سئوال |
| ۲ | ردیف |

قسمت چهارم

عصر تکوین

ماخذ کتاب مستطاب گایاسزیای
و کتاب گوهری کتاب قلم امته البها
روحیه خانم

درس هفدهم

الواح وصایای حضرت عبدالبها^ء واستقرارنظم بدیعی

جهان آرای الهی

اول : جزئیان بعد از صعود حضرت مولی الوری وقرائت

الواح وصایا

وقتی حضرت عبدالبها^ء صعود فرمودند حضرت شوقی افندی دراکسفورد تشریف داشتند . حضرت ورقه علیاتلگرافی به لندن ارسال داشتند بدین مضمون " حضرت عبدالبها^ء بملکوت ابهی صعود فرمودند یاران را خبرکنید ورقه علیا^ء تغود وریسل که معمولا " مکاتبات و تلگرافات به آدرس مرکز کاروی ارسال میشود بوسیله تلفن به حضرت شوقی افندی عرض کرد که برایشان خبری دارد وقتی حضرت شوقی افندی به لندن رسیدند از صعود مبارک مطلع شدند معلوم است از فقدان محبوب جان و روان خود تاچه حد با احزان قرین گردیدند .

سپس بمعیت همشیره خود روح انگیز خانم و ستاره خانم لیدی بلا فیلد با کشتی بصوب ارض اقدس حرکت کردند پس از وصول کشتی به مصر از آنجا با قطار راه آهن وارد حیفا شدند و مورد استقبال قرار گرفتند روز ورود هیکل مبارک به حیفا ۲۹ دسامبر ۱۹۲۱ مطابق ۱۳۰۰ شمسی بود .

اعضاء عائله حضرت عبدالبهاء در هنگام صعود هیكل مبارك جهت یافتن دستور العملی درباره مقامی که جسد مبارك بایستی در آن استقرار یابد به جستجوی اوراق پرداختند در این موقع الواح وصایا را یافتند که درون پاکتی سر بسته قرار داشت و روی پاکت خطاب به حضرت شوقی افندی بود .

چند روز پس از ورود مبارك به حیفا در سوم ژانویه ۱۹۲۲ مطابق ۱۳۰۱ در محفل رسمی با حضور افراد عائله مبارك و سپس در هفتم ژانویه همان سال با حضور یاران کشورهای مختلف که در ارض اقدس بودند الواح وصایا زیارت شد و تکلیف یاران پس از صعود معلوم گردید . همان روز حضرت ورقه علیا تلگرافی بدین عبارت به ایران مخابره نمودند . " محافل تذکر در تمام دنیا انعقاد یافت . محبوب عالمان اراده مبارك خود را در الواح وصایا بیابان فرموده اند نسخه ای از آن بزودی ارسال میشود . احبب اراخبر کنید الواح وصایا ارسال شد حضرت شوقی افندی مرکز امراللهند " و نیز این تلگراف را فرمودند " طبق الواح وصایا حضرت شوقی افندی ولی امرالله و رئیس بیت العدل اعظمند احببای امریکارا خبر کنید "

در الواح وصایا حضرت عبدالبهاء درباره هیكل مبارك چنین میفرماید " الا و هو فرع مقدس مبارك منشعب من الشجرتین

البارکین طوبی لمن استظل فی ظلہ العدود علی العالمین " و نیز میفرمایند " آیه الله وغصن ممتاز و ولی امر الله و مرجع جمیع اغصان و افنان و ایادی امر الله و احباء الله است و مبیین آیات الله هر کسی که با آن وجود مقدس علم مخالفت برافرازد و عصیان ورزد و یا معارضه و نزاع وجدال و انکار کند و از ظل مدد و شوری گیرد کاملاً " بمشابه آن است که مخالفت و عصیان و اعراض و نزاع وجدال و انکار حق جل جلا له نموده است پس بر چنین فردی غضب الهی و قهر خداوند یکبار فرود می آید " و نیز میفرماید " فرع دوشجره مبارکه و ثمره دوسدره رحمانیه شوقی افندی رانهایت مواظبت نمائید که غبار کدر و حزن سی بر خاطر نورانیش ننشیند و روز بروز فرح و سرور روحانیتش زیاده گردد تا شجره بارور گردد زیرا اوست ولی امر الله بعد از عبد البها و جمیع افنان و ایادی و احبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند "

دوم : تاریخچه حیات حضرت ولی امرالله به اختصار

تولد حضرت شوقی افندی ۲۷ رمضان سال ۱۳۱۶ هجری مطابق با اول مارس ۱۸۹۷ میلادی بود ایشان نوه ارشد حضرت عبدالبهاء بودند . مادرشان ورقه مبارکه ضیائیه خانم دختر حضرت عبدالبهاء و پدرشان جناب آقامیرزاهادی افغان دوران کودکی را در عکا در محضر مبارک حضرت عبدالبهاء گذراندند و در مکتب سرخانه تلمذ نمودند . سپس عازم حیفا شدند تا به تحصیل دبیرستانی بپردازند . اول زبان خارجی را که آموختند فرانسه بود و تسلط کاملی بر آن یافتند ولی بعد از آن در زبان انگلیسی مهارت بسیار پیدا نمودند . حضرت عبدالبهاء سپس حضرت شوقی افندی را به بیروت فرستادند اول در مدرسه شبانه روزی و سپس در دانشگاه آمریکایی بیروت وارد شدند ولی تابستانها را در حضور مبارک بودند . حضرت عبدالبهاء نام خانوادگی ربانی را برایشان انتخاب فرمودند . در فوریه سال ۱۹۱۵ جایزه اول اتحادیه دانشجویان به ایشان تقدیم شد . در دانشگاه دانشجوئی ممتاز بودند در سال ۱۹۱۸ مطابق ۱۲۹۷ شمسی دوره علوم و صنایع دانشگاه بیروت را پایان رساندند و سمت منشی و مترجم الواح مبارک حضرت عبدالبهاء را عهده دار شدند آرزوی حضرت

شوقی افندی آن بود که بتوانند در خدمت حضرت عبدالبهاء
به ترجمه الواح و آثار مبارکه بپردازند - بعد از چندی برای
ادامه تحصیلات به انگلستان سفر نمود و وارد دانشگاه آکسفورد
انگلستان شدند . در طول مدت اقامتشان در آکسفورد بسا
وجود کوشش های بی اندازه در تحصیلات خدمات امری را
فراموش نمی کردند .

حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۳۷ مطابق ۱۳۱۶ شمسی
با امه البهاء روحیه خانم باسارگی و روحانیت و مراسمی ملکوتی
عقد اقتران بستند .

در مدت سی و شش سال دوره ولایت امرالله حضرت شوقی
افندی با روشی بی نظیر سپاهیان ابهی را چون سپهسالاری
در لیر رهبری فرمودند و به تبیین آیات الله ترجمه الواح و کتب
مقدسه و تنظیم احکام کتاب مستطاب اقدس اشتغال داشتند
در این مدت اهریمنان سست عنصر و ناقضین سعی داشتند
از هر طرفه بیکر امرالله ضربه وارد سازند ولی فتح و فیروزی همه
جانصیب یاران بود نمونه این بی وفایان فائق ارمنی در مصر
زنی غافل و گمراه در امریکا و طیر وقیح آواره در ایران بودند
که به مخالفت ولی امرالله برخاستند ولی همه مقهور اراده الهی
گشتند و نیست و نابود شدند . قلم معجز شیمش هیـــــــــــــــــچگاه
از حرکت باز نمی ایستاد .

سوم : استقرار نظم بدیع جهان آرای الهی

حضرت اعلی در کتاب مستطاب بیان بصراحت به نظم حضرت بهاء الله بشارت داده اند . جمال مبارک در کتاب مستطاب اقدس اصول و مبادی این نظم را وضع فرموده اند . حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا کیفیت تأسیس راتبیین و ارکان و - قوائم آنرا تعیین و مؤسسات بدیعه اش را تصریح فرمودند و حضرت ولی امرالله با فداکاریهای بی شمار بهمت یاران راستان در استقرار نظم اداری امرالله نهایت مجاهدت مبذول داشتند بیست و سه اخیر فاصله عصر رسولی تا انقضای قرن اول بهائیت بفرموده حضرت ولی امرالله مرحله اولی عصر تکوین میباشد و این سنوات مصادف با پیدایش و استقرار نظم اداری امرالله است .

ظهور این نظم اداری با مخالفت بسیاری از داخل و خارج روبرو شد و اینگونه نفوس کوشش بسیار نمودند که اساس و بنیانش را براندازند . ناقضین دوره میثاق نیز بارهبری میرزا بدیع الله بمخالفت برخاستند و سعی داشتند روضه مبارکه را از دست ولی مقدس امرالله خارج نمایند که تیرشان به سنگ خورد و رسوا و شرمسار گردیدند .

گرچه صعود حضرت عبدالبهاء لطمه شدیدی بر جامعه

یاران وارد ساخت ولی همگی متحداً "متفقاً" به وصایای مبارک تمسک جستند و در پناه رهبریهای مبارک حضرت ولی امرالله بخدمتهای تبلیغی و اداری برخاستند. این مجاهدت ها و خدمات سه هدف مهم را تعقیب مینمود.

۱ - تأسیس ارکان و دعائم نظم اداری امرالله

۲ - حفظ وحدت و تمامیت آئین یزدانی

۳ - تمسیت امور داعم التزاید جامعه بهائی در اثبات

استقلال و رسمیت آئین یزدانی و اتساع نطاق شریعه الله و تزئید عدد مؤمنین.

اولین قدم در این راه تأسیس و تقویت محافل روحانیه محلیه بود که بعنوان اس اساس نظم بدیع محسوب میشوند و در بسیاری از نقاط و کشورهای جهان اینگونه محافل تشکیل گردید. در مرحله دوم در مناطقی که امرالله دارای نفوذ و تمکن بیشتری بود و تعداد یاران فزونی داشت به تأسیس محافل ملیه اقدام گردید این محافل ستونهای هستند که بیت العدل اعظم الهی چون قبه ای بر آن اعمده استقرار یافت زیرا "تاریخ تأسیس بعضی از این محافل ملیه ذکر میشود. در بریتانیا - آلمان و هندوستان بسال ۱۹۲۳ میلادی در مصر

۱۹۲۴

در ایالات متحده آمریکا بسال ۱۹۲۵ میلادی

(این محفل ملی جانشین هیئت معبد بهائی شد که در زمان حضرت عبدالبهاء تشکیل گردیده بود و در واقع هیئت معبد بهائی اولین هیئت ملی بهائی است که در جهان تأسیس گردید)

۱۹۳۱ میلادی

در عراق

" ۱۹۳۴

در ایران و استرالیا

این محافل ملیه بموازات اتساع دائره خدمات امریه به انتخاب لجنه های ملیه همت گماشتند که هر یک بکمال فعالیت و انتظام بایفاء وظائف مرجوعه همت گماشتند . اقدامات مهمه ای که از طرف محافل جدید التاسیس بعمل آمد و در حفظ وحدت جامعه و استحکام نظم اداری امرالله و تثبیت اساس محافل مذکور در ارای تاثیر شدید بود عبارتند از :

- ۱ - تدوین اساسنامه ملی بهائی که برای اولین بار در آمریکا انجام شد این اساسنامه ها به ثبت مراجع رسمی رسید و بعداً بزبانهای دیگر در سایر نقاط انتشار یافت و قدمی مهم در تسجیل مؤسسات اداری امرالله محسوب میگردد .
- ۲ - ثبت اماکن متبرکه و موقوفات بهائی در دفاتر رسمی و دوائر دولتی بنام محافل ملیه و محلیه .

- ۳ - خریداری و بنای حظائر قدس ملیه و محلیه که مراکز خدمات اداری بهائی میباشند .
- ۴ - تأسیس مدارس تابستانه که در سالهای ۱۹۲۷ - ۱۹۲۹ و سپس در سایر اقالیم نیز چنین مدارس توسعه یافت .
- ۵ - توسعه فعالیت های روحانی جوانان بهائی .
- ۶ - تشکیل و توسعه ضیافت نوزده روزه .
- ۷ - تهیه آمار از اطفال بهائی و تشکیل کلاسهای دروس اخلاقیه برای آنان .
- ۸ - تأسیس محفظه آثار در ممالک مختلف بمنظور حفظ و نگهداری الواح صادره از قلم حضرت اعلی - کَلک مطهر حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء .
- ۹ - افتتاح باب مکاتبه با پادشاهان و روسای جمهور و ادیان بمنظور حفظ حقوق امرالله و رفع تعدیات بریاران حضرت رحمن .
- ۱۰ - انعقاد انجمنهای شور محلی و ملی .
- ۱۱ - خریداری و ثبت اماکن تاریخی در دنیای بهائی .
- ۱۲ - تأسیس کتابخانه های بهائی .
- ۱۳ - شرکت نمایندگان جامعه بهائی در مجامع عمومی

غیرسیاسی بین العلی بمنظور اثبات جامعیت امریہائے

وایجاد و تحکیم روابط اساسی باآنان .

۱۴ - تکمیل بناء و انجام تزینات داخلی و خارجی

مشرق الاذکار شیکاگو کہ بشہادت صاحب نظران زیباترین

بنائی است کہ در قرون اخیرہ ساختمان گردیدہ است .

سئوالات

۱ - قرائت الواح وصایای حضرت عبدالبها^ع چند روز پس از صعود حضرت عبدالبها^ع در احتفالی که بدین مناسبت در ارض اقدس تشکیل شد قرائت گردید .

۱ - ۲۷ روز

۲ - ۲۵ روز

۳ - ۳۰ روز

۲ - دوره ولایت حضرت شوقی افندی چند سال طول کشید .

۱ - ۳۰ سال

۲ - ۳۴ "

۳ - ۳۶ "

۳ - اولین هیئت ملی بهائی در چه کشور و در چه سالی تشکیل گردید .

۱ - در سال ۱۹۲۰ در آمریکا

۲ - در سال ۱۹۲۳ در انگلستان

۳ - در سال ۱۹۲۴ در فرانسه

۴ - تاریخ تأسیس اولین سه محفل ملی بهائی در جهان چیست و در چه کشورهایی میباشد .

۱ - ۱۹۲۱ - در مصر - فرانسه - ژاپن

- ۱۸۲ -

۱۹۲۳ - ۲ بریطانیا - آلمان - هندوستان

۱۹۲۵ - ۳ در آمریکا - ایران - استرالیا

پاسخ‌های صحیح‌سئالات

درس هفدهم

زیرا " پاسخ‌های صحیح درس هفدهم درج میگردند تا
پژوهندگان جوابهای را که به‌سئالات داده‌اند با جواب
صحیح مطابقت نمایند .

۱ جواب صحیح سؤال

۱ ردیف

۲ جواب صحیح سؤال

۳ ردیف

۳ جواب صحیح سؤال

۱ ردیف

۴ جواب صحیح سؤال

۲ ردیف

درس هیجدهم

نکات مهمه تاریخی در عصر تکوین

اول : حمله دشمنان به اماکن و تأسیسات عالم بهائی

در طول عصر تکوین اماکن مقدسه و تأسیسات مختلفه بهائی در نقاط مختلف مورد حملات دشمنان قرار گرفت که مطالبه و بررسی آنها ما را به جریان عمومی پیشرفت امرالله و تاریخ آن در این عصر و همچنین نوایا و فداکاریهای حضرت ولی امرالله آشنا میسازد . اهم این وقایع عبارتند از :

۱ - پس از صعود حضرت عبدالبها^۱ ناقضین فرصت رامفتنم شعره^۲ با تحریک میرزا بدیع الله برادر ناقض اکبر کلید روضه مبارکه^۳ قبله گاه اهل بهاء را بزور و جبر از خادم باوفایش آقا سید ابوالقاسم خراسانی گرفتند و او را از آن مقام طرد کردند - ولی در اثر احتجاجات شدید و تحقیقات کامله از طرف مقامات رسمی کلید آن مقام مجدداً بدست همان خادم سپرده شد و تیردشمنان به سنگ خورد و خوار و خفیف شدند .

۲ - قصر بهجی که پس از صعود حضرت بهاء^۴ الله عملاً مسکن ناقضین بود و در اثر لایابالی گری آنان مطمور مانده بود بارای مقامات حکومتی از دست آنان خارج گردید و در اختیار مرکز جهانی بهائی قرار گرفت لذا باکمال دقت تعمیر شد

بوسیله چراغهای برق نورانی گشت و تزیینات داخلی آن انجام یافت و زائرین باشور و شعف بزیارت آن موفق گردیدند .

۳ - شیعیان عراق به بیت جمال مبارک در بغداد تجاوز نمودند و آنرا تصرف نمودند به حسینیه تبدیل کردند . باید دانست این بیت مبارک پس از سرگونی حضرت بهاء الله به اسلام پس از رنه و عکا پیوسته در دست امرالله بود و یک سال قبل از صعود حضرت عبدالبهاء دستور تعمیر آن صادر شده بود - بهائیان عراق این جریان را در ادگلههای عراق تعقیب نمودند . جریان امرسپس به جامعه ملل کشیده شد که همه جا رأی به حقوق جامعه بهائی داده شد و لسی متاسفانه قضیه روی مصالح و ملا حظاتی درپوته اجمال مانند ولی این اقدام موجب شناسائی و نفوذ بیشتر امرالله در مجامع بین المللی گردید .

۴ - در اثر تغییر وضع حکومت مشرق الاذکار عشق آباد مورد تصرف حکومت محل قرار گرفت - ابتدا ۱۰ بمدت پنج سال با جاره جامعه بهائی گذارده شد که برای مدت پنج سال دیگر تعدید گردید ولی بعداً تشکیلات امری در آن شهر تعطیل گردید و نمایندگان جامعه بهائی توقیف و مسورد بازرسی قرار گرفتند . کتب و آثار امری ضبط گشت و پانصد نفر

از بهائیان بزندان افتادند و اموالشان اخذ گردید و برخسی
به سیبری و نقاط قطبی تبعید شدند و اغلب ایرانیان به ایران
بازگردانده شدند و مشرق الاذکار به موزه هنری تبدیل گشت
۵ - در آلمان مؤسسات نظم اداری بهائیان مورد تجاویز
و تهدید حکومت قرار گرفت و این تأسیسات که منادی صلح
و وحدت عالم انسانی و ترک تعصبات و امتیازات نژادی بودند
منحل گردیدند و پیاران آلمان در تحت فشار و تضییقات قرار
گرفتند .

۶ - در مهد امرالله مدارس بهائیان تعطیل شدند - برخی
از حضائر قدس در شهرها بسته شدند - قباله ازدواج بهائیان
در دفاتر به ثبت نرسید و کشتار مؤمنین و تاراج و زندان آنان
در شهرهای مختلف مانند شیراز - اصفهان - خراسان
آذربایجان - اردبیل و آبادیه روی داد .

دوم : انفصال و استقلال امرالله از سایر ادیان

۱ - در کشور مصر تا سیسات و تشکیلات و افراد احباب مورد حمله شدید اولیای امور و مقامات دینی قرار گرفتند و بمنظور جلوگیری از فعالیت بعضی از یاران که دارای مشاغل رسمی مذهبی بودند عالیترین محکمه دینی مصر استقلال - و انفصال امر بهائی را از سایر ادیان اعلام نمود . صدور این رأی در کشور مصر بزرگترین کشور عرب مسلمان که داعیه خلافت اسلامی را داشت حائز اهمیت بسیار میباشد بدین ترتیب امرالله در آن کشور از مرحله مظلومیت و مجهولیت گذشت و به مرحله انفصال و استقلال وارد گردید . این فتوی یکی از مهمترین نکات تاریخی عصرتکونین را ثبت مینماید - این حکم که به تأیید مقامات رسمی و مذهبی مصر رسید یاران را در مصر سپس در سایر کشورهای جهان به اجرای وظائف خویش تحریمی نمود و با آنکه رأی صرفاً " بمنظور خصومت با امرالله صادر شده بود ولی سبب گردید که دشمنان امر در شرق و غرب که مدت یکصد سال از اقرار و اعتراف به استقلال و تمایز و تفاوت دیانت بهائی از سایر ادیان خود داری مینمودند به گوشه خموشی پناه ببرند باستناد این حکم محافظان ملیه از حکومت خود تقاضای شناسائی امرالله را نمودند و در مصر و ارض اقدس و ایالات متحدہ اقدامات

لازم جهت تحصیل رسمیت امر بعمل آوردند .

متعاقب این جریان موجباتی فراهم آمد که در قطعه زمین
رسماً در قاهره و اسمعیلیه جهت تأسیس گلستان جاوید
اختصاص یابد و با انتقال رسم جناب ابوالفضائل از قبرستان
مسلمین و رسم میس لو اگتسینگرام الصلغات غرب از
قبرستان مسیحیان با همکاری محافل مرکزی بهائیان ایران
و ایالات متحده آمریکا اولین گلستان جاوید در شرق تأسیس
یافت . در ارض اقدس نیز محل تدفین بهائیان به محلی در
عکا روضه مبارکه تغییر یافت و طبق اوامر حضرت ولی امرالله
مراسم تکفین و تدفین اموات طبق احکام بهائی بی پرده و حجاب
معمول گردید و احباب از مراجعه به محاکم اسلامی در باره
مسائل مربوط به ازدواج و طلاق که قبلاً مرسوم بود خودداری
نمودند .

پس فاصله بعد از این اقدام از طرف نمایندگان جامعه
بهائی در حیفا از دولت فلسطین تقاضای شناسائی رسمی
دریانت بهائی گردید که مورد قبول واقع شد لذا عقدنامه های
بهائی بر رسمیت شناخته شد و بعد از آن املاک و موقوفات
امری در مرکز جهانی بهائی از پیردخت مالیات معاف گردید
و شعب محافل ملی بهائیان آمریکا و هندوستان به ثبت رسیدند

در آمریکا محفل ملی بهائیان آمریکا از طرف اولیای امور بعنوان
یک هیئت مذهبی رسمی شناخته شد و احکام و اصول امری
در باره احوال شخصیه مجری گردید - در شیکاگو برای اولین
بار عقد نامه بهائی برسمیت شناخته شد و سپس در شهرهای
بزرگ آمریکا بهمین روال اقدام و اجازه نامه مخصوص دریافت
گردید . ثبت اسم اعظم بر مرقد افراد بهائی که در جنگ کشته
میشوند با اجازه وزارت دفاع آمریکا مجاز شناخته شد متعاقب
صدور حکم محکمه شرعی مصر د اثر بر استقلال دیانت بهائی
در سایر کشورها مانند بریتانیا - استرالیا - عراق و هند و سئ
نیز برای کسب شناسائی رسمی جامعه بهائی اقدام نمودند
و موفقیت های کسب کردند .

سوم: توسعه خدمات تبلیغی و انتشار امرالله در عالم

- در عصر تکوین بنابه بشارات حضرت اعلی و نوایا و اوامر حضرت بهاء الله و نقشه تبلیغی حضرت عبدالبهاء یاران الهی این سپاهیان روحانی بفرمان مولای توانا حضرت ولی امرالله چنان به خدمات تبلیغی همت گماشتند که نتایج حاصله این فتوحات از مهمترین رویداد های تاریخی امرالله در قرن اول بهائی است . رئیس این انتصارات عبارتند از:
- ۱ - مهاجرت و انتشار یاران در کشورهای و جزائر و اقالیم بطوریکه امراللهی که در عهد اعلی به دو کشور انتشار یافته بود و در عهد ابهی شش کشور را در ظل خود در آورده بود و در عهد میثاق به ۱۹ کشور توسعه پیدا نمود و بود در خاتمه قرن اول بهائی امرالله به ۳۴ کشور مستقل گسترده شد و به چندین اقلیم از اقالیم عالم منتشر گشت و ممالک بسیاری را به نور خود روشن ساخت .
 - ۲ - نژاد های گوناگون در ظل امرالله وارد گشتند که از سپاه و سرخ و زرد و اسپیکو و نژاد های مختلف از اروپا و ژاپن و آمریکای لاتین شامل میگردند .
 - ۳ - آثار امری در دوره حضرت اعلی به دو زبان بود در اوایل پیام حضرت بهاء الله معدودی از آثار امری طبع و منتشر گشت

در دوره حضرت عبدالبهاء به شش زبان ترجمه و انتشار یافت
در خاتمه قرن اول بهائی به بیست و نه لغت ترجمه و منتشر
شد .

۴ - تأسیس موسسات مطبوعات بهائی که اولین آن از
طرف محفل ملی انگلستان بود .

۵ - ابلاغ امرالله به ملوک و روسای جمهور و نفوس مهمه
عالم توسط مبلغین و مبلغات بهائی از جمله میس مارشاروت
که سبب ایمان ملکه رومانیاشد و بعداً " توسط این ملکه نیک اختر
جامعیت امر حضرت بها الله در روزنامه های مهم جهان اعلان
گردید .

۶ - گذاردن کتابها و آثار امری در کتابخانه های مهم
عالم مانند کتابخانه موزه انگلیس در لندن - کتابخانه آکسفورد
کتابخانه کنگره در واشنگتن - کتابخانه صلح در لاهه -
کتابخانه های موسسه صلح نوبل - کتابخانه سلطنتی کپنهاگ
کتابخانه سازمان ملل در ژنو و بسیاری از کتابخانه های مهم
در قارات پنجگانه عالم .

چهارم : اقدامات مهمه تاریخی که در عصر تکوین روی داد ماست

- ۱ - اتمام حجرات مقام اعلی و ساختمان مقام اعلی و ارتفاع قبه طلائی آن بر روی ساختمان اصلی که در زمان حضرت عبد البهاء ساخته شده بود و حضرت ولی امرالله سه حجره بر آن اضافه فرمودند .
- ۲ - انتقال رسم حضرت غضن اطهر و مادر حضرت عبد البهاء به جوار مقام اعلی و ساختن سه بنای زیبا برای این مقامات مبارکه و همچنین رسم حضرت ورقه علیا .
- ۳ - توسعه حدائق و خریداری اراضی حول مقام اعلی در کوه کرمل در حیفا و قصر بهجی بطوریکه این اراضی که در هنگام صعود حضرت عبد البهاء ده هزار متر و هزار متر بیشتر نبود به ۲۳۰۰۰۰ هزار و ۲۵۷۰۰۰ متر مربع بالغ گردید .
- ۴ - کوتاه کردن دست ناقضین از روضه مبارکه و قصر بهجی و حجرات قریب آن مقام مبارک .
- ۵ - کسب معافیت اراضی و مقامات مقدسه از رسوم دولتی و مالیات .
- ۶ - تأسیس دفتر بین المللی بهائی در ژنو مرکز اداری سازمان ملل متحد که مرکز اداری امرالله در اراضی اقدس را در امر ارتباط با جوامع غیر بهائی در شرق و غرب و نشر آثار و تأسیس

کتابخانه و قرائت خانه کمک و مساعدت مینماید .

۷ - تشکیل شورای بین المللی بهائی .

۸ - تسمیه و تعیین ایادیان امرالله که در سال ۱۳۳۶

تعداد آنان به ۲۷ نفر رسید .

۹ - تشکیل هیئت های معاونت در قارات عالم کوه

حضرات ایادیان امرالله را در امور تبلیغی و اداری مساعدت مینمایند .

۱۰ - تأسیس شعبات محافل ملیه امریکا - کانادا -

استرالیا - نیوزیلند - انگلستان - ایران - پاکستان - آلاسکا
هندوستان و برما - تاصعود حضرت ولی امرالله .

۱۱ - ساختمان مشرق الاذکارهای آفریقا - استرالیا

و اروپا .

۱۲ - ساختمان دارالانوار بین المللی بهائی که بازبانی

خاص خود جلوه ای دیگر به مرکز جهانی دیانت بهائی می بخشد

ساختمان دارالانوار اولین ساختمان شش گانه ایست که

طبق نظر هیکل مبارک در قوسی در جوار مقام مقدس اعلی در

آینده ساخته خواهد شد و زمین آن هم اکنون یعنی ساختمان

دارالتشريع مرکز هیئت العدل اعظم الهی در حال ساختمان میباشد

و هم اکنون خاک برداری زمینهایی که زود ساختمان قرار خواهد گرفت

آغاز شده است و بزودی خاتمه خواهد دریافت

صعود حضرت ولی عزیز امرالله

حضرت ولی امرالله باتفاق امة البهائه روحیه ^{خانم} در او اخر تابستان سال ۱۳۳۶ برای خرید اشیائی جهت دارالانوار بین المللی بهائى در ارض اقدس به لندن تشریف برده بودند. در آن ایام گریپ و آنفلوآنزا در اروپا انتشار داشت و حضرت شوقی افندی و روحیه خانم هر دو مبتلا شدند. در عین کسالت و تب هیگل مبارک برای اتمام نقشه ای که تمام پیشرفت ها و فتوحات امریه روی آن ثبت شود در اطاق هتل محل اقامت مبارک صرف وقت میفرمودند. هیگل مبارک توسط پزشک - عالمقامی که مورد اطمینان حضرتشان بود ملاقات میشدند. حین استراحت در بستر به مطالعه راپرتها و گزارشات کوه متوالیا" به حضور مبارک فرستاده میشد می پرداختند سحرروز بعد قلب الطف در اثر حمله ناگهانی از کار ایستاد. قلبی که مدت سی و شش سال طول دوره ولایت امرالله برای پیشرفت و تقدیم آئین یزدانی بضریان خود ادامه داده بود.

آری " حضرت شوقی افندی محبوب القلوب احبباء و امانت مقدسی که حضرت عبدالبهائه بیاران الهی سپرده بودند - بر اثر حمله بغتی قلبی در حالت خواب صعود فرمودند "

با انتشار این خبر که ابتدا به ایادیان امرالله ساکن انگلستان

و آلمان و ایتالیا توسط حضرت امة البهاء روحیه خانم اطلاع داده شد قلب یاران داغدار گردید و اشک ها از چشم ها سرازیر شد . روز شنبه نهم نوامبر ۱۹۵۷ مطابق با هیجدهم آبان ماه ۱۳۳۶ عرش مطهر با حضور حضرات ایادی امرالله و نمایندگان ۲۷ کشور و قاطبه احبای انگلستان تشییع گردید و باروحانیت و عظمت خاصی در محل ابدی خود استقرار یافت .

" پایان "

سئوالات

۱ - اولین کشوری که امرالله بطور رسمی بمرحله استقلال وارد گردید چه کشوری است .

۱ - مصر

۲ - هندوستان

۳ - آمریکا

۲ - اولین گلستان جاوید در چه شهری تأسیس یافت .

۱ - قاهره

۲ - دهلی

۳ - بغداد

۳ - آثار امری در خاتمه قرن اول بهائی به چند زبان ترجمه و منتشر گردیده است .

۱ - بیست و پنج

۲ - بیست و هفت

۳ - بیست و نه

۴ - اولین مؤسسه مطبوعات امری در چه کشوری تأسیس یافته است .

۱ - انگلستان

۲ - آمریکا

۳ - هندوستان

۵ - درجه سالی تسمیه ایادیان امرالله از طرف حضرت
ولی امرالله کامل گردید و تعداد آنان چند نفر بود .

۱ - در سال ۱۹۵۵ بیست نفر

۲ - در سال ۱۹۵۶ بیست و پنج نفر

۳ - در سال ۱۹۵۷ بیست و هفت نفر

پاسخ‌های صحیح سئوالات درس هیجد هم

ذیلاً " پاسخ های صحیح سئوالات درس هیجد هم درج میگردد
تا پژوهندگان جوابهایی را که سئوالات داده اند با جواب
صحیح مطابقت نمایند .

۱ جواب صحیح سئوال

۱ ردیف

۲ جواب صحیح سئوال

۱ ردیف

۳ جواب صحیح سئوال

۳ ردیف

۴ جواب صحیح سئوال

۱ ردیف

۵ جواب صحیح سئوال

۳ ردیف

• توجه •

- برای کسب اطلاعات بیشتر پژوهندگان محترم میتوانند
به کتابهای زیر مراجعه فرمایند .
- ۱ - کتاب مستطاب گاد پاسزبای " قرن بدیع " بقلم معجز
شیم حضرت ولی امرالله .
 - ۲ - کتاب تاریخ نبیل .
 - ۳ - گوهریکتا بقلم امه البهاء حضرت روحیه خانم .
 - ۴ - بدایع الاثار جلد ۱ و ۲
وسایر کتب تاریخی امری منتشره از طرف لجنه ملی تصویب
تالیفات و مؤسسه ملی مطبوعات امری .

XXXXXXXXXX